

توان یاب

سال شانزدهم شماره ۶۲
(زمستان ۱۳۹۵)

۲	سرمقاله
۳	به بهانه روز جهانی معلولان
	مجید انتظاری
۴	در آینده نود درصد مشاغل ، وابسته با فضای مجازی خواهد بود
	دکتر علی اکبر جلالی، پدر فناوری اطلاعات
۸	معلولان هم می توانند فریلنسر یا آزاد کار باشند!
	یادداشتی از مانی رضوی زاده
۱۰	بنا داریم از وبسایت جدید رعد در دوازده آذر رونمایی کنیم
	رحمان علاقبند
۱۲	امیدواری و اعتماد به نفس، نقش به سزایی در موفقیت کاری دارد
	حمیدرضا فریدونی، مدرس it در رعد
۱۷	شهروند مجازی در راستای تحقق شهر هوشمند، راه اندازی شد
	سید اکبر علوی، مدیر عامل فروشگاه شهروند
۱۹	اینترنت اشیا چیست و چه کاربردی دارد؟
	علیرضا سلطان محمدی
۲۰	در دنیا توسعه و دسترسی به الکترونیک، ابزاری معادل توانبخشی است
	آیدین نعمتی، کار آفرین نمونه
۲۲	رمز موفقیت ما، در صداقت با مردم و اعتماد مردم به ماست!
	علیرضا صادقیان، مدیر سایت نت برگ
۲۵	در این دوره، ایده و خلایقیت حرف اول را در بازار میزند
	عماد بهاور، مدیر عامل شرکت مثالی شرق
۳۰	آسیب شناسی اشتغال در فضای مجازی
	لیلا شمایل، تسهیلگر حوزه کار آفرینی اجتماعی
۳۲	زمزمه
۳۳	باید پشتکارشان را زیاد کنند، نا امید نشوند تا با نتیجه برسند!
	مصطفی لطفی مدیر سایت پازلی
۳۷	کار آفرینی اجتماعی می گوید: هم خودت بهره مند شو و هم به دیگران بهره برسان
	سایت دونیت از زبان جواد یزدانی
۴۱	گفتگو با کسی که معلولیت هیچوقت مانع راهش نبوده است
	چهره موفق
۴۴	زمزمه
۴۵	به دوستان توصیه می کنم، از ازدواج نترسند!
۴۸	سلامت
۵۰	برنامه اسکان بشر ملل متحد
۵۱	معرفی کتاب
۵۵	در رعد چه خبر؟



صاحب امتیاز:
مجمع آموزشی نیکوکاری رعد
مدیر مسئول:
دکتر قاسم صالح خو
سر دبیر:
دکتر مریم رسولیان
شورای سیاست گذاری:
صدیقه اکبری، عبدا. توسلی،
دکتر محمد کمالی، دکتر مجید
میرخانی، دکتر نرگس شفاوردی،
دکتر مجتبی کامیاب، لیلا انگوتی،
محمدرضا دشتی، منصوره پناهی
دبیر تحریریه:
هاله باستانی
مدیر اجرایی:
رضا سخن سنج
همکاران این شماره:
سهیلا علیخانی، افسانه عسگری،
سودابه بیات، نازنین رحیم زاده
مترجم:
علی مجتهدزاده
گرافیک: پرویز مقدم
طراح جلد: یاسمن روشنی تبریزی
صفحه آرایی: سمانه فطرس
عکاس: نگین موسوی پورمهرام،
مینا اروانه
حروفچینی: سودابه بیات
ویراستار انگلیسی: مهراوه عمرانی
مترجم انگلیسی: علی مجتهدزاده

نشانی دفتر نشریه: شهرک غرب
(قدس) فاز ۲، خیابان هرمزان، خیابان
پیروزان جنوبی، پلاک ۷۴
کد پستی: ۱۴۶۶۶ صندوق پستی:
۱۴۴-۱۴۶۶۵
شماره تماس: ۸۸۰۸۲۲۶۶
۸۸۰۷۶۲۲۶
info@raad-charity.org
www.raad-charity.org

توان یاب از دریافت مقالات
و دیدگاه های صاحب نظران
استقبال می کند. مقالات
ترجمه شده همراه با کپی
اصل مقاله ارسال شود.
مقالات ارسالی پس فرستاده
نمی شود. توان یاب در ویرایش
و کوتاه کردن مطالب آزاد است



فضای مجازی و دنیای درون

گسترش دسترسی به اینترنت، همراه با توسعه فعالیت‌ها و امکانات دنیای مجازی همه و همه دست به دست هم داده و فرصت‌های فراوانی برای رشد و توسعه فردی و اجتماعی فراهم آورده است. این فضا امکان نشر، گسترش و دسترسی به اطلاعات را افزایش داده است. محصول غیر قابل اجتناب توسعه فن‌آوری اطلاعاتی، تنوع انتخاب‌های در دسترس و اهمیت قدرت انتخاب و هم‌چنین افزایش نیازهای کاذب است. برای گام نهادن مؤثر در مسیر پربینج و خم و به ظاهر سهل و ساده‌ی فضای مجازی، تقویت قدرت تصمیم‌گیری؛ توانایی راهبری درونی و دید نقادانه یا تفکر انتقادی از ضروریات است.

نیازهای درونی و بیرونی افراد مبنای انتخاب آن‌ها است و سازوکارهای روانشناختی و درونی افراد در انتخاب‌های متفاوت زندگی اهمیت فراوانی دارد. در شرایطی که امکان انتخاب‌های متعدد در پیش‌روی افراد است، توانایی انتخاب و روش‌های انتخاب نقش مهمی در مسیر زندگی فرد و جامعه دارد. خودکنترلی، تفکر انتقادی و خودراهبری، از ویژگی‌های فردی است که در روش‌های تربیتی خانواده و جامعه قابل رشد و پرورش است و در این شرایط پر امکان کنونی اهمیت دو چندان دارد. خودکنترلی به معنای کنترل احساسات و رفتارها برای رسیدن به یک نتیجه مناسب و قابل انتظار است. وقایع مثبت اجتماعی، خودکنترلی را افزایش می‌دهد. افرادی که از خودکنترلی بالایی برخوردار باشند می‌توانند الگویی مناسب برای رفتارهای خردمندانه و منطقی دیگران باشند. تفکر انتقادی به معنای ارزیابی و جستجو در مفاهیم و شنیده‌ها است. طرح پرسش‌های مناسب در ذهن و جستجو برای دستیابی به پاسخ این پرسش‌ها و در نهایت نتیجه‌گیری است.

شرط پایه برای رشد این گونه مهارت‌ها، افزایش مهارت‌های فرزند پروری است. توجه به نیازهای درونی و علائق کودک همراه با پذیرش تفاوت‌های فردی، پایه‌ای برای اهمیت دادن به نیازهای خود و دیگران در بزرگسالی خواهد شد، به عبارتی و به طور ذاتی افراد همان‌گونه در جامعه با دیگران رفتار می‌کنند که در دوران کودکی و درون خانواده با آن‌ها رفتار شده است. اگر والدین در کنار توجه به نیازهای کودک، به نیازهای خود نیز توجه داشته باشند، یک اصل مهم سلامت‌روان «تعادل بین دنیای درون و دنیای بیرون» برقرار خواهد شد و مهارت‌های خودکنترلی و خودراهبری در بین افراد جامعه رشد خواهد کرد. در چنین شرایطی جامعه با خود و دیگران در صلح و آرامش زندگی خواهد کرد و روش‌های حل مسئله و حل تعارض از روش‌های پرخاشگرانه و حذفی به سمت پذیرش و همدلی حرکت کرده و خشم و خشونت کاهش می‌یابد.

دسترسی گسترده به اطلاعات سره و ناسره که با توسعه فن‌آوری اطلاعات میسرگشته است، مانند هر فن‌آوری دیگری نقاط ضعف و قوتی را به همراه دارد. افزایش سرعت و وسعت فن‌آوری‌ها، سود و زیان آن‌ها را نیز افزایش می‌دهد و دغدغه مدیران جامعه افزایش سود و کاهش زیان این فن‌آوری‌ها است. افزایش توانمندی افراد روشی برای افزایش سودمندی و کنترل دسترسی به اطلاعات روشی برای کاهش زیان فن‌آوری است، که کشورهای مختلف بر اساس دیدگاهشان به میزان متفاوت از هر یک از این رویکردها استفاده کرده و بر اساس تجارب، باورها و نگرش‌هایشان یکی از این دو راهکار را برجسته‌تر می‌کنند. تجارب کشور ما نشان داده است که کنترل شدید و یا محدودیت دسترسی، فارغ از درست یا غلط بودن، راهکاری غیرعملی و یا حتی زیان‌آور است. رویکرد دوم تقویت رویکردهای خودراهبری، خودکنترلی و تفکر انتقادی از توانمندی‌هایی هستند که هم‌زمان با توسعه دسترسی به فضای مجازی نقش مهمی در استفاده مؤثر از این امکانات دارد.



به بهانه روز جهانی معلولان!

مجید انتظاری

امسال در مسیر جاده‌ای از دردها و مشکلات که افراد دارای معلولیت در آن حرکت می‌کردند، تقاطعی دیده شد که روزه‌های امید را در دل زنده نگه داشت.

درست است که در آستانه روز جهانی معلولان، کمیت مصائب بر شادی‌ها می‌چربد اما نتوانسته بر روی کیفیت آن اثر بگذارد. بله، هنوز چالش‌های فرهنگی، شغلی، تحصیلی، دسترسی و سلامت به قوت خود باقی است. هنوز بهزیستی با آن بودجه‌ی ناچیز ۱۸۰۰ میلیارد تومانی و نگرش‌های منفی که بعضاً در برخی کارکنان این سازمان دیده می‌شود مأمّن معلولان نیست. هنوز نشانه‌هایی مبنی بر کاهش بیکاری ۴۰ درصدی معلولان دیده نمی‌شود. هنوز کمتر کسی به فکر مناسب سازی دانشگاه‌های جدیدالتاسیس و قدیمی برای افراد دارای معلولیت است. هنوز ورزشکار دارای معلولیت را به دلیل نداشتن پا از ورود به استخر منع می‌کنند. هنوز تابوی نگرش منفی جامعه به ازدواج معلولان شکسته نشده است. هنوز طاهره و طاهرها با برادران و خواهران دارای معلولیتشان ناشناخته در بی‌قول‌های کلان‌شهرها با غول اقتصاد دست و پنجه نرم می‌کنند. هنوز خطوط حمل و نقل عمومی پذیرای ۱۵ درصد از شهروندان خود نیست. هنوز آمار دقیقی از تعداد افراد دارای معلولیت وجود ندارد که بتوانند به حساب بیایند.

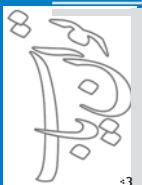
اما در میان این همه افسوس، طناب‌هایی نامرئی ما را به زندگی گره می‌زند. طناب‌هایی که در دستان امثال زهرا نعمتی و سیامند رحمان جای گرفته‌است. به راستی کدام ایرانی می‌توانست از دیدن برق چشمان و لبخند زهرا نعمتی بر پیشانی کاروان المپیک ایران که برای اولین بار در تاریخ ورزش کشور رقم خورد و پرچم ایران در دست یک فرد دارای معلولیت بود اشک شوق نریزد؟ یا آن زمان که سیامند رحمان در پارالمپیک انتقام ناداوری در حق بهداد سلیمی را گرفت و تمام ایران را غرق در غرور ملی کرد، چه کسی رغبت می‌کرد از معضلات معیشتی و شغلی معلولان سخن بگوید؟

در جامعه‌ای که کارگردانان تلویزیونی به عنوان نخبگان آن به جای ارائه خوراک فکری ایده‌آل و سالم، تنها با نیت جلب مخاطب، از تفکرات قالبی تاثیر می‌گیرند و بر همان اساس، شالوده تولیدات فرهنگی خود را بنا می‌گذارند، آیا وجود افرادی چون زهرا نعمتی و سیامند رحمان برای فرهنگ سازی، غنیمت نیست؟ به همین دلیل میدان‌هایی هم‌چون پارالمپیک که چنین افرادی از طریق رسانه در کانون توجه قرار می‌گیرند، می‌تواند بهترین مجال برای ارائه الگوهای جدید و تغییر بینش جامعه در خصوص چگونگی رفتار با افراد دارای معلولیت باشد. یک تشکر هم به جامعه ورزشی بدهکاریم. گویی جامعه ورزشی ماموریت داشت در مسابقات پارالمپیک بخشی از خلاء فرهنگی ناشی از قصور دهه‌هایتمادی رسانه‌های ارتباط جمعی را با پررنگ کردن نقش زهرا نعمتی در بین سایر ورزشکاران پر کند.

زهرا نعمتی در مراسم افتتاحیه المپیک ۲۰۱۶ برزیل نماینده گروهی بود که مستمری ماهیانه آنها خرج خرید یک کیلوگرم گوشت قرمز می‌شود، مجرد مادام‌العمر بیش از ۵۰ درصد آنها، رنجشان می‌دهد، فراموشخانه کهریزک به کابوس بعضی از آنها تبدیل شده، قانون مناسب‌سازی در شهرداری‌ها به ضرر آنها دور می‌خورد و بسیاری رسانه‌ها از بیان مشکلات آنها شانه خالی می‌کنند.

با این حال زهرا تبلور امید در چنین گروهی بود. نعمتی قبل از اعزام به ریو بیان کرد که پرچم‌های ما بالاست. او پیش از آن هم گفته بود؛ معلولیت یک ویژگی است که همچون رنگ چشم، قد، وزن، رنگ پوست یا سایر خصوصیات فردی باید به آن نگریسته شود. چنین فردی با این طرز فکر مثبت، پیشاهنگ یک کاروان از کشوری اسلامی بود. کاروان ایران با ۱۱۱ ورزشکار که بیشترین تعداد ورزشکاران پس از انقلاب اسلامی را نمایندگی می‌کرد، فردی را در پیشانی خود قرار داد که می‌توانست نمادی از تغییر نگرش سنتی به افرادی با ویژگی‌های خاص تلقی شود.

بله، پرچم‌های ما هنوز بالاست. چه فرقی می‌کند ما ۱۲ میلیون، ۸ میلیون، ۱/۵ میلیون یا ۱/۳ میلیون نفر باشیم. مهم این است که ما هستیم و به فردای روشن امید داریم.



پروفسور علی اکبر جلالی، مدرک فوق دکترا مهندسی برق، گرایش کنترل کامپیوتر را از دانشگاه ویرجینیای غربی دارند. ایشان استاد تمام دانشکده برق در دانشگاه علم و صنعت ایران و استاد پاره وقت دانشگاه ویرجینیای غربی هستند. زمینه تخصصی این استاد دانشگاه، کنترل و بحث فناوری اطلاعات است. به گفته دکتر جلالی، فضای مجازی، نامحدود است و فضای مناسبی برای اشتغال افراد دارای معلولیتی است که دانش استفاده از فناوری اطلاعات را کسب کرده‌اند. با ایشان که به پدر علم فناوری اطلاعات معروف هستند به گفت‌وگو می‌نشینیم.



در گفت‌وگو با پدر علم فناوری اطلاعات عنوان شد؛

در آینده نزدیک بیش از نود درصد مشاغل وابسته به فضای مجازی است!

صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان پدر فناوری اطلاعات و ارتباطات معرفی شده‌ام، که البته خود را شایسته این لقب نمی‌دانم و اصولاً با این‌گونه القاب میانه خوبی ندارم. حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات مانند یک دریا بزرگ است و در درون خود شگفتی‌های فراوانی دارد، چگونه بنده می‌توانم پدر یک حوزه به این عظمت باشم! بنده در بیش از دو هزار و پانصد برنامه رادیو و تلویزیونی شرکت کرده و همیشه سعی کرده‌ام که با فرهنگ‌سازی این پدیده را در ایران جا بیاورم، خوشوقتان تا حدودی هم در این راه موفق بوده و موضوع را به زبان ساده در میان مردم جا انداخته‌ام. به غیر از فرهنگ‌سازی، در پروژه‌های پیاده‌سازی این فناوری در ایران هم دخالت موثر داشته‌ام. امروزه دیگر بنده نفر اول نیستم در ایران افراد شاخص بسیاری که بعضاً شاگردان خودم بوده‌اند دانش برتری نسبت به بنده دارند و در حال ایجاد فرصت بیشتر برای آنها هستیم و خودم را کمی از صحنه خارج کرده‌ام.

آخرین کار مهمی که در حال انجام آن هستیم و می‌تواند برای افراد دارای معلولیت و افراد کم توان جسمی مورد استفاده باشد، پدیده جدیدی به نام اینترنت اشیا است. در این پدیده افراد

آخرین کار مهمی که در حال انجام آن هستیم و می‌تواند برای افراد دارای معلولیت و افراد کم توان جسمی مورد استفاده باشد، پدیده جدیدی به نام اینترنت اشیا است. در این پدیده افراد و به خصوص افراد دارای معلولیت، می‌توانند ارتباط خود را با اشیا به‌گونه‌ای برقرار کنند که کنترل اشیا به‌دست آنها باشد

دهندگان ادبیات این‌گونه کاربردها در کشور بوده‌ام.

آقای دکتر به شما لقب پدر فناوری اطلاعات را داده‌اند. لطفاً کمی در این مورد صحبت کنید.

شاید به خاطر فعالیت‌های گسترده فرهنگی و اجرایی در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات و ایجاد روستاها و شهرهای الکترونیکی این لقب را به من داده‌اند. در سال ۱۳۸۸ طی مراسمی در محل سالن همایش‌های بین‌المللی

آقای دکتر! لطفاً در ابتدای گفت‌وگو خودتان را بیشتر معرفی نمایید.

اینجانب علی اکبر جلالی متولد ۱۳۳۳ اصالتاً شاهکویی هستم. شاهکوه روستای در ۶۰ کیلومتری شهرستان گرگان و ۶۰ کیلومتری شهرستان شاهرود قرار دارد و به اولین روستای اینترنتی ایران شناخته می‌شود. دوره دکتری و دکتری مهندسی برق را در گرایش کنترل کامپیوتری را از دانشگاه ویرجینیای غربی در سال ۱۳۷۲ دریافت کرده‌ام. در حال حاضر استاد دانشکده برق در دانشگاه علم و صنعت ایران و استاد پاره وقت دانشگاه ویرجینیای غربی هستم. مسئولیت فعلی بنده در دانشکده برق مدیریت گروه کنترل است و همزمان مشاور علمی و فناوری جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی نیز هستم. زمینه تخصصی‌ام در زمینه کنترل در داخل دانشگاه و انجام پروژه‌های تحقیقاتی در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباط در سطح جامعه است. تا به حال ۵۶ جلد کتاب و چند صدمقاله تخصصی تالیف یا ترجمه کرده‌ام. در بیشتر کاربردهای فناوری اطلاعات و ارتباطات مانند: تجارت الکترونیکی، آموزش الکترونیکی، دولت الکترونیکی و بانکداری الکترونیکی نقش تاثیرگذاری داشته‌ام و جزء پایه‌گذاران و توسعه



شماره ۳ زمستان ۱۳۹۸

1. Internet of Things

و به‌خصوص افراد دارای معلولیت، می‌توانند ارتباط خود را با اشیاء به‌گونه‌ای برقرار کنند که کنترل اشیاء به‌دست آنها باشد. قبلاً شاید پرستاری از یک فرد دارای معلولیت سخت بوده، چون نیاز به یک مراقبت دائمی وجود داشت، ولی اکنون به کمک این تکنولوژی و توسط اینترنت اشیاء یا اینترنت چیزها، می‌توان از چنین افرادی مراقبت و نگهداری کرد. به این معنی که با دستور به یک شیء، کارها انجام می‌شود و شیء مانند یک موجود زنده تعامل برقرار می‌کند. هم اکنون در بازار یخچال‌های خانگی فناوری اینترنت اشیاء ورود پیدا کرده است و در درون این یخچال‌ها برنامه‌هایی وجود دارد که می‌توان مدیریت سایر اشیاء خانه را به یخچال سپرد! مثلاً به یخچال برنامه‌ای داده می‌شود که در فلان ساعت که شما در منزل نیستید گاز را روشن یا خاموش کند، آرام‌پز را روشن کند، چنانچه نور آفتاب شدید شود پرده کرکره‌ها را پایین بیاورد و وقتی در راه سفر هستید سیستم گرمایش یا سرمایش را روشن کند تا وقتی شما به منزل می‌رسید غذا حاضر باشد و هوای منزل مناسب شما باشد. حتی می‌توانید در برنامه اینترنت اشیاء یخچال به او بیاموزید که اگر دزدی وارد خانه شما شد، از او عکس بگیرد و به پلیس زنگ بزند و اطلاع بدهد و یا زمانی که تخم مرغ درون یخچال به اتمام میرسد خود با مغازه محل تماس بگیرد و خرید کند! تصور کنید روزی را که یک فرد دارای معلولیت از طریق این تکنولوژی بتواند به همه چیز دسترسی داشته باشد و نیازمند دیگران نباشد! امروزه دنیای اینترنت رو به پایان است و اینترنت اشیاء در راه است و آینده اینترنت است. امروزه تقریباً بیش از ۵ میلیارد نفر در سراسر جهان از طریق موبایل با یکدیگر در ارتباط هستند، حالا نوبت اشیاء است که با هم تماس بگیرند و در تعامل با یکدیگر و یا انسان و حتی حیوان باشند! این تکنولوژی بسیار مفید است، مثلاً یک فرد دارای معلولیت می‌تواند از طریق موبایل ویلچرش که مجهز به امکانات اینترنت اشیاء است را صدا کند که بیاید و در کنارش قرار گیرد و یا وسیله‌ای که گم کرده‌است را به راحتی پیدا کند.

این تکنولوژی چگونه کار می‌کند؟

طرز کار آن آسان است، به این صورت که در همه اشیاء، یک تگ کوچک مثل آر-اف-آی-دی، که مختصر شده است نصب

1. tag
2. Radio-Frequency Identification

برای اشتغال در فضای مجازی توانمندی‌های سطح بالایی نیاز نیست. شاید لازم نباشد که همه افراد آموزش‌های تخصصی را دیده باشند. آموزش‌ها باید نقطه‌ای باشند. یعنی همان مهارتی را که در کار لازم دارند را باید آموزش ببینند.

می‌شود و ارتباط این تگ با سایر اشیاء که دارای تگ و سیستم ارتباطی معمولاً بی‌سیم هستند و یا با صاحبان آنها برقرار می‌شود و از طریق گوشی این ارتباط مدیریت می‌شود. در ایران این فناوری بسیار نوپا است و بنده در ترم گذشته، برای اولین بار در کشور درس اینترنت اشیاء را در دانشگاه علم و صنعت ایران ارائه نمودم. این درس همزمان در چهار دانشگاه آمریکا هم در حال ارائه است. یعنی ما در ایران حداقل در این درس همگام با جهان پیش می‌رویم. اولین آزمایشگاه تخصصی اکوسیستم اینترنت اشیاء را در دانشگاه علم و صنعت ایران را با همکاری بخش خصوصی ایجاد کرده‌ایم که فعلاً در حوزه شهر هوشمند، خانه هوشمند و سلامت هوشمند فعال است که هر سه موضوع می‌تواند به افراد دارای معلولیت کمک کند. در حوزه شهر هوشمند می‌توان کنترل ترافیک را انجام داد، در زمینه خانه هوشمند می‌توان روشنایی اتاق‌ها بصورت خودکار تنظیم نمود و در حوزه سلامت هوشمند می‌توان از دور نبض افراد یا درجه حرارت بدن آنها را اندازه‌گیری کرد. این نمونه خدمات هم اکنون در آزمایشگاه ما موجود است. در حوزه کشاورزی هم نقش اینترنت اشیاء بسیار زیاد است. ما در آزمایشگاه در حال تحقیق بر روی سرویس‌های مورد نیاز حوزه کشاورزی مانند مدیریت آب هستیم. این پروژه می‌تواند برای فرد دارای معلولیت که در خانه نشسته است بسیار مناسب است. او می‌تواند از راه دور کشاورزی کند! به زمین دسترسی مجازی داشته باشد و آن را آبیاری کند. بنابراین از هر نظر که نگاه کنیم به نظر می‌رسد فرصت خوبی برای افراد دارای معلولیت و کم توان از طریق اینترنت اشیاء در حال شکل‌گیری است و اگر بتوان آنرا درک کرده و از آن بهره‌برداری کرد بخشی از مشکلات این عزیزان بخصوص در حوزه اشتغال کم می‌شود.

ممکن است بیشتر در مورد این فناوری و خدمات آن به افراد دارای معلولیت توضیح دهید؟ آیا باید اپلیکیشنی در گوشی موبایل آنها نصب شود؟

بله. علاوه بر اپلیکیشن و نرم‌افزاری که در موبایل نصب می‌شود، نیاز به سخت‌افزارهایی هم هست. اینترنت اشیاء نیاز به سنسورهای دارد که در یک شیء نصب می‌شوند، مثلاً در خانه هوشمند نیاز به سنسور یا حسگری است که نسبت به شدت نور حساس می‌باشد، در کشاورزی نیاز به سنسور رطوبت است و در سلامت هوشمند نیاز به سنسور اندازه‌گیری ضربان می‌باشد. نرم‌افزاری که در گوشی نصب می‌شود، داده‌ها را تحلیل می‌کند و فرد می‌تواند از طریق این اپلیکیشن فرمان دهد که شدت نور را کم یا زیاد کند. به عبارتی، فرد با یک شیء در ارتباط قرار می‌گیرد و آن شیء هم با اشیاء دیگر در ارتباط خواهد بود. مثلاً اگر تغذیه یک فرد دارای معلولیت مورد نظر باشد، می‌توان غذایی را که به او داده می‌شود را از طریق این فناوری آنالیز کرد. این برنامه تحلیل می‌کند که این شخص امروز چه میزان کالری دریافت کرده و یا چه میزان پروتئین خورده است؟ یا چوبانی که در استرالیا در خانه نشسته است و تلویزیون می‌بیند می‌تواند هر لحظه گوسفندان خود را در هر نقطه در مانیتور ببیند. به هر گوسفند یک تگ متصل می‌شود که از این طریق می‌توان فهمید در کجا چرا می‌کند. این امکان از طریق تکنولوژی‌های جدید به‌وجود آمده است. در حوزه معلولان نیز فعالیت‌هایی انجام شده است. مرکز آموزش مجازی "منجی" به سرپرستی آقای آیدین نعمتی در این خصوص در حال فعالیت است. من هم به‌عنوان هیأت مؤسس این مجموعه، در راه‌اندازی آن کمک کرده‌ام. علاوه بر آن شبکه‌ای را برای مرکز کهریزک برنامه‌ریزی کردیم که افراد سالخورده و یا افراد دارای معلولیتی که دور از خانه‌هایشان زندگی می‌کنند، از طریق دوربینی که در خانه نصب می‌شود، بتوانند افراد خانواده و فرزندان خود را ببینند و از این طریق در جریان زندگی قرار بگیرند تا وابستگی عاطفی‌شان حفظ شود. البته به دلایل مختلف هرگز نتوانستیم این ایده را پیاده‌سازی کنیم! این تکنولوژی دو طرفه و به عبارتی تعاملی است، یعنی اگر این پروژه انجام می‌شد، افراد خانواده هم می‌توانستند از وضعیت آن شخص در مرکز سالمندان نگهداری می‌شد، آگاه شوند. این یکی از اقداماتی بود که مقدماتش انجام شد و شرکت اینتل در آمریکا اعلام آمادگی برای در اختیار قرار دادن تجهیزات لازم را کرد ولی در ایران به خاطر مسائلی





اجازه انجام کار داده نشد. این کاری بود که قرار بود در کهریزک انجام شود که متأسفانه نشد ولی جزو اقداماتی است که می‌توان در آینده انجامش داد. به هر صورت اینترنت اشیا راه ورود معلولان جسمی و حتی ذهنی به زندگی عادی و داشتن مشاغل متنوع است. باید آنرا جدی گرفت و روی آن کار کرد.

در بحث اشتغال افراد دارای معلولیت، حوزه فناوری اطلاعات چه کمکی می‌تواند بکند؟

ما یک سری مشاغل را تحت عنوان مشاغل دانش بنیان حرفه‌ای محور تعریف کرده‌ایم که این مشاغل نیاز به حضور فیزیکی اشخاص در محل خاص را ندارند و به نوعی دورکاری پیشرفته محسوب می‌شوند. این پروژه را در استان گلستان، برای حدود پنج هزار نفر فارغ‌التحصیل جویای کار دانشگاهی اجرا کردیم. در بین این افراد چندین نفر از افراد دارای معلولیت هم شرکت داشتند. این افراد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی جویای کار بودند. از بین پنج هزار داوطلب، بیش از سه هزار نفری که شغل نداشتند را انتخاب کردیم و برایشان دوره‌هایی برگزار نمودیم. برای یک دوره کوتاه مدت و برای ۴ حوزه درسی که مرتبط به مشاغل دانش بنیان حرفه‌ای محور بود روزی تا ۹ ساعت آموزش می‌دادیم. درس‌های غیر کلاسیک بودند، مثلاً درس روابط عمومی و ارتباطات، بازاریابی الکترونیکی، آموزش از طریق سیستم‌های الکترونیکی و کار با تبلت از مقدماتی تا پیشرفته. آموزش‌هایی را طراحی کردیم که صرف‌نظر از رشته تحصیلی‌شان، برای ورود به بازار کار به آنها نیاز داشتند. بعد از آموزش از آنها امتحان گرفته شد و دو هزار و سیصد نفر پذیرفته شدند و توانستند زمینه اشتغال خودشان را فراهم کنند. شاید بپرسید این اشتغال چیست؟ به‌عنوان مثال؛ اگر یک فرد دارای معلولیت یک تبلت داشته باشد، کافی است که بداند که این وسیله، یک ابزار کسب و کار و یک مغازه برای او است. او می‌تواند از طریق آن، وسایل خانگی بفروشد، ارتباط تجاری برقرار کند و ده‌ها کار دیگر با آن انجام دهد. می‌تواند از طریق مراکزی مانند رعد، با شرکت‌های تولیدکننده لوازم خانگی قرارداد ببندد و از آنها یک کاتالوگ الکترونیکی بگیرد. این شخص می‌تواند حتی در فامیل خودش اگر کسی خواست چیزی بخرد، برایش بخرد و از شرکت تولیدکننده پورسانت بگیرد. این یک مثال ساده است که می‌شود آن را به موارد دیگر هم تعمیم داد. در فضای مجازی به‌راحتی می‌توان چنین کاری را انجام

روش‌های آموزشی سنتی ایراد دارد. نمی‌شود با آموزش‌های کلاسیک، از افراد بخواهیم که نوآوری کنند و خلاقیت به خرج دهند. باید بتوانیم راه و روش کار را از سطح پایه برای افراد شروع کنیم و آنها را پله پله ترقی دهیم و به جایی برسائیم که سکوی پرشی برای اشتغالشان شود.

داد. اخیراً فروشگاه شهروند فروشگاه مجازی‌اش را افتتاح کرده‌است. با ارتباط با این مرکز می‌توان شرایطی را فراهم کرد که افراد دارای معلولیت از طریق مجازی اجناس این فروشگاه را بفروشند و در ازای آن پولی دریافت کنند. اینها نمونه کوچکی از ظرفیت‌های فضای مجازی برای اشتغال معلولان است. به‌طور کلی نقش فناوری در ایجاد اشتغال نه تنها برای افرادی که معلولیت دارند بلکه برای همه افراد جامعه به سمتی می‌رود که در آینده بیش از نود درصد مشاغل وابسته به آن است. بنابراین رفتن به سمت فضای مجازی برای کسانی که در حوزه توانبخشی و یا خدمت به افراد دارای معلولیت کار می‌کنند، یک امر قطعی، واجب و لازم است. باید در این حوزه سرمایه‌گذاری شده و جدی گرفته شود. مثال دیگری از یک موفقیت کسب و کار در فضای مجازی در بزنم، آمازون یک فروشگاه مجازی در آمریکا است که فعالیت بسیار گسترده‌ای در حوزه کسب و کار دارد. گردش مالی این فروشگاه سالی صد و هفت میلیارد دلار است، حدود دویست و سی هزار نفر در آن مشغول به کار هستند! مطمئناً تعدادی از این افراد معلولیت هم دارند. این فروشگاه سیصد و پنجاه میلیون نفر مشتری همیشگی در سراسر دنیا دارد و فرصت مغتنمی است که افراد با توجه به توانشان در آن مشغول شوند. باید توجه داشت که خدمات و فرصت‌های فضای مجازی بسیار زیاد است و حد ندارد، حد آن توانایی خود فرد است که چقدر بتواند از این امکانات استفاده کند. شانس موفقیت افراد، در صورتی که سواد لازم را برای استفاده از این فناوری داشته باشند، بیشتر خواهد بود.

برای اشتغال در چنین فضایی، به چه توانمندی‌هایی نیاز است؟

توانمندی‌های سطح بالایی نمی‌خواهد. شاید لازم نباشد که همه افراد آموزش‌های

تخصصی را دیده‌باشند. آموزش‌ها باید نقطه‌ای باشند. یعنی همان مهارتی که نیاز است در کار داشته باشد را به او آموزش بدهند. بیشتر از آن نیازی نیست. اگر کسی قرار است با کاتالوگ الکترونیکی کار کند، در همین حوزه به او آموزش داده شود. احتیاج نیست که بتواند ویندوز هم نصب کند یا برنامه نویسی هم بلد باشد. اگر کسی قرار است اپراتور باشد و گوشی تلفن را جواب بدهد، کافی است آموزش مخصوص همین کار را بگیرد. در شاگرد تیمی از بچه‌های نابینا، در همین حوزه مشغولند و جواب تلفن جاهای مختلف را می‌دهند. مرکز تلفن برای خرابی تلفن با آنها قرارداد بسته و هرکسی برای خرابی تلفن تماس می‌گیرد، این افراد در شاگرد جواب می‌دهند. دیگر اینکه اگر شما در تهران سؤالی دارید باید طرف مقابل هم در تهران باشد، از بین رفته است. این فرد می‌تواند در هر جای دنیا زندگی کند! بنابراین مشاغلی به‌عنوان مشاغل دانش بنیان حرفه‌ای محور ایجاد شده است و دیگر مشاغل سنتی کارایی ندارد.

در چرخه جدید که به حضور فیزیکی نیاز نیست، شانس برای افراد دارای معلولیت بالا است. قبلاً همه کارها وابسته به حرکت و حضور فیزیکی داشت ولی الان به توانمندی ذهنی نیاز است. معلولان جسمی حرکتی که توانایی استفاده از تکنولوژی‌های جدید را دارند. در سمیناری در اصفهان که برای افراد دارای معلولیت در همین حوزه صحبت می‌کردم، پس از اتمام صحبت‌هایم بسیاری از خانواده‌ها به من زنگ زدند و گفتند صحبت‌های شما باعث شد که بچه‌های ما از جا کنده شوند، حس خوبی در آنها به‌وجود آمد و احساس کردند که فرصت‌های زیادی برایشان وجود دارد و باید دست به کار شوند.

اگر مرکز رعد استراتژی خود را عوض کند و توسعه فناوری اطلاعات در چارچوب نیاز معلولان را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار دهد، می‌تواند به نتایج شگفت‌انگیزی برسد. مسلماً نمی‌شود فیزیک ویلچر را حذف کرد اما می‌شود با جستجو در اینترنت با ویلچرهایی با کارایی بهتر و مجهز به تجهیزات اینترنت اشیا آشنا شد. امروزه با پرینتر سه بعدی فرد دارای معلولیت می‌تواند ویلچر مورد نیاز خود را با توجه به شرایط جسمی و ابعاد مورد نظر خودش طراحی کند و پرینت سه بعدی آنرا برایش بسازد!

ما در دانشگاه علم و صنعت ایران آزمایشگاه و مرکز طراحی و تولید و ارائه خدمات پرینتر سه بعدی داریم و برای سازمان هلال احمر جمهوری اسلامی ایران یک نمونه ارائه داده‌ایم.

این تکنولوژی‌ها تا چند سال پیش نبوده ولی اکنون چنین امکاناتی وجود دارد. پرینتر سه بعدی هلال احمر امکان ساخت سوکت برای افراد قطع پا را دارد.

به‌طور کلی فناوری اعم از فناوری اطلاعات یا فناوری‌های دیگر مثل همین پرینتر سه بعدی می‌توانند بازار جدیدی برای اشتغال ایجاد کنند. دو جور نگاه به اشتغال و درآمدزایی وجود دارد، اشتغال در داخل کشور، متأسفانه سنتی است و به همین دلیل جلو نمی‌رود، چون همه علاقه به وابستگی به دولت دارند. این شیوه رو به پایان است ولی فضای بازار همیشه باز است و هر روز پدیده جدیدی مطرح می‌شود. باید جوانان را به سمت بازار سوق داد. به سمت کسب و کار و ایده و نوآوری و خلاقیت. فضای مجازی، حوزه‌ای است که معلول و غیرمعلول ندارد، چون کار فیزیکی مورد نیاز نیست. بنده مشاغل دانش بنیان حرفه‌ای محور را برای اولین بار در کشور مطرح کردم و حداقل در یک محل آنرا تست نموده و به آن ایمان آوردم. این پروژه به دولت معرفی شده است. اکنون در وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی سایتی به نام ایران کارورز راه‌اندازی شده است که بر همین اساس کار می‌کند. نحوه اجرای کار به این ترتیب است که دولت به کارفرما مبلغی به‌عنوان بیمه فرد جویای کار می‌پردازد تا کارفرما فرد جویای کار را بیمه نماید. در ابتدای کار کارورز حقوقی دریافت نمی‌کند ولی بعد از یک ماه که تأثیر اقتصادی وجودش در نزد کارفرما مشخص شد به او حقوق پرداخت می‌شود. حالا اگر کارفرما متوجه افزایش بهره‌وری سازمان خود در اثر حضور کارجو شود، می‌تواند حقوق مکفی به او بپردازد. به این وسیله تعهد کارفرما نسبت به استخدام کم می‌شود و فقط نیروهای قابل را جذب می‌کند.

سیاست مرکز رعد آموزش‌های منجر به اشتغال است که از طریق برگزاری کلاس‌های فنی حرفه‌ای صورت می‌گیرد. آیا به نظر شما باید بچه‌ها را برای کارهای خاص و نقطه‌ای آموزش داد؟

باید مسیر و راه و روش توسعه خلاقیت را به آنها آموخت. روش‌های آموزشی سنتی ایراد دارد. نمی‌شود با آموزش‌های کلاسیک، از فرد بخواهیم که نوآوری کنند و خلاقیت به‌خرج دهند. باید بتوانیم راه و روش کار را از سطح پایه برای افراد شروع کنیم و آنها را پله پله ترقی دهیم و به جایی برسایم که سکوی پرشی برای اشتغالشان شود. نمی‌توان یک شبه از کسی خواست که چنین آمادگی را کسب

1. irankarvarz.ir

افراد دارای معلولیت با روش سنتی نمی‌توانند توانمندی‌های خود را به جامعه نشان دهند، چون مردم به ظاهر نگاه می‌کنند. این دوستان باید از فناوری‌های موجود استفاده کرده تا بتوانند در دورترین نقاط جهان توانمندی‌هایشان را عرضه کنند

کند، مگر اینکه کاتالوگی تهیه شود که فرد آن را مطالعه کند و از روی آن آموزش ببیند و در کوتاه مدت بتواند کاری را انجام دهد. تقویت حس نوآوری و کنجکاوی در افراد، با حرف زدن و به‌صورت شفاهی امکان پذیر نیست.

چه پیشنهادی برای موسسه رعد دارید؟ آیا کسانی هستند که به این آموزش‌های بنیادی اشراف داشته باشند؟

من با آموزش‌های کلاسیک صرف مخالف هستم. زمانی که می‌خواستیم کامپیوتر را به مردم معرفی کنیم، شاید لازم بود در سطح خاصی آموزش‌هایی را ببینند که مثلاً اگر مدیر مؤسسه‌ای برنامه کامپیوترش بالا نمی‌آمد، می‌فهمید مشکل چیست تا بتواند برای کارشناس مربوطه، مشکل را توضیح بدهد نه در حدی که خودش بیاید و ویندوز نصب کند.

من زمانی یک سری کتاب با عنوان آموزش کامپیوتر برای نوجوانان تالیف کردم که انتشارات مدرسه آن را چاپ کرد. در این کتاب‌ها نیامدم به فرد یاد دهم که مثلاً برنامه ورد چیست؟ بلکه از همان اول به او گفتم در صفحه ورد چنین آیکنی را می‌بینی وقتی آن را بزنی می‌توانی جدول بسازی. یعنی به‌طور کاربردی آموزش دادم، بدون اینکه وارد جزئیات برنامه شده باشد. پس از اینکه کتاب تمام شد، این فرد مهارتی را یاد گرفته بدون اینکه دو ماه سرکار باشد و آخر هم چیزی نفهمیده باشد. با پایان کتاب این فرد می‌توانست جدولی ایجاد کند و برنامه هفتگی‌اش را در آن بنویسد و از این طریق با ورد هم آشنا شده بود. باید به دنبال استنادی بود که این‌گونه درس بدهند. ممکن است به‌نظر سخت بیاید ولی وقتی این روش به‌کار گرفته‌شود و سیاست‌های آموزشی مشخص شوند، این کار امکان‌پذیر می‌شود. ما ارزیابی درستی از آموزشی که می‌دهیم، نداریم. در دانشگاه هم ارزیابی براساس نمره است کسی که شب امتحان خوب درس

می‌خواند نمره خوب می‌گیرد و کسی که به‌دلیل مشکلی در شب امتحان نتوانسته درس بخواند، نمره قبولی نمی‌گیرد. در حالی که در طول ترم شاید فعال‌تر و بهتر از دیگران بوده‌است. من در آمریکا هم درس می‌دهم و همان وقت که سرکلاس هستم، از دانشجویم در هر نقطه جغرافیایی و یا محلی مانند مترو امتحان می‌گیرم. من سؤال را می‌گویم و او از طریق گوشی خود مرا می‌بیند و جواب می‌دهد. در صورتی که در ایران ما از تکنولوژی در آموزش خوب استفاده نمی‌کنیم.

اگر صحبتی در انتها با بچه‌های دارای معلولیت دارید، بفرمایید:

فناوری اطلاعات در حال کمک کردن به افراد دارای معلولیت است که بتوانند توانمندی‌های واقعی خود را عرضه کنند. افراد دارای معلولیت با روش سنتی نمی‌توانند توانمندی‌های خود را به جامعه نشان دهند، چون مردم به ظاهر نگاه می‌کنند. دوستان باید از فناوری‌های موجود استفاده کرده تا بتوانند در دورترین نقاط جهان توانمندی‌هایشان را عرضه کنند.

من تئوری‌ای با عنوان موج چهارم عصر مجازی سه بعدی دارم که دوستان از طریق اینترنت می‌توانند به آن دسترسی پیدا کنند. موج سوم را تافلر به راه انداخت که همان انقلاب اطلاعات و اینترنت نتیجه آن بود و من موج چهارم عصر دنیای سه بعدی را مطرح کرده‌ام. در دنیای مجازی حضور فیزیکی معنا ندارد. کسی که الان در اینجا نشسته در آن واحد می‌تواند در یک گوشه دیگر جهان هم حضور مجازی داشته باشد. درست مانند اینکه دو نفر مقابل هم نشسته‌اند ولی تا وقتی که به طرف مقابل دست نزنند نمی‌فهمند که نیست. جهان دارد به سمت عصر مجازی سه بعدی پیش می‌رود. یعنی یک تاجر یا بازرگان حضور فیزیکی در یک کنفرانس ندارد ولی با حضور مجازی خود، برای یک جمعیت بزرگ صحبت می‌کند. آنها او را در فضای مجازی می‌بینند و او از این طریق محصول خود را به مشتریانش در هر نقطه جهان معرفی می‌کند. در این چشم‌انداز افراد دارای معلولیت هم می‌توانند حضور جدی داشته باشند. حضور فیزیکی، جسم سالم و زور بازو دیگر در فضای مجازی زیاد اهمیت ندارد، آنچه باید افراد دارای معلولیت داشته باشند، اعتماد به نفس و قابلیت استفاده از فناوری‌ها و ابزارهای نوین است. این افراد باید از فکر ناتوانی جسمی بیرون بیایند و به دنبال افزایش مهارت‌های خود باشند.

2. virtual age



معلولان هم می‌توانند فریلنسر یا آزادکار باشند!

مانی رضوی زاده

تکنولوژی و دسترسی به اینترنت موجب می‌شود که انواع برنامه‌نویسی‌های دسکتاپ، تحت وب و موبایل، ورود اطلاعات و مدیریت محتوا، نویسندگی و ویراستاری، ترجمه، تایپ، صفحه‌آرایی، طراحی‌های گرافیکی، مولتی‌مدیا و معماری، نقشه‌کشی صنعتی و حتی فروش و بازاریابی به صورت آزادکاری ممکن باشند. یک دستگاه کامپیوتر رومیزی یا لپ‌تاپ و یک خط اینترنت گاهی تنها ملزومات سخت‌افزاری مورد نیاز هستند. ولی شاید مهم‌ترین نکته برای این‌که فرد در این راه موفق شود این است که باید در رشته خود از مهارت بالایی برخوردار باشد زیرا دیگر شرکت و رئیس و همکاری وجود ندارند که چم و خم کار را یاد دهند یا در هنگام مشکلات پروژه به یاری شما بشتابند. درست به همین دلیل فرد آزادکار باید زمان قابل توجهی را صرف توسعه مهارت‌ها و یادگیری نکات جدید کند تا از قافله عقب نماند. به خصوص در رشته‌های مرتبط با تکنولوژی وب و کامپیوتر که پیشرفت‌ها و امکانات جدید روزانه در حال وقوع است. وسایط‌های آموزشی متعدد و ویدئوهای آموزشی باکیفیتی هم‌اکنون در دسترس هستند که می‌توانند سطح مهارت شما را بسیار ارتقا دهند. برای مثال فرانش^۲ و فرادرس^۳ طیف وسیعی از آموزش‌های تخصصی را با کیفیت خوبی در اختیار شما می‌گذارند.

آزادکاری یعنی این‌که شما رئیس خودتان هستید! این خیلی جذاب است. درست است که شما مدتی برای یک کارفرما پروژه‌ای را انجام می‌دهید ولی ساعات کار، شکل دفتر یا اتاق کار و ساعات تفریح (!) در اختیار خودتان است. شما می‌توانید میزان کاری رؤیایی در گوشه‌ای از منزل داشته باشید یا حتی گاهی در کافی‌شاپ و کتابخانه کار کنید! این مزیت بزرگ آزادکاری گاهی می‌تواند علیه خودش وارد عمل شود؛ این‌که لازم نیست هر روز صبح در ساعت مشخصی کارت ورود بزنید می‌تواند خوب باشد اما این‌که مدیریت زمان

من یک معلول جسمی - حرکتی هستم که برای تردد از ویلچر استفاده می‌کنم. رفت‌وآمدم به دلیل عدم مناسب‌سازی شهری و وجود پله‌ها کار آسانی نیست و عمده ساختمان‌های اداری و تجاری و دفاتر کاری هم شرایط خوبی از این نظر ندارند. شرایط فعلی من به‌گونه‌ای است که امکان کار هرروزه و تمام‌وقت را ندارم؛ درواقع به دلیل شرایط بدنی‌ام گاهی پیش‌می‌آید که دچار درد و اسپاسم می‌شوم و مثلاً برای یکی - دو روز نمی‌توانم کار کنم. با این اوصاف من در جایی استخدام رسمی نیستم اما اگر یک لحظه فکر کردید که بیکارم، نخیر! درواقع آنقدر سرم شلوغ است که وقت سر خاراندن هم ندارم!

من کار در منزل به شکل آزادکار یا فریلنسر^۱ را برگزیدم. به صورت پروژه‌ای و موردی، طراحی وب و مدیریت وبسایت انجام می‌دهم. در سال‌های گذشته هم کارهای پراکنده ویراستاری، طراحی گرافیکی، تدریس و برنامه‌نویسی فلش انجام داده‌ام. آزادکاری «گونه‌ای قرارداد کارمزدی یا حق‌الزحمه‌ای است که بر پایه آن فرد قول انجام کاری را برای یک کارفرما در ازای دستمزدی مشخص می‌دهد. آزادکار (فریلنسر) کسی است که سرویس‌ها یا خدمات خود را بدون تعهد درازمدت به کارفرما ارائه می‌کند. آنها معمولاً ساعتی، روزانه یا پروژه‌ای دستمزد می‌گیرند و اساساً یک کسب و کار یک نفره است. (مدخل کارمزدی در ویکی‌پدیا) در این یادداشت با بررسی مزایا و معایب این سبک کار می‌خواهم بگویم که آزادکاری برای معلولانی با شرایط مشابه خودم، یک انتخاب شغلی مناسب است.

آزادکاری عمدتاً میان برنامه‌نویسان و طراحان رایج است. هرچند آزادکاری (فریلنسر) در طبقه‌بندی خوداشتغالی می‌گنجد اما ماهیت کار با کامپیوتر، فرصت‌های شغلی موجود در فضای مجازی و امکان مستقل و تک‌نفره کار کردن، این روش را انتخابی خوب برای شاغلان این بخش می‌کند. پیشرفت

2. faranesh.com
3. faradars.org

1. Freelancing



از دست برود و ساعات کاری مفیدی نداشته باشید یا سر وقت نتوانید به قول‌های خود عمل کنید، کابوس محتمل آزادکاری است! یک تلفن، شنیدن صدای تلویزیون منزل، چرخ زدن در اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، گفت‌وگو با اعضای خانواده و عوامل متعدد دیگر به سادگی می‌تواند حواس شما را از کار پرت کند. به جز از دست دادن زمان‌های مفید، تخمین نادرست زمان مورد نیاز یک فعالیت هم می‌تواند مشکل‌ساز باشد. بارها شده است که کارفرمایی درخواست یک کار به ظاهر کوچک را دارد و با خود می‌گوید: «این که کاری نداره! دو ساعته انجامش می‌دم!» ولی انجام آن کار به دلیل یک مشکل اجرایی شش ساعت زمان می‌برد. به هر حال ایجاد لیست‌های انجام کار و استفاده از دفتر یادداشت و اپلیکیشن‌های برنامه‌ریزی می‌تواند تاحدودی کار را زمان‌بندی کند و جلوی اشتباهات و فراموش‌کاری‌ها را بگیرد و به کار نظم ببخشد.

بحث مهم دیگر مسئله درآمد است. وقتی در یک جایی استخدام می‌شویم خیالمان راحت است که هر ماه حقوق ثابت و مشخصی داریم و اگر قرارداد خوبی داشته باشیم از بیمه و اضافه‌کاری و احوالنا پاداش برخورداریم. سابقه کار رسمی و بازنشستگی هم چیزی است که تضمین‌کننده آینده و آرامش شماست. بگذارید خیالتان را راحت کنم: آزادکاری هیچکدام از اینها را ندارد! اما دورنمای آن خیلی هم تاریک نیست. برای بیمه می‌شود از راه‌های جایگزین مثل خویش‌فرما (یا در مورد افراد دارای معلولیت از تسهیلات حمایتی سازمان بهزیستی) اقدام کرد. اما درآمد ثابت یک بحث جدی است. کسی که می‌خواهد چنین سبک کاری را برگزیند می‌بایست انعطاف و آمادگی لازم برای متغیر بودن درآمدش را داشته باشد. ممکن است یک ماه پروژه‌ای نداشته باشید یا پول کارهای قبلی را به‌موقع دریافت نکرده باشید. اینجا باید کمی ریسک کرد. درست است که در ابتدای کار ناامنی شغلی و مالی، سایه ترسناک خودش را به شما نشان می‌دهد اما در صورتی که در کار جا بیافتید و به قول معروف اسمتان سر زبان‌ها بیفتد درآمدی قابل قبول و چه بسا رؤیایی خواهید داشت! من برای اینکه حداقلی از درآمد را برای خودم حفظ کنم همیشه با دو - سه جا همکاری بلندمدت‌تر دارم و هر ماه کارهایشان را انجام می‌دهم. همچنین با یک دفتر تبلیغاتی نیز ارتباط نزدیک برقرار کردم تا سفارش‌های کار طراحی وب خود را به من ارجاع بدهند. به این ترتیب حتی اگر از طرق دیگر هم برای

مدتی پروژه‌ای نداشته باشم، همیشه کاری برای انجام دادن و درآمدی حداقلی دارم. در مورد تعیین میزان دستمزد هم باید به عرف فضای کسب و کار نگاه کرد و شاید برای شروع، برای جلب مشتری بیشتر؛ دستمزد کمتری را در نظر گرفت. اما فراموش نکنید که درست است شما هزینه‌های جانبی کمتری را متحمل می‌شوید و مثلاً به محل کار رفت‌وآمد نمی‌کنید ولی امنیت شغلی پایین‌تری هم دارید و درضمن اگر دستمزد بسیار پایینی را هم طلب کنید کار شما بی‌ارج و قرب جلوه می‌کند. شما برای کسب دانش و مهارت موردنیاز آن کار، روزها و ساعت‌ها تلاش کرده‌اید و حال زمان آن رسیده که میوه به‌دست‌آمده را برداشت کنید.

ذکر موضوعی دیگر هم خالی از لطف نیست که چگونه کار پیدا کنیم؟! ایجاد ارتباطات خوب و مؤثر، داشتن یک وبسایت یا کارت‌ویزیت مناسب، ارسال رزومه و معرفی به شرکت‌ها و دفاتر کاری، آگهی روزنامه و نیز وبسایت‌هایی که بازار کار آنلاین ایجاد کرده‌اند و کارفرما و نیروی کاری را به صورت مجازی به هم معرفی می‌کنند، از مهم‌ترین روش‌ها هستند. در زمینه وبسایت‌های بازار کار آنلاین می‌توان پونیشا^۱ و پارس‌کدرز^۲ را نام برد که شیوه مؤثری برای این کار دارند و اعتماد کارفرمایان و آزادکاران بسیاری را جلب کرده‌اند. برای شروع از صفر و انجام چند کار آزمایشی حتماً در میان دوستان و آشنایان و فامیل، کار خود را معرفی کنید. از نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی (مثل فیس‌بوک، گوگل‌پلاس و توئیتر) هم نباید غافل شد. همچنین رزومه آنلاین و حرفه‌ای در لینکدین و اتباکس^۳ بسیار کمک‌کننده هستند.

مجموع مواردی که برشمردم باعث می‌شود که در حال حاضر آزادکاری را برای خودم، و افراد دارای معلولیتی که شرایطی مشابه دارند، گزینه بسیار مناسبی بدانم. هرچند شاید زمانی دیگر با تغییر شرایط رفت و آمد یا یک پیشنهاد مالی وسوسه‌برانگیز، که وضعیت فیزیکی و توان کاری‌ام در آن لحاظ شود، تصمیم جدیدی بگیرم!

1. ponisha.ir
2. parscoders.com
3. atbox.io



رحمان علاقبند، مدیر گروه جوانان رعد است. او از پانزده سالگی فعالیت داوطلبانه خود در این موسسه را آغاز کرده است. رحمان، لیسانس معدن از دانشگاه آزاد تهران جنوب و فوق لیسانس تجارت و فناوری اطلاعات از دانشگاه میدل سیکس انگلیس را دارد. او به عنوان یک بازوی کمکی، در کنار روابط عمومی رعد هم فعالیت می‌کند. یکی از کارهایی که در حال حاضر به آن مشغول است، بحث فضای مجازی در رعد است.



رحمان علاقبند، مدیر گروه همیاری جوانان رعد

بنا داریم از وب سایت جدید رعد، در دوازدهم آذرماه رونمایی کنیم

قرار است چه تغییراتی در وب سایت ایجاد کنید؟

به دنبال این هستیم که محتوای سایت را سبک‌تر و با دسترسی آسان‌تر کنیم. به نظرمان رسید که مخاطبان اینترنت، شاید حوصله و وقت کافی برای خواندن متن‌های طولانی و سنگین را نداشته باشند. به این فکر هستیم که منوهای اصلی را از ۱۳ مورد که الان هست، به چهار تا کاهش بدهیم و سایت را کاربردی‌تر و به‌روزتر کنیم. وب سایت جدید در روز جهانی معلولان سال ۹۵ رونمایی خواهد شد.

سایت رعد، چه تعداد بازدیدکننده دارد؟
در هر روز حدود پانصد تا ششصد بازدیدکننده از سایت داریم.

لطفاً در مورد جشنواره توانیاب و فضای مجازی که قرار است در رعد برگزار شود، توضیح دهید؟

ما تاکنون سه دوره جشنواره فضای مجازی در رعد برگزار کرده‌ایم. هدفمان از برپایی این جشنواره‌ها این بود که توانیابانی که سایت یا وبلاگ

وب سایت مرکز رعد خیلی وزین و پرمحتواست و آرشیوی از فیلم‌ها و عکس‌هایی از سالیان گذشته در آن وجود دارد. البته چند ماهی است که سیاست جدیدی را در پیش گرفته‌ایم و قرار است از وب سایت جدید، در دوازدهم آذرماه امسال رونمایی کنیم

لازم را در اختیار مراجعه‌کنندگان قرار دهد. اکنون وبسایت مرکز رعد خیلی وزین و پرمحتواست و آرشیوی از فیلم‌ها و عکس‌هایی از سالیان گذشته در آن وجود دارد. البته دو سه ماهی است که سیاست جدیدی را در پیش گرفته‌ایم و قرار است که وبسایت جدید رعد را در دوازدهم آذرماه امسال رونمایی کنیم.

فضای مجازی از چه سالی در مرکز رعد به راه افتاد؟

رعد از مدت‌ها قبل یک وب سایت قدیمی داشت که دچار مشکل شده بود. شش سال قبل، وقتی من در این حوزه شروع به کار کردم، تغییراتی در آن به وجود آوردیم و آن را با یک دومین جدید راه‌اندازی کردیم. به خاطر دارم وقتی که می‌خواستیم گزینه‌ای را برای پرداخت الکترونیک روی سایت بگذاریم، دیگران ما را از این کار منع کردند. می‌گفتند، چه کسی از طریق سایت کمک مالی می‌کند؟ کسی اعتماد نمی‌کند و از این قبیل حرف‌ها! ولی به جرات می‌توانم بگویم که ما جزو ۵ خیریه‌ای بودیم که این کار را برای اولین بار در کشور شروع کردیم. در آن زمان، پرداخت آن لاین را روی سایت قرار دادیم و با اقبال خوبی هم روبه‌رو شدیم. از همان روز، بخشی از کمک‌های مردمی را از طریق وبسایتمان جمع‌آوری می‌کنیم. از ابتدا که وب سایت رعد را راه‌اندازی کردیم، استراتژی‌مان این بود که وب سایت پرباری باشد و اطلاعات



دارند و یا کسب و کار اینترنتی دارند را شناسایی کرده و در این جشنواره، با برگزاری مسابقه بهترین‌هایشان را انتخاب کنیم و جوایزی به آنها تقدیم کنیم. این کار باعث تشویق بچه‌ها و ایجاد انگیزه برای ادامه کار در فضای مجازی می‌شود.

موضوع این جشنواره‌ها در سه سال گذشته، وبسایت و وبلاگ‌نویسی بوده است و امسال در مورد اپلیکیشن‌سازی است. امسال که موضوع اپلیکیشن‌سازی را داریم، از شرکت پازلی دعوت کردیم که برای علاقمندان به این حوزه، کارگاهی برگزار کنند.

در جشنواره‌های قبلی که افراد حرفه‌ای در حوزه وبلاگ‌نویسی و وبسایت شرکت کردند، آنها را شناسایی کرده و به این جشنواره دعوتشان نمودیم. همه شرکت‌کنندگان، معلولیت داشتند اما الزاماً از کارآموزان رعد نبوده و نیستند. این مسابقات، برای تمام جامعه توانیابان برگزار می‌شود.

آیا فضای مجازی رعد می‌تواند به کار و اشتغال بچه‌های دارای معلولیت کمک کند؟

در وب سایت خود رعد، فضایی برای اشتغال بچه‌ها دیده نشده است. ولی در سایت دفتر کارآفرینی رعد، به‌عنوان زیرمجموعه این وب سایت، بحث کاربابی و اشتغال بچه‌ها به صورت حرفه‌ای دنبال می‌شود. کسانی که وارد سایت رعد می‌شوند می‌توانند به وب سایت کارآفرینی اجتماعی رعد^۱ لینک شوند. کارآموزان و توانیابان می‌توانند در این وب سایت ثبت نام کنند و به کار مناسب خودشان معرفی شوند.

آیا از خود افراد دارای معلولیت در راه اندازی وب سایت کمک گرفته شده است؟

ادمین وب سایت ما خانم خان‌اف از توانیابانی هستند که کار به روزرسانی سایت را به عهده دارند. ایشان در ترجمه بعضی از مطالب از دوستان توانیاب کمک می‌گیرند. بعضی اوقات مسابقات بین‌المللی در رعد اتفاق می‌افتد که نیاز است به زبان انگلیسی هم اطلاع‌رسانی صورت بگیرد. در این مواقع از دوستان توانیاب مسلط به زبان انگلیسی کمک گرفته می‌شود.

ما اعتقاد داریم که جهان امروزی روی رسانه‌های اجتماعی^۲ جلو می‌رود و شاید بیشتر از پیامک و کاتالوگ و حتی

کسانی که وارد سایت رعد می‌شوند می‌توانند به وب سایت کارآفرینی اجتماعی رعد به آدرس زیر لینک^۱ شوند. کارآموزان و توانیابان می‌توانند در این وب سایت ثبت نام کنند و به کار مناسب خودشان معرفی شوند

وبسایت، کاربرد داشته باشد. بنابراین ما الآن روی لینک دین، توییتر، اینستاگرام و فیسبوک هم هستیم و سعی کرده‌ایم در این چند سالی که فعالیت می‌کنیم، همه اخبار رعد را به نوعی روی این رسانه‌ها (شبکه‌ها) بگذاریم. می‌توان گفت که ما به‌طور میانگین هفته‌ای سه تا چهار خبر تولیدی یا خبر مربوط به معلولیت را در رسانه‌های اجتماعی پخش می‌کنیم. یک نسخه از این اخبار، روی وب سایت رعد هم قرار می‌گیرد. اگر کاربران، اطلاعات وسیع‌تری نیاز داشته باشند، می‌توانند به سایت مؤسسه مراجعه کنند.

استقبال افراد دارای معلولیت از فضاهای مجازی چگونه بوده است؟ ما برای اینکه کارآموزان و توانیابان را تشویق کنیم که به سایت رعد سرزنند، اخبار معلولان را روی سایت خودمان اضافه کرده‌ایم که دوستان به جای اینکه به‌دنبال روزنامه‌ها یا خبرگزاری‌های مختلف باشند، بتوانند این اخبار را روی سایت ببینند. روزانه سه یا چهار خبر در ارتباط با معلولیت را از خبرگزاری‌ها پیدا می‌کنیم و با ذکر منبع روی سایت قرار می‌دهیم. البته چون وبسایت رعد یک وب سایت عام است، نمی‌دانیم که چه تعداد از این بازدیدکنندگان، خودشان معلولیت دارند.

آیا از وب سایت رعد، برای فروش محصولات و تولیدات کارآموزان مرکز هم استفاده می‌کنید؟

ما اعتقادی نداریم که روی این سایت، یک بازارچه اینترنتی هم

قرار دهیم و کارهای بچه‌ها را به فروش برسانیم. اعتقاد داریم که با شرکت‌هایی که به‌طور تخصصی در این زمینه فعالیت می‌کنند، مثل دیجی کالا ارتباط بگیریم و کارهای بچه‌ها را به این مراکز معرفی کنیم. طبیعتاً این شرکت‌ها خیلی حرفه‌ای‌تر می‌توانند این کار را انجام دهند و مشتریان پستال‌هایی که کار بچه‌هاست را در شب عید در وب سایت‌های مختلف به فروش می‌رسانیم.

در اینجا لازم است به زیرمجموعه وب سایت رعد هم اشاره داشته باشیم. ما یک وب سایت کارآفرینی اجتماعی داریم و یک سایت آکشن رعد^۲ هم داریم که مربوط به حراج آثار هنری در خیریه رعد است. چند سالی است که این نمایشگاه‌ها در رعد برگزار می‌شود و تمام اطلاعات حراج‌های قبلی در این سایت وجود دارد. سایت دیگری هم داریم که سایت دانشگاه رعد است و در زیرمجموعه سایت رعد قرار دارد.

چه برنامه‌ای برای فعال‌تر کردن توانیابان در حوزه مجازی دارید؟

ما سعی داریم با برگزاری جشنواره‌ها و مسابقات سالانه‌ای که داریم، افراد را تشویق به کار در این حوزه کنیم. جشنواره پیش روی ما، جشنواره اپلیکیشن است. ترجیح می‌دهیم این کار را به‌صورت تشویق و برگزاری مسابقه انجام دهیم به جای این‌که افراد را وارد بدنه اجرایی رعد کنیم. از طرفی، آموزش‌هایی که بچه‌ها در مرکز رعد می‌بینند به آنها کمک می‌کند که بتوانند در حوزه کار و اشتغال در فضای مجازی وارد شوند.

و سخن آخر...؟

سعی و تلاش ما بر این است که وب سایت رعد را به نحوی به‌روز و جالب ارائه دهیم که برای مخاطبان رعد قابل استفاده و کاربردی باشد. سعی می‌کنیم در شبکه‌های اجتماعی هم حضور فعال داشته باشیم. اکنون تمام نسخه‌های نشریه توانیاب در روی سایت رعد قرار داده شده است و علاقه‌مندان می‌توانند از این طریق به محتوای نشریه دسترسی داشته باشند. امیدوارم که در وب سایتی که به‌زودی راه‌اندازی می‌کنیم، مخاطبان تشویق شوند تا بیشتر با ما ارتباط برقرار کنند.

3-raadauction.com

1. social-entr.ir
2. social media



حمیدرضا فریدونی، متولد سال هفتاد و فارغ التحصیل رشته مهندسی فناوری اطلاعات است. او مدتی به‌عنوان مدرس دوره‌های طراحی وب به توانیابان مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد آموزش داده است.



حمیدرضا فریدونی

امیدواری و اعتماد به نفس نقش بسزایی در موفقیت کاری دارند

خودشان علاقه‌مند به ادامه در این رشته نبودند. چرا که کار با کامپیوتر نیاز به صبر و حوصله دارد و افراد باید از نظر ریاضی و منطقی عادت به کار ذهنی مستمر داشته باشند. معمولاً افراد علاقه‌مند به کارهای هنری رغبت زیادی به فعالیت‌های فکری در این سطح ندارند و بیشتر مایل هستند تا کاری انجام بدهند که دیده شود و زودتر به نتیجه برسد. به طور کلی فعالیت‌های کامپیوتری و برنامه نویسی این‌گونه نیستند و ممکن است شخصی مدت زمان قابل توجهی را به یادگیری در این زمینه‌ها بپردازد اما نتیجه اش خیلی مشخص و ملموس نباشد.

معمولاً چقدر طول می‌کشد اگر کارآموزان بخواهند از صفر کار را شروع کنند و به مرحله‌ای برسند که توانمندی‌های لازم را به دست بیاورند؟

با توجه به برنامه‌ریزی‌های رعد در زمینه طراحی وب، اگر کارآموزان بخواهند از صفر شروع کنند و به

هر چقدر هم این افراد آموزش دیده باشند تا زمانی که از اعتماد به نفس لازم برخوردار نشوند، نمی‌توانند وارد محیط کار شوند

دو کلاس داشتیم که در هر کلاس چهار نفر آموزش می‌دیدند البته در ابتدا کلاس‌ها هشت نفره بودند ولی به تدریج با پیشرفت کلاس، ترم به ترم تعداد کارآموزان کاهش یافت. تعدادی از این افراد به دلیل این‌که بازده و نتایج خوبی نداشتند به توصیه آموزش رعد به کلاس‌های دیگر رفتند و چند نفری هم با توجه به عدم کسب نتایج مطلوب،

چه مدت است که با مجتمع رعد همکاری می‌کنید و چگونه با این موسسه آشنا شدید؟

چهار ترم مدرس رعد بودم و یعنی حدود یک سال و نیم با رعد همکاری داشته‌ام. تقریباً دو سال و نیم پیش از طرف یکی از مسئولین رعد به من پیشنهاد شد که برای تدریس به رعد بیایم، به دلیل مشغله کاری در آن زمان برایم مقدور نشد ولی بالاخره تصمیم گرفتم که حضور در این محیط را تجربه کنم. البته من همیشه علاقه‌مند به همکاری با مراکز خیریه بوده‌ام و با موسسه‌هایی مانند محک آشنایی داشتم اما هرگز فرصت همکاری با این مراکز را پیدا نکرده بودم. همکاری با رعد فرصت خوبی برای من بود و فارغ از تجربه خوب یا بد، درس‌های قابل تاملی برای من داشت.

چند نفر از توانیابان رعد در کلاس شما آموزش دیدند و این افراد در حال حاضر در چه مرحله‌ای قرار دارند؟



دانشجوی بسیار موفقی هم هست و در حال حاضر بر روی پایان نامه فوق لیسانس خود نیز کار می‌کند.

چشم انداز شما برای اشتغال توانیابان رعد چیست؟ آیا با آموزش‌هایی که در مرکز رعد می‌بینند توانایی‌های لازم را برای محیط کار کسب می‌کنند؟

در حال حاضر مشکل همه جوانان کشور اشتغال است اگر فرض کنیم که اینجا دانشگاه هاروارد هم باشد و بهترین اساتید و به روزترین امکانات را هم داشته باشد، باز هیچ تضمینی وجود ندارد که این کارآموزان صد درصد وارد بازار کار شوند. درست مثل خود من که با رتبه خوب از دانشگاه فارغ التحصیل شدم، اما هنگام تحصیل هیچ تضمینی به ما داده نشد که چون در این دانشگاه درس خواندی و این رتبه را به دست آوردی پس حتما کار و شرایط خوبی خواهی داشت. به نظر من در کنار این آموزش‌ها باید تلاش‌های جانبی هم وجود داشته باشد به خصوص برای توانیابان. به نظرم مجتمع رعد در طول این سال‌ها تلاش خوبی کرده است اما یکی از کارهایی که می‌تواند صورت بگیرد آماده کردن جامعه برای پذیرش این توانیابان است. در کشورهای دیگر قوانین زیادی برای پذیرش افراد دارای معلولیت وجود دارد ولی در کشور ما روی این مساله کمتر کار شده است.

یکی از جنبه‌های اشتغال در فضای مجازی این است که لازم نیست بچه‌ها حتما از خانه خارج شوند و با مشکلاتی مثل عدم مناسب‌سازی شهری و فضاهای کاری روبه‌رو شوند؟

بحث مناسب‌سازی محیط وقتی صورت می‌گیرد که مردم و مسوولان این بچه‌ها را باور کنند اما من بیشتر منظورم آن چیزی است که در ذهن کارفرماها می‌گذرد. یک کارفرما فکر می‌کند که اگر کارش را به یک فرد دارای معلولیت بسپارد آیا این فرد می‌تواند آن کار را به صورت مطلوب به انجام برساند؟ آیا هزینه‌ای که از سوی کارفرما صرف شده به او بازمی‌گردد و آیا سود خواهد برد؟ هنوز جامعه ما متقاعد نشده است که فرقی بین یک فرد توانمند دارای معلولیت با یک فرد توانمند غیرمعلول نیست.

در اوایل سال ۹۵ مسابقات ایلیمپیک در فرانسه برگزار شد که

اشتغال در فضای مجازی امکانات زیادی نمی‌خواهد، صرفا مهارت علمی، یک کامپیوتر و ارتباط اینترنتی نیاز است. وقتی توانیابان این دانش و امکانات را در اختیار داشته باشند می‌توانند پروژه بگیرند و انجام دهند و در کوتاه مدت هم به درآمد برسند

کلاس‌ها شاید نیاز باشد که گزینشی صورت بگیرد و فکر می‌کنم که خود کارآموزان هم به این نتیجه می‌رسند که چه میزان انگیزه و علاقه را برای ادامه این دوره‌ها دارند.

در حال حاضر دو نفر از کارآموزان شاغل شده‌اند و در طول همین دوره‌ها این فرصت برایشان ایجاد شد و توانستند به مهارتی دست پیدا کنند که شاغل شوند و اعتماد به نفس لازم را نیز پیدا کردند. همچنین برای یکی دیگر از این کارآموزان که به نظر من بسیار توانمند است، من و دوستان کارآفرینی مجتمع رعد به دنبال این هستیم که ایشان نیز مشغول به کار شوند. سایر دوستان هم نیاز دارند که دوره‌های تکمیلی و کارآموزی را بگذرانند و اعتماد به نفس خود را بالا ببرند چون هر چقدر هم این افراد آموزش دیده باشند تا زمانی که از اعتماد به نفس لازم برخوردار نشوند، نمی‌توانند وارد محیط کار شوند. به هر حال این هشت نفر علاقه و توانمندی لازم را دارند و من به آنها خیلی امیدوارم.

این دو نفری که شاغل شده اند چه کاری انجام می‌دهند؟

یکی از این دو در شرکتی کار می‌کند و کارش گرافیک و طراحی است و دیگری نیز در شرکتی دیگر پشتیبان وب است و بیش از شش ماه است که مشغول کار می‌باشد. همچنین این شخص (بابک حیدری)

نقطه‌ای برسند که بتوانند وارد بازار کار شوند، حدود شش ترم را باید بگذرانند. البته با توجه به وضعیت کارآموزان نمی‌توان زمان دقیقی را مشخص کرد و همچنین نمی‌توان خیلی دانشگاهی برخورد کنیم و نمی‌شود انتظار داشت که حتما همه کارآموزان به نتیجه مطلوبی برسند و یا حتما کسانی که نمرات بهتری دارند به جایی می‌رسند و وارد فضای کار می‌شوند. این کارآموزان چهار ترم را گذرانده‌اند و در آخرین جلسه کلاس نیز هر کدام از این توانیابان وب سایت‌های شخصی خود را ارائه کردند و وب سایتی هم برای سرکار خانم پناهی مدیرعامل مجتمع رعد طراحی کرده بودند که از قول خانم پناهی این کار کارآموزان، ایشان را خیلی تحت تأثیر قرار داد.

اخیرا بحثی در مجتمع رعد مطرح شده است با عنوان اشتغال حمایت شده، که هر کدام از توانیابان رعد که توانایی اشتغال را دارد به سمت اشتغال حرکت کند و فردی نیز حضور داشته باشد تا آن توانیاب را حمایت و کمک کند. من فکر کردم که تا وقتی مدرس این دوستان هستم این کار را برایشان انجام بدهم و با همکاران بخش کارآفرینی و آموزش پیگیر اشتغال آنها باشم. همچنین به نحوی به کارآموزان آموزش دهم که این افراد بتوانند بازدهی عملی خوبی داشته باشند و نه این‌که صرفا آموزشی ببینند و دوره‌ای را بگذرانند، مدرکی دریافت کنند و تمام شود.

کارآموزان کلاس شما چه توانایی‌هایی را به دست آورده اند و آیا می‌توانند وارد فضای کسب و کار شوند؟

این کارآموزان به مرحله‌ای رسیده‌اند که می‌توانند طراحی وب را به خوبی انجام دهند. البته هنوز دو ترم پایانی آنها باقی مانده است که با گذراندن این دو ترم آنها توانایی کار را پیدا خواهند کرد. ترم‌های آینده بیشتر روی برنامه‌نویسی تأکید دارد و برنامه‌نویسی هم مهارتی است که شاید هرکسی نمی‌تواند از پس آن به خوبی برآید. دو ترم بعدی در سطح بالاتر و سنگین‌تری خواهد بود و فقط دوستان علاقه‌مند، قادر به گذراندن آن خواهند بود. یعنی افرادی که توانمندتر هستند و ریاضیات، منطق و تلاش بهتری دارند حتما خواهند توانست ادامه بدهند و اما برای ادامه

I. supported employment



آیا کارآموزان کنونی دوره‌های طراحی وب آماده ورود به بازار کار هستند؟

به نظر من این دوستان آماده هستند ولی داستان این است که خودشان چه می‌خواهند. در کلاس‌های من طیف‌های مختلفی از کارآموزی حضور داشتند از افراد سی و چند ساله تا دانشجوی بیست ساله، هم کارآموزان دختر و هم کارآموزان پسر و اکثر این کارآموزان لیسانس و فوق لیسانس و یا دانشجوی بودند. خوشبختانه بیشتر کارآموزان با آگاهی به این کلاس آمده بودند و می‌دانستند که چرا باید این مهارت را بیاموزند و شناخت خوبی از جامعه کاری داشتند پس این موضوع دست مرا باز می‌گذاشت که آنها را به جلو هدایت کنم. حال پاسخ به سوال که آیا این دوستان همگی به اشتغال خواهند رسید خود امری نسبتاً دشوار است و فکر می‌کنم که نمی‌توان گفت صد در صد این آموزش‌ها به اشتغال ختم خواهد شد. اما مطمئن هستم که تعداد قابل توجهی از کارآموزان می‌توانند به راحتی وارد بازار کار شوند. دو نفرشان که در حال حاضر مشغول به کار هستند و دو یا سه نفر دیگرشان هم در زمینه طراحی وب به آسانی می‌توانند شاغل شوند ولی باید ترس و نگرانی‌ها از محیط کار بریزد و تجربیات بیشتری کسب شود.

در بین این دوستان کسانی هم بودند که با وجودی که کارآموزان باهوشی بودند اما به آنها توصیه کردم که به دنبال طراحی وب نباشند و حرفه‌های دیگری را دنبال کنند چون به نظرم می‌آمد که اگر زمان و تلاش‌شان را در زمینه‌های دیگری صرف کنند بسیار موفق‌تر خواهند بود. فارغ از این بحث یک نکته نیز برای من جالب توجه است و آن اینست که من وقتی به دوستانم می‌گویم که حدود یازده درصد جمعیت مردم کشور ما را افراد دارای معلولیت تشکیل می‌دهند، دوستانم تعجب می‌کنند و می‌گویند یعنی تقریباً از هر ده نفر یکی دارای معلولیت است پس چرا ما آنها را نمی‌بینیم. پاسخ من تا به حال این بوده است که این افراد در متن جامعه قرار نگرفته‌اند و متأسفانه ما نخواستیم که آنها را ببینیم!

یکی از دلایل مشکل اشتغال افراد دارای معلولیت دیدگاهی است که در کارفرمایان

یکی از نکاتی که از اول روی آن تاکید داشتیم این بود که بچه‌ها جستجو کردن در اینترنت را یاد بگیرند چون با این توانایی می‌توانند با دنیایی از اطلاعات مرتبط شوند

این وظیفه مدرس است که به توانیابان توضیح دهد که بازار کار چگونه است چه چیزی را بهتر است تا بیاموزند و چگونه باید بیاموزند و تا کجا باید پیش بروند. همچنین ابزاری از جنس دانش و مهارت باید به کارآموزان ارائه شود که این افراد بتوانند به طور مستقل پیش بروند. یکی از نکاتی که من از ابتدا بر روی آن تاکید می‌کردم این بود که کارآموزان جستجوگر باشند چون زمانی که بتوانند علاوه بر یادگیری مطالب به جستجوی مطالب مرتبط بپردازند نه تنها به نحوی به سوی خود-یادگیرنده بودن پیش می‌روند بلکه با دنیای روز فناوری اطلاعات نیز بهتر و بیشتر در تماس خواهند بود. در نتیجه کسب این اطلاعات یا دانش به همراه استقلال آنها در این امور به این دوستان کمک می‌کند تا اعتماد به نفس بیشتری برای گام نهادن در این زمینه داشته باشند. بخش دیگر این است که واحد کارآفرینی و آموزش مجتمع کمک کنند که این بچه‌ها بتوانند به اشتغال برسند. تا وقتی وارد محیط کار نشوند آثار نگرانی و ترس در آنها مشهود خواهد بود. با ورود به دنیای کار حتی به صورت کارآموزی، هم رزومه حرفه‌ای آنها ارتقا می‌یابد و هم اعتماد به نفس لازم را پیدا می‌کنند. البته این موضوعی است که باید چند جانبه به آن نگاه شود و باید همه مسئولان مجتمع رعایت این زمینه یاری کنند چرا که اگر گسستگی وجود داشته باشد این توانیابان هستند که ضربه می‌خورند.

مسابقات جهانی مهارت ویژه افراد دارای معلولیت است. حدود پانزده نفر از ایران در این مسابقات شرکت کردند که نیمی از این افراد از مجتمع رعید بودند. من مربی دوستان شرکت‌کننده در زمینه طراحی وب در این مسابقات بودم و تا پایان مسابقات به دقت اوضاع مسابقات را تحت نظر داشتم. فارغ از نتیجه‌ای که تیم ایران گرفت نکته جالب این بود که متوجه شدم تیم کره جنوبی با چه نظم و چه تعداد افرادی که بسیار هم کارآموزده بودند در این مسابقات شرکت کرد و می‌شد دریافت که این کشور چه بودجه‌ای را برای این افراد می‌گذارد و چه حمایتی از این گروه انجام می‌دهد و البته در انتها نتایج بسیار خوبی هم در این رقابت‌ها کسب کردند.

نکته‌ای که به نظرم می‌رسد این است که گفته می‌شود در حدود یازده تا پانزده درصد از مردم جامعه ما را افراد دارای معلولیت تشکیل می‌دهند. بنابراین عدم توجه و عدم حمایت مناسب از این گروه به این معنی است که پتانسیل بالایی در این کشور نادیده گرفته می‌شود. حال آنکه با حمایت و توجه به این قشر از جامعه ما به طور قطع به خودمان کمک کرده ایم. من این سخن که با کمک به معلولان صرفاً آخرت خود را می‌سازیم را نمی‌پسندم بلکه بر این عقیده هستم که ما با این کار دقیقاً حال و دنیای‌مان را نیز می‌سازیم. چرا که وقتی بتوانیم این پانزده درصد از جامعه را فعال کنیم تا بتوانند کاری انجام دهند، بسیاری از مشکلاتمان حل می‌شود و در واقع افرادی را خواهیم داشت که در حال خدمت به جامعه هستند و نتایج این خدمات به جامعه و خودمان بازمی‌گردد. به هر حال من امید زیادی به این دوستان دارم چون توانایی‌های خوبی در آنها دیده‌ام.

به نظر می‌رسد که علاوه بر آمادگی علمی و دانش کاری بچه‌ها به اعتماد به نفس هم نیاز دارند چه توصیه‌ای در این زمینه دارید؟

بخش بزرگی از مسئولیت بر دوش مدرس است که چگونه مفاهیم را به این دوستان آموزش دهد تا وقتی وضعیت خودشان را با افراد شاغل در دنیای کار مقایسه می‌کنند جا نخورند و احساس نکنند که یک سری چیزهای سطحی یاد گرفته‌اند.



وجود دارد و جرأت نمی‌کنند کاری به آنها سپارند؟

همینطور است! نمی‌دانم بگویم متأسفانه یا نه، اما دنیای امروز، دنیای اصالت سود است یعنی همه به دنبال سود بردن و افزایش سودشان هستند. لذا شاید برای بسیاری از صاحبان کار سخت باشد که این دوستان را به کار بگیرند اما فکر می‌کنم آنهایی که به این دوستان اعتماد کرده‌اند نتایج خوبی کسب کرده‌باشند. فرای بحث مهارت آموزی و توانمندی کارآموزان متأسفانه بار روحی سنگینی روی آنان وجود دارد و باعث می‌شود که به این نتیجه برسند که توانایی کمی دارند، ضعیف هستند و یا جامعه آنها را قبول نمی‌کند. حال آنکه نتایج فعالیت‌های افراد دارای معلولیت در زمینه‌های مختلف در کشورمان حاکی از این است که آنها بسیار توانمند هستند. همچنین رعد می‌تواند در شناساندن پتانسیل‌های افراد دارای معلولیت به جامعه و سازمان‌های مختلف نقش قابل توجهی را ایفا کند.

با توجه به سابقه سی ساله رعد در آموزش به افراد دارای معلولیت چه انتظاری از رعد دارید؟

رعد به خوبی می‌تواند کانال‌های ارتباطی با سازمان‌ها و شرکت‌های مختلف به خصوص سازمان‌های غیردولتی داشته باشد چرا که سازمان‌های دولتی آن قدر مشغله دارند که نمی‌شود از آنها توقع زیادی داشت. به نظر من سمن‌های مختلف در حوزه معلولان می‌توانند به طور موثرتری در کنار هم و با هم کار کنند و هدفمند پیش بروند. من معتقدم که در بعضی از سمن‌های شناخته شده، زیرساخت‌ها دچار مشکل است و تفکر پشت این مراکز یا موسسه‌ها باید تغییر کند!

وقتی به بحث سازمان‌های مردم نهاد و سمن‌ها می‌رسیم چون هدفشان کار خیریه و کمک به مردم است آن بحث تفکر انتقادی و آن موضوع داشتن استراتژی و اهداف کوتاه مدت و بلند مدت زیر سوال می‌رود. در مدیریت جدید مرکز رعد تغییراتی ایجاد شده است ولی همچنان ضعف‌هایی وجود دارد که امیدوارم به مرور برطرف شود. به نظر من رعد باید برای توانیابان، کلاس‌های باکیفیت‌تری برگزار کند و

در حال حاضر دو نفر از کارآموزان کلاس طراحی وب، شاغل شده‌اند. آنها توانسته‌اند به مهارت‌های لازم برای ورود به کسب و کار اینترنتی دست پیدا کنند و اعتماد به نفس لازم را هم دارند

امکانات نرم افزاری و سخت افزاری بهتری در اختیارشان بگذارد. به نظر من ایجاد روحیه و توانمند کردن و آماده کردن شرایط برای اشتغال پایدار از مهم‌ترین وظایف رعد هستند.

ایرادی که من به رعد دارم این است که در رعد مسئولان علاقه دارند تا آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را دنبال کنند در حالی که دوستانی که سررشته‌ای در مباحث کامپیوتر دارند می‌دانند که بسیاری از سرفصل‌های مصوب دوره‌های فنی و حرفه‌ای، به روز نیستند. اینکه تاکید کنیم روی

یک برنامه خاص و استاندارد که جا افتاده است، بدون توجه به این نکته که در حال حاضر این برنامه‌ها چه جایگاهی دارند و اگر کارآموزان این دوره‌ها را بگذرانند و این آموزش‌ها را ببینند آیا می‌توانند در جامعه کنونی کاری انجام بدهند، به نظر من درست نیست. به یاد دارم که وقتی مربی فنی و حرفه‌ای به رعد آمده بودند که از کارآموزان امتحان بگیرند خودشان ابراز کردند که سطح کارآموزان کلاس خیلی بالاتر از سطح دوره مورد نظر در فنی و حرفه‌ای است. نکته آخری که به ذهنم می‌رسد



این است که من رعد را تشویق می‌کنم که درآمدزایی داشته باشد به نظر من در ایران نگرش صحیحی به شیوه درآمدزایی سمن‌ها وجود ندارد! در حالیکه اگر انجمنی خودش درآمد داشته باشد بیشتر می‌تواند به مخاطبش کمک کند. به علاوه سمن‌ها از این طریق می‌توانند خودشان را سرپا نگه داشته و نگران کمبود بودجه و صرفا نیازمند کمک دیگران نباشند. وقتی شما موسسه‌های خیریه در کشوری مانند انگلستان را بررسی می‌کنید می‌یابید که بیشتر آنها کسب و کارهای بزرگی دارند. برای مثال انجمن کامپیوتر بریتانیا یک مؤسسه خیریه است اما به خوبی درآمدزا و سودآور است، در حالی که محور فعالیت‌هایش علمی است. حتما برای موسسه‌های نیکوکارانه و خیریه، کمک‌های مردمی بسیار موضوع حائز اهمیت است اما سوال اینجاست که اگر در یک برهه زمانی به هر دلیلی سازمان دچار کمبود بودجه بشود آیا باید صبر پیشه کرد تا فقط کمک‌های مردمی آن را نجات دهد؟ اگر سمن‌ها رویکرد کسب و کار محور نداشته باشند و نتوانند خودشان را تامین کنند، آن وقت جای سوال است که برای کارآموزان خود می‌خواهند چه کار کنند!

به نظر شما توانیابان رعد این انگیزه و توانایی را دارند که خودشان در فضای مجازی اشتغالی ایجاد کنند؟

من از ابتدا که به رعد آمدم یک ایده داشتم و آن هم این بود که در مرکز رعد یک استودیو درست شود و بچه‌های رشته‌های گرافیک و وب در آنجا جمع شوند و مربانی از میان مدرسین یا کارشناسان کارآفرینی به آنها کمک کنند که کسب و کاری راه بیاندازند و بتوانند پروژه‌هایی را از بیرون بگیرند و در رعد به انجام برسانند. این پیشنهاد و ایده از یک طرف مورد تشویق قرار گرفت و از طرفی هم به خاطر تجربیات ناموفقی که از قبل وجود داشت، مورد توجه قرار نگرفت. اینکه کارآموزان به حدی برسند که خودشان کاری را راه‌اندازی کنند به چند چیز نیاز دارد، از جمله دیدگاه کارآفرینی و اینکه چقدر مسئله را بشناسند، چه ایده و چه میزان مهارت داشته باشند و چقدر با اصول بازاریابی آشنا باشند. بسیاری از دوستان صاحب ایده هستند در

به نظرم خیلی از کارآموزان رعد، توانمند هستند و بسیاری از آنان ایده‌های خوبی هم دارند ولی در مباحث حقوقی و اشتغال نیاز به کمک و حمایت دارند و رعد پتانسیل حمایت از آنها را دارد

واقع مانند استارت آپ‌ها که ایده‌های دارند و مراحل کاری را هم می‌دانند، اما احتمالا استراتژی‌ها و روندهای کسب و کار را شاید درست نشناسند و سرمایه‌ی کافی هم نداشته باشند. در این میان شرکت‌های شتاب دهنده هستند که ایده را می‌گیرند، بررسی می‌کنند و بودجه، سرمایه و سازوکارهای کسب و کار را در اختیار این افراد قرار می‌دهد و راه را برایشان هموار می‌کنند.

به نظرم این شیوه نیز می‌تواند مطرح باشد. اگر مجتمع رعد می‌توانست خودش نقش یک شتاب دهنده را برای اشتغال معلولان ایفا کند، مطمئنم خیرین و کسانی که بودجه را تامین می‌کنند از این طرح استقبال خواهند کرد. این موضوع امکان پذیر است البته مسلما چنین کاری بار رعد را با توجه به مشکل‌های کنونی، زیادتر می‌کند اما به‌عنوان یک طرح راهبردی در چشم انداز رعد برای آینده می‌توان به آن توجه کرد.

به‌نظرم خیلی از کارآموزان رعد، توانمند هستند و بسیاری از آنان ایده‌های خوبی هم دارند ولی در مباحث حقوقی و اشتغال نیاز به کمک و حمایت دارند و رعد پتانسیل حمایت از آنها را دارد. بحثی که من دارم این است که فضای مجازی، وب و کامپیوتر چقدر می‌تواند زندگی توانیابان را آسان کند و به چه میزان می‌تواند باعث شود که این افراد با هم و با جامعه خودشان در ارتباط باشند که این موضوع بسیار

حائز اهمیتی است. قبل از اینکه شبکه‌های اجتماعی مانند فیس بوک وجود داشته باشند بسیاری از توانیابان در انزوا بودند اما در حال حاضر در اینستاگرام، تلگرام و فیسبوک این افراد با دوستانشان و سایر افراد جامعه به راحتی ارتباط می‌گیرند. حتی اگر در خانه هم باشند این ابزار به اجتماعی شدن این دوستان و راحتی زندگی و رفع مشکلات آنان کمک خواهد کرد. از طرفی به اشتغال آنها هم کمک کرده است. اشتغال در فضای مجازی امکانات زیادی نمی‌خواهد، صرفا مهارت علمی، یک کامپیوتر و ارتباط اینترنتی نیاز است. وقتی توانیابان این دانش و امکانات را در اختیار داشته باشند می‌توانند پروژه بگیرند و انجام دهند و در کوتاه مدت هم درآمدزایی داشته باشند. البته به طور قطع همه بچه‌ها نمی‌توانند در بحث فضای مجازی ورود کنند. یکی از مشکلاتی که من در کلاس‌هایم متوجه شده‌ام عدم استقلال و مشکلاتی است که با خانواده‌ها دارند. تفاوت چندانیتی لحاظ فرهنگی و مالی چگونه باشد. این مشکل بیشتر این دوستان است و استقلال آنها (به خصوص استقلال مالی) بسیار می‌تواند به آنان کمک کند. همچنین من با دوستانی که در کلاس‌های من حضور داشتند در شبکه‌های اجتماعی در ارتباط خواهم بود و این دوستان می‌توانند سوالات و مشکلات خود را مطرح نمایند و در فرآیندی مشارکتی بین تمامی این دوستان و من پاسخ این دوستان قطعاً ارائه خواهد شد و من مسئولیتی را نسبت به این دوستان درخودم احساس می‌کنم. امیدواری و اعتماد به نفس نقش اول را در موفقیت کاری دارد

این مدرس طراحی وب با همکاری بخش کارآفرینی و آموزش پیگیر اشتغال کارآموزانش هم هست و امیدوار است تعدادی از کارآموزانش بتوانند وارد اشتغال مجازی شوند.

سید اکبر علوی مدیر عامل فروشگاه‌های شهروند است. از انجایی که سایت فروش مجازی شهروند در روز پنجشنبه اول مهرماه سال جاری با حضور دکتر علی اکبر جلالی، پدر علم فناوری اطلاعات ایران در برج میلاد رونمایی شد، به دیدار این مدیر توانا رفتیم تا از خدماتی که این سایت مجازی به شهروندان ارائه می‌کند، مطلع شویم، خدماتی که به‌عنوان راهکاری در جهت حل معضلات شهری راه‌اندازی شده‌است. این در حالیست که به قول ایشان، تمامی فروشگاه‌های شهروند برای حضور افراد دارای معلولیت و سالمندان مناسب‌سازی شده هستند و خدمات ویژه‌ای در این فروشگاه‌ها به افراد کم توان و دارای معلولیت هم ارائه می‌شود.



در گفت‌وگو با سید اکبر علوی، مدیر عامل فروشگاه شهروند، بیان شد؛

شهروند مجازی در راستای تحقق شهر هوشمند، راه‌اندازی شده‌است

جلالی، پدر علم فناوری اطلاعات ایران در برج میلاد رونمایی شد. قبل از آن هم فروشگاه شهروند، سایت اینترنتی داشت، ولی سایت جدید از این تاریخ شروع به کار کرد و در این مدت کوتاه، صد درصد افزایش فروش داشته‌است.

چه تعداد کارمند، در حوزه فروش مجازی فروشگاه شهروند مشغول به کارند؟

حدود صد نفر کارمند فقط در بحث فروش مجازی داریم و اگر کارکنان فروشگاه‌ها و انبارهایمان را هم در نظر بگیریم، این تعداد افزایش می‌یابد. اکنون انبارهای سی و چهارفروشگاه شهروند، در خدمت فروش مجازی قرار دارند. نگاه من به شهروند مجازی یک نگاه کشور محور است. فروش مجازی می‌تواند بازاری محکمی در مواقع اضطراری در سطح کشور برای توزیع کالا باشد. اگر در هر استان یک انبار بزرگ داشته باشیم که بتوانیم نیازهای مردم آن شهر را در آنجا ذخیره کنیم، در صورت بروز حوادث غیرمترقبه‌ای مثل زلزله، هر

شهروند مجازی، در راستای تحقق یکی از مهم‌ترین چشم‌اندازهای شهرداری تهران، یعنی شهر هوشمند و شهر الکترونیک، به‌عنوان راهکاری برای حل معضلات شهری راه‌اندازی شد

فروشگاه مجازی شهروند از چه تاریخی شروع به کار کرده و باز خورد آن در این مدت چگونه بوده است؟ سایت جدید فروش مجازی شهروند، در روز پنجشنبه اول مهرماه سال جاری با حضور دکتر علی اکبر

لطفاً در مورد شهروند مجازی توضیح دهید؟ هدف از ایجاد چنین امکانی چه بوده است؟

همانطور که مستحضرید با پیشرفت تکنولوژی و تغییر سبک زندگی در جوامع بشری، انتظارات و نیازهای جامعه نیز تغییرات گسترده‌ای پیدا کرده، به‌گونه‌ای که این تغییرات منشأ تحولات نوینی در مناسبات اقتصادی و اجتماعی مردم شده است. به طبع این تغییرات، سازمان‌ها و شرکت‌ها هم ملزم به استفاده اثربخش از ظرفیت‌های فضای مجازی جهت پاسخگویی به نیازهای جدید جامعه شده‌اند. شرکت شهروند به‌عنوان یک نهاد تخصصی و خدمت‌گزار، همواره به ارائه خدمات با کیفیت و بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای علمی و تکنولوژی توجه داشته است، از این‌رو، شهروند مجازی هم در راستای تحقق یکی از مهم‌ترین چشم‌اندازهای شهرداری تهران، یعنی شهر هوشمند و شهر الکترونیک، به‌عنوان راهکاری برای حل معضلات شهری راه‌اندازی شده است.



شهری می‌تواند از طریق انبارهایش، مواد غذایی و آب یک ماه از مردم خود را تأمین کند. فروش مجازی چنین امکانی را ایجاد می‌کند. با سیستم مجازی می‌توان از تهران، بر کار کارخانه‌های مواد غذایی و بر کار فروش در انبارهای موجود در شهرستان‌ها نظارت کرد.

فروش در فضای مجازی چه تأثیری در حل مشکلات روزمره مردم و چه تأثیری در افزایش تقاضا داشته‌است؟

یکی از مهم‌ترین اهداف ایجاد فروشگاه مجازی، صرفه‌جویی در وقت و هزینه شهروندان و کاهش آلودگی‌های محیط‌زیستی و ترافیک شهری است. علاوه بر این امکان مناسبی برای افراد کم‌توان، سالمند و افراد دارای معلولیتی است که در بیرون آمدن از خانه و تأمین مایحتاجشان با مشکل روبه‌رو هستند. این عزیزان می‌توانند از طریق کانال اینترنتی، مایحتاج روزانه خود را به راحتی تهیه کنند.

نحوه ایجاد ارتباط برای خرید در فضای مجازی چگونه است؟

ما به دو صورت به شهروندان خدمات ارائه می‌دهیم. از طریق خرید اینترنتی و به‌صورت سفارش تلفنی. در خرید اینترنتی شهروندان می‌توانند به راحتی از طریق آدرس سایت وارد فضای مجازی فروشگاه‌های شهروند شوند و کالاهای خود را سفارش دهند. در این سایت، انواع کالاها در گروه‌های مختلف مواد غذایی، آرایشی و بهداشتی، نظافت و شست‌وشو، لوازم تحریر و اداری و همچنین محصولات برای سلامتی و تندرستی مردم معرفی شده است. همچنین آنالیز همه کالاها، قیمت، شکل و نوع مصرف آن تعریف شده است. از این طریق شهروندان می‌توانند با یک سری از کالاها که برای نخستین بار در فروشگاه عرضه می‌شود هم آشنا شوند و در جریان تخفیف کالاها قرار بگیرند. عزیزان از طریق سایت شهروند مجازی، می‌توانند کالاهای مورد نیاز خود را سفارش دهند. پرداخت مشتریان، هم می‌تواند به‌صورت پرداخت اینترنتی باشد و یا می‌تواند هنگام تحویل کالا به‌صورت نقدی و یا از طریق کارت‌خوان صورت بگیرد. مزایای خرید اینترنتی برای مشتریان و خصوصاً مشتریان کم‌توان و سالمند و افراد دارای معلولیت در این است

1. www.shahrvand.ir

در وب سایت شهروند، برای افراد دارای معلولیت، خدمات خاصی دیده شده‌است. اگر در سایت شهروند، افراد دارای معلولیت یا جانباز خودشان را معرفی کنند و گزینه مربوطه را علامت بزنند، به‌عنوان مشتری خاص در نظر گرفته می‌شوند. در بحث سیستم سفارش تلفنی نیز چنانچه افراد عدد ۱۳۳ (حروف ابجد نام حضرت ابوالفضل عباس(ع)) را به ۰۲۱۴۸۸۴ پیامک کنند، همکاران ما سریعاً با آنها تماس می‌گیرند و سرویسی که می‌خواهند را به آنها ارائه می‌دهند

که می‌توانند بدون حضور فیزیکی در سطح شهر، مایحتاج خود را با تنوع بالا و اطمینان کامل از کیفیت و قیمت، انتخاب و خریداری کنند. نگاه فروشگاه شهروند به‌عنوان مجموعه‌ای منتسب به شهرداری تهران، تحویل کالای سلامت محور به شهروندان است. بنابراین مشتریان با اطمینان به کیفیت و قیمت مصوب، خرید می‌کنند. مجموعه شهروند برای بهداشت و سلامت مردم ارزش و دقت زیادی قائل است.

آیا در مجموعه فروشگاه‌های شهروند در جهت رفاه حال افراد دارای معلولیت نیز، اقدامات خاصی هم انجام شده‌است؟

شرکت شهروند در راستای عمل به تعهدات خود نسبت به مسئولیت‌های اجتماعی، همواره در مناسب‌سازی معابر فروشگاه‌های برای شهروندان دارای معلولیت پیش قدم بوده‌است. نگاه ما، مشتری مداری است و کسی که وارد فروشگاه می‌شود، در هر شرایطی که باشد، خدمت به او را وظیفه خود می‌دانیم. مناسب‌سازی فضای فروشگاه‌ها جزو وظایف ماست. حتی در بعضی از فروشگاه‌های ما که استیجاری هستند هم، اگر برای رفت و آمد با ویلچر، آسانسور وجود نداشته‌باشد، رمپ تعبیه شده‌است. ما می‌دانیم که یک دست‌انداز یا چاله کوچک سر راه یک ویلچر، می‌تواند آن را از حرکت بازدارد و اگر

چنین مشکلی در فضای مجموعه فروشگاه‌های شهروندان وجود داشته باشد، ما خود را مقصر می‌دانیم. افرادی که وارد فروشگاه می‌شوند ممکن است دچار معلولیت ذهنی یا مشکل گفتاری یا حرکتی باشند، به همین دلیل کارمندان به‌عنوان همیار برای کمک کردن به این اشخاص فعالیت می‌کنند. مناسب‌سازی معابر شهری و وسایل حمل و نقل عمومی، وظیفه سازمان‌های دیگر هم هست، ولی وقتی این افراد وارد فروشگاه می‌شوند، این وظیفه ماست که شرایطی ایجاد کنیم که این افراد به راحتی بتوانند خرید کنند و از امکانات فراهم شده استفاده نمایند.

در وب سایت شهروند، برای افراد دارای معلولیت، خدمات خاصی دیده شده‌است. اگر در سایت شهروند، افراد دارای معلولیت یا جانباز خودشان را معرفی کنند و گزینه مربوطه را علامت بزنند، به‌عنوان مشتری خاص در نظر گرفته می‌شوند. در بحث سیستم سفارش تلفنی نیز چنانچه افراد عدد ۱۳۳ (حروف ابجد نام حضرت ابوالفضل عباس(ع)) را به ۰۲۱۴۸۸۴ پیامک کنند، همکاران ما سریعاً با آنها تماس می‌گیرند و سرویسی که می‌خواهند را به آنها ارائه می‌دهند.

با توجه به ظرفیت بالای فضای مجازی برای اشتغال، آیا امکان به کارگیری افراد دارای معلولیت در چنین حوزه‌ای وجود دارد؟

اگر یک رصد نسبی در جمعیت کارکنان شهروند داشته باشیم می‌بینیم که بالغ بر ۳۲۰۰ تا ۳۴۰۰ پرسنل در مجموعه فروشگاه‌های شهروند مشغول به کار هستند. تعدادی از کارکنان ما معلولیت دارند، روی ویلچر می‌نشینند و به‌عنوان صندوق‌دار در فروشگاه‌ها کار می‌کنند. سه نفر نابینا هستند که یکی از آنها در مرکز تلفن و یکی در بخش حقوقی مجموعه مشغول به کار هستند. ظرفیت ما فعلاً اجازه جذب نیروی جدیدی را نمی‌دهد ولی به‌دنبال ظرفیت‌سازی و ایجاد رتبه شغلی برای افراد دارای معلولیت هستیم تا در آینده بتوانیم تعداد بیشتری از این دوستان را به کار بگیریم. ما علاقه‌مند به بازدید از مرکز رعد و ایجاد ارتباط با دفتر کارآفرینی این مرکز هستیم و از هرگونه خدمتی به دوستان دریغ نخواهیم کرد.

اینترنت اشیاء چیست و چه کاربردی دارد؟

کرده و سپس مجدداً خاموش شود! بررسی‌های مؤسسه تحقیقاتی گارتنر نشان می‌دهد که تا سال ۲۰۲۰ بیش از ۲۵ میلیارد وسیله مختلف در جهان از طریق خدمات مبتنی بر اینترنت اشیاء به اینترنت یا دیگر شبکه‌های اطلاع‌رسانی متصل خواهند شد. بررسی‌های شرکت سیسکو نیز حاکیست که تا غلبه یافتن پدیده اینترنت اشیاء، تنها سه سال زمان باقیست. بنابراین در سال ۲۰۱۸ ماشین‌ها و سیستم‌های الکترونیکی می‌توانند از طریق اینترنت بدون نیاز به انسان‌ها و حتی بیشتر از آنها با یکدیگر در ارتباط باشند.

اما با توجه به تازه بودن این مبحث در ایران، سال گذشته سمیناری در این زمینه در استان اصفهان برپا شد و در قالب آن پروفیسور روب وان کرنبرگ اظهار کرد: ۲۰ سال پیش این مبحث در ادارات کاربرد داشت اما بعدها متوجه شدند که می‌توان در خیابان‌ها نیز از آن استفاده کرد؛ به این صورت اینترنت اشیاء جایگاهش در اروپا را پیدا کرد و می‌توان گفت امروزه اروپاییان در زندگی روزمره‌شان نیز از این امر استفاده می‌کنند و این چیزی است که کمیسیون اروپا به آن رسیده و امروزه کاربردش را می‌بینیم.

وی با بیان اینکه بحث اینترنت اشیاء بحث جدیدی است، خاطرنشان کرد: استادها و دانشجویان را می‌بینم که اینجا در بحث اینترنت اشیاء خوب کار می‌کنند. البته در اروپا نیز هنوز در قسمت‌های ابتدایی این بحث هستیم و با توجه به مهندسان ماهری که وجود دارد، شروع این کار شروعی سخت نخواهد بود.

کرنبرگ با اشاره به کاربردهای اینترنت اشیاء، خاطرنشان کرد: به‌طور مثال یک شهر در اسپانیا ۱۰ هزار سنسور نصب کرده‌است که شامل سنسورهایی مثل سنسور دما یا سنسور حرکتی که روی اتوبوس‌ها قرار داده‌اند، می‌شود. با توجه به این سنسورها دولت تمام اطلاعات مردم را می‌گیرد. حتی چین نیز در این امر فعال است و سعی می‌کند بحث اینترنت اشیاء را گسترش دهد تا بتواند مدیریت بهینه‌ای روی منابع و مردم‌اش داشته باشد.

در این میان قطعاً دسترسی به این نوع فناوری می‌تواند گردش مالی خاص خود را هم به‌دنبال داشته و سودآوری ایجاد کند. براساس پیش‌بینی‌ها ارزش بازار محصولات و خدمات اینترنت اشیاء تا سال ۲۰۱۷ به ۷/۳ تریلیون دلار می‌رسد. این در حالی است که بازار مذکور در سال ۲۰۱۲ تنها ۴/۸ تریلیون دلار ارزش داشت.

بر همین اساس نام‌های بزرگی مانند سامسونگ، ال‌جی، اپل، گوگل و فیلیپس در حال حاضر روی دستگاه‌های متصل به هم کار می‌کنند و شرکت‌های کوچک بی‌شماری نیز به تحقیقات در این زمینه مشغولند. براساس تحقیقات انجام شده انتظار می‌رود ۴/۸ میلیارد دستگاه مرتبط با هم در سال جاری مورد استفاده قرار گیرند و این رقم تا سال ۲۰۲۰ به ۲۵ میلیارد برسد.

<http://www.learning.asarayan.com>

نویسنده: علیرضا سلطان محمدیان، دانشنامه کامپیوتر

شاید این روزها واژه اینترنت اشیاء را شنیده باشید ولی معنای آن را ندانید. یا اینکه ندانید این واژه جدید قرار است چه مقوله‌ای را معرفی کند؟ حدوداً دو سال از زمان مطرح شدن این موضوع در بازار تکنولوژی دنیا می‌گذرد. ما در این مقاله قصد داریم تا شما را بیشتر با این واژه آشنا کنیم. ابتدا معنای لغوی این واژه را توضیح داده و بعد از آن به بررسی این مقوله جدید می‌پردازیم.

اینترنت اشیاء به‌طور کلی اشاره دارد به بسیاری از اشیاء و وسایل محیط پیرامون ما که به شبکه اینترنت متصل شده‌اند و می‌توان توسط اپلیکیشن‌های موجود در تلفن‌های هوشمند و تبلت، آنها را کنترل و مدیریت کرد. به گزارش اکو ویژن، طبق تعاریف ارائه شده در ویکی‌پدیا عبارت اینترنت اشیاء، برای نخستین بار در سال ۱۹۹۹ توسط کوین اشتون مورد استفاده قرار گرفت و جهانی را توصیف کرد که در آن هر چیزی، از جمله اشیاء بی‌جان، برای خود هویت دیجیتال داشته باشند و به کامپیوترها اجازه دهند آنها را سازماندهی و مدیریت کنند. اینترنت در حال حاضر همه مردم را به هم متصل می‌کند ولی با اینترنت اشیاء تمام اشیاء به هم متصل می‌شوند. اینترنت اشیاء

بستر اینترنت اشیاء، بر امواج رادیویی بی‌سیم قرارداد شده که به دستگاه‌های مختلف این امکان را می‌دهند تا از طریق اینترنت با یکدیگر به برقراری ارتباط بپردازند. این بستر شامل استانداردهایی مانند وای‌فای، بلوتوث کم‌مصرف، NFC، RFID و غیره است که شاید تاکنون اسم آنها را هم نشنیده باشید.

قفل‌های هوشمند، ترموستات‌های هوشمند، خودروهای هوشمند. مطمئناً این‌ها واژه‌هایی هستند که بارها و بارها شنیده‌اید و البته در سال‌های آتی بیشتر خواهید شنید.

همه دستگاه‌های یادشده در دسته‌ای به نام اینترنت اشیاء قرار می‌گیرند. در سطح پایه‌ای، اینترنت اشیاء در واقع به ارتباط اشیاء مختلف از طریق اینترنت و برقراری ارتباط با یکدیگر می‌پردازد تا هدف آن یعنی فراهم کردن تجربه کارا تر و هوشمندتر محقق شود. همانند دیگر تکنولوژی‌های جدید، اینترنت اشیاء نیز می‌تواند در ابتدا مفهومی سر درگم‌کننده به‌نظر برسد. همچنین این واژه به ویژه هنگامی که صحبت از استانداردهای مختلف و همچنین ایمنی و امنیت آن می‌شود می‌تواند مفاهیم جدید و ویژه‌ای پیدا کند.

به عبارت دیگر ایده طراحی دستگاه‌های مختلف با امکان برقراری ارتباط بی‌سیم به‌منظور رهگیری و کنترل از طریق اینترنت یا حتی یک برنامه ساده مخصوص گوشی‌های هوشمند، اصطلاح اینترنت اشیاء را توصیف می‌کند.

با اجرای این شیوه در نهایت ممکن است محیط پیرامون بشر به چیزی شبیه آنچه در فیلم‌ها و داستان‌های تخیلی اشاره می‌شود نزدیک شود. به‌عنوان مثال بهره‌گیری از این شیوه باعث می‌شود یک جارو برقی بتواند در زمان مشخصی فعال شده، محل تعیین شده از قبل را نظافت

1. Internet of Things (IOT)



آیدین نعمتی منصور، جوان موفقی است که با وجود ابتلا به بیماری فلج مغزی توانسته توانمند شود و گام‌های بزرگی هم برای خدمت به دیگران بردارد. او که مدرک کارشناسی ارشد در رشته فناوری اطلاعات را دارد، در حال حاضر مؤسس و مدیر مؤسسه فناوری‌های آموزشی منجی می‌باشد. آیدین با وجود معلولیت جسمانی، توانسته بر شرایط دشوار زندگی خود فائق آمده و به عنوان یک کارآفرین موفق ایرانی شناخته شود.



آیدین نعمتی منصور، کارآفرین نمونه

در دنیا توسعه دسترسی به الکترونیک، ابزاری معادل توانبخشی است!

منجی زدیم. این آموزشگاه در سال ۹۱ به‌طور رسمی شروع به کار کرد. برای نخستین بار بود که سیستم آموزش مجازی افراد دارای معلولیت در ایران به راه افتاد. هدفمان این بود که بچه‌های ناشنوا، نابینا و معلولان جسمی حرکتی بتوانند در خانه، این آموزش‌ها را ببینند. بعد از مدتی به این فکر افتادیم، برای بچه‌هایی که معلولیت ذهنی دارند هم کاری انجام دهیم. به همین دلیل دوره‌های حضوری آموزش کامپیوتر را برای بچه‌های دارای معلولیت ذهنی و اوتیسم هم به راه انداختیم. روی این موضوعات در ایران تاکنون کار نشده بود و چون این کمبود را احساس می‌کردیم، به‌دنبالش رفتیم. ولی از آنجا که سمت و سوی کارهای ما پروژه محور است، بنا نداریم کارهایی را که شروع می‌کنیم، خودمان ادامه دهیم. انتظار داشتیم وقتی که این کار شروع شد، مجموعه‌های دیگر آن را ادامه دهند. چون کار ما دانش بنیان است. یعنی ابزارها، محصولات و سرویس‌هایی که تا الان موجود نبوده را ایجاد می‌کنیم، از ابداع و اختراع این

که افراد دارای معلولیت و افراد سالم می‌توانند بدون ترحم و دلسوزی، با هم کار کنند و به هم کمک کنند. متأسفانه در کشور ما نگاه افراد تندرست به کسی که معلولیت دارد، در قالب ترحم، دلسوزی و بدتر از آن بردن ثواب است! در صورتی که به نظر من، تعامل بین افراد معلول و سالم دو طرفه است و دقیقاً یک معامله برد برد است.

لطفاً در مورد "آموزشگاه منجی" که چند سال است راه‌اندازیش کرده‌اید، توضیح دهید؟

زمانی که ۱۸ ساله بودم و تازه وارد دانشگاه شدم با لمس مشکلاتی که در دانشگاه‌ها برای افراد دارای معلولیت وجود داشت، به این نتیجه رسیدم که بهترین شیوه آموزش برای این افراد، سیستم آموزش مجازی است و به فکر راه‌اندازی یک دانشگاه ویژه با سیستم آموزشی مجازی افتادم. کمبود امکانات آموزشی برای افراد دارای معلولیت، انگیزه‌ایی شد تا با کمک اساتید دانشگاه، این ایده را تبدیل به پروژه کنم. در سال ۸۹ استارت این مجموعه را تحت عنوان "آموزشگاه فنی و حرفه‌ای

لطفاً کمی از خودتان بگویید: ما از طریق آقای دکتر جلالی با شما آشنا شدیم.

آیدین نعمتی هستم. از بدو تولد مبتلا به فلج مغزی بودم. در مدرسه استثنایی درس خواندم اما با بچه‌های سالم بزرگ شدم.

در ۱۲ سالگی به این نتیجه رسیدم که وضعیت من متفاوت است و به عنوان یک انسان دارای معلولیت در ضمن این‌که دو طرف این طیف رو کاملاً درک می‌کردم، ولی کم‌کم از هر دو طرف فاصله گرفتم تا بتوانم اصالت شخصیت خودم را بدست بیاورم و خودم را بهتر بشناسم.

پدر من دبیر ادبیات است، به همین دلیل از کودکی به ادبیات و شعر علاقمند بودم. به همین دلیل چندین سال است که با دوستانم یک انجمن ادبی ویژه افراد دارای معلولیت افتتاح کردیم. در این انجمن که یک محیط فرهنگی ویژه معلولان بود، به پیشنهاد خودم بچه‌های شاعر تندرست را هم وارد انجمن نمودیم و این انجمن متشکل از بچه‌های دارای معلولیت و بچه‌های تندرست شد. به این نتیجه رسیدم



محصولات و تا به خط تولید رسیدن، آنرا پیگیری و راه‌اندازی می‌کنیم، تا یکی دو سال هم از آن حمایت می‌کنیم و بعد انتظار داریم کار را به سازمان‌هایی مثل بهزیستی، بنیاد شهید یا آموزش و پرورش تحویل دهیم. این سازمان‌ها مبنای حقوقی چنین فعالیت‌هایی را برعهده دارند و بابت این نوع سرویس‌ها از دولت بودجه می‌گیرند.

تا سه، چهار سال قبل چنین سرویس‌هایی شناخته شده نبود. وقتی می‌گفتیم که در حوزه آموزش مجازی برای افراد دارای معلولیت و یا آموزش حضوری معلولان ذهنی کار می‌کنیم، به ما می‌خندیدند و می‌گفتند، این کار امکان پذیر نیست! خوشبختانه با تیم‌های مجربی این کار را راه انداختیم و حالا هم مربیان بسیار خوبی داریم. با کمک و راهنمایی آقایان دکتر جلالی و خدایی و دیگر دوستان، خیلی خوب پیش رفتیم.

آموزش‌های مجازی که به افراد دارای معلولیت می‌دهید، شامل چه عناوینی هستند و تاکنون چه تعدادی از این افراد آموزش دیده‌اند؟

بیشتر دوره‌ها، شامل فناوری اطلاعات، کامپیوتر و زبان بوده‌اند. ما در سال گذشته، حدود ۱۰۷۰ ساعت آموزش داشتیم. تعداد زیادی از مخاطبان ما، بچه‌های دارای معلولیت ذهنی و یا اوتیسم بودند که از این آموزش‌ها بهره‌مند شدند. این افراد با بچه‌های دارای معلولیت جسمی و حرکتی در مهارت‌های ICDL تقریباً در یک سطح قرار دارند. البته کار اصلی ما پژوهش و تحقیق است ولی چون می‌دانستیم که برای پژوهش و تحقیق محض در ایران ارزشی قائل نمی‌شوند، شروع به پیاده‌سازی پژوهش‌هایمان کردیم که بازخورد بگیریم و آن را ارائه دهیم تا متوجه اثرات مفید آن بر روی افراد دارای معلولیت بشوند. در دنیا توسعه دسترسی الکترونیک، ابزاری معادل توانبخشی است. کلیه توانبخشی‌ها مثل گفتاردرمانی، کاردرمانی و فیزیوتراپی، یک طرف و بحث فناوری‌های کمکی، فناوری اطلاعات و بحث توسعه دسترسی الکترونیک هم یک طرف قرار می‌گیرند. این‌ها توانمندسازی‌های مبتنی بر مدل‌های توسعه اجتماعی هستند. ولی در ایران بحث تکنولوژی هنوز جدی گرفته نشده‌است. ما در خیلی از کنگره‌ها و نشست‌ها با مدیران دولتی و غیردولتی سطح بالا جلسات مختلفی داریم. ولی اکثریت کسانی که

برای نخستین بار سیستم آموزش مجازی به افراد دارای معلولیت را در ایران به راه‌انداختیم. هدفمان این بود که بچه‌های ناشنوا، نابینا و معلولان جسمی حرکتی بتوانند در خانه این آموزش‌ها را ببینند

در این جلسات شرکت می‌کنند، حرفی برای گفتن ندارند. در صورتی که توقع این است یک دانش ابتدایی نسبت به این فناوری‌های داشته باشند. به همین دلیل من ترجیح می‌دهم بعد از شش سال کار، به دلیل این‌که برای کار خودم ارزش قائل هستم، بیشتر با سازمان‌های بین‌المللی کار کنم و در ایران سعی می‌کنم خیلی گزیده کار کنم.

با کدام پروژه بین‌المللی همکاری داشته‌اید؟

چند پروژه با یونسکو داریم. یک سری کارهای فنی و پژوهشی هم هست که قرار بود سمن‌های دیگر هم درگیر آن شوند، ولی متأسفانه این اتفاق نیفتاد و خودمان همه کارهایمان را انجام می‌دهیم. جدا از سازمان یونسکو، چند مشاور در کانادا و آمریکا هم داریم و با انجمن‌های مختلفی در ارتباطیم.

چرخش مالی آموزشگاه منجی از چه طریقی حاصل می‌شود؟

آموزشگاه منجی، گردش مالی دارد ولی ما از خیریه‌های دیگر، خیریه‌ای‌تر عمل می‌کنیم! بیشتر دوره‌های ما حضوری هستند و براساس عرضه و تقاضا، شهریه‌ی اندکی دریافت می‌کنیم. البته چون سرویس‌های خوبی ارائه می‌کنیم، خانواده‌ها هم حمایت‌مان می‌کنند.

شما به جز از طریق این آموزشگاه، از مسیرهای دیگری هم درآمد دارید؟

درآمد اصلی من از مسیرهای دیگر است. من مترجم هستم، طراح نرم‌افزار هستم، سایت می‌نویسم و کارهای مختلف دیگری را هم انجام می‌دهم. در آموزشگاه منجی در کنار کارهای دیگرم، کار آموزشی هم انجام می‌دهم. من به دنبال این هستم که هزینه‌های آموزش‌های مجازی را از

چیزی که اکنون هست، پایین‌تر بیاورم تا ادامه پیدا کند.

مدل‌های اقتصادی وجود دارند که ویژه کسب و کارهای کم درآمد هستند. مدل‌هایی هست که به واسطه آن می‌شود کسب و کارتان را نگه دارید. من به دنبال این هستم که با استفاده از این مدل‌ها سرویس آنلاین آموزش‌های مجازی را حفظ کنم و به دنبال کسب سود از این طریق نیستم.

کاری که شما برای اشتغال افراد دارای معلولیت انجام می‌دهید، بسیار با ارزش است. به نظر شما این افراد چه توانایی‌هایی را باید کسب کنند تا بتوانند از طریق فضای مجازی وارد فضای کسب و کار شوند؟

بحثی که شما می‌کنید بحث اکوسیستم است. اول باید اکوسیستم اقتصادی این کار به وجود بیاید تا اثر بخش شود. همان‌طور که می‌دانید اکوسیستم یک چرخه محیط‌زیست است که هر کدام از افراد آن اگر حذف شوند، کل سیستم به مخاطره می‌افتد. در بحث اکوسیستم یک سرویس‌دهنده و یک سرویس‌گیرنده وجود دارد. در بحث سرویس‌دهنده، نیاز به نیروی متخصص است. نیروی متخصص نیاز به آموزش حرفه‌ای دارد. آموزش حرفه‌ای نیاز به مربیان با تجربه در بحث توسعه دسترسی معلولان دارد. در بحث سرویس‌گیرنده، فرد دارای معلولیت باید بستر استفاده از سرویس را داشته‌باشد، اینترنت مناسب داشته‌باشد و دولت باید این بسترها را فراهم کند. مانند همه جای دنیا دولت باید به سرویس‌دهنده، یارانه ویژه بدهد و دسترسی موبایل را آسان کند.

یک بحث، بحث توسعه دسترسی الکترونیکی است و یک بحث هم آموزش الکترونیک است. آموزش، زیرساخت‌های خاص خودش را نیاز دارد. کشورهایی که در این زمینه موفق هستند، زیرساخت‌هایشان را چهل سال پیش مهیا کرده‌اند. کار یک سال و دو سال و کار یک مرکز نیست. کار یک نسل است. ممکن است به این زودی‌ها هم جواب ندهد ولی بالاخره باید این کار انجام شود.

چه پیشنهادی برای بچه‌هایی که معلولیت دارند و در آرزوی اشتغال هستند دارید؟

توصیه‌ام به این دوستان، این است که در هر زمینه‌ای که کار می‌کنند و تخصصش را دارند، به دنبال کمک گرفتن از فناوری اطلاعات هم باشند. مهارت در این حوزه، حتماً راه آنها را بازتر و تعاملاتشان را بیشتر می‌کند.



علیرضا صادقیان، مهندسی صنایع را از دانشگاه علم و صنعت و مدیریت را از دانشگاه کلمبیا در آمریکا کسب کرده است. او سایت نت برگ را با یک تیم دوستانه پنج نفره آغاز کرد و حالا با نزدیک به دویست نفر کارمند حرفه‌ای مشغول به فعالیت است. این سایت با هفته‌ای یک پیشنهاد شروع به کار کرد و حالا هفته‌ای چهارصد پیشنهاد دارد. برای آشنایی با فعالیت این سایت موفق، با مدیر عامل سایت به گفت‌وگو نشستیم تا از مسیری که طی کرده، سوال کنیم.



علیرضا صادقیان، مدیر عامل نت برگ

رمز موفقیت ما در صداقت با مردم و اعتماد مردم به ماست

همکاری ۴ نفر از دوستان دوران دانشگاه و دبیرستانم که همیشه ایده‌های خوبی داشتند، زدیم به همین صورت کم‌کم جلو آمدیم. چارت کاری و استراتژی‌مان را تعیین کردیم و در هر جلسه، هر کدام گزارش کاری را که انجام داده بود را به گروه می‌دادیم. که چه کاری انجام داده و به چه نتیجه‌ای رسیده است؟ این شروع کار ما بود، که از زمستان ۸۹ مقدماتش شروع شد و در مرداد سال ۹۰، سایت رسماً راه‌اندازی شد.

ارتباطگیری شما با ارائه‌دهندگان خدمات و مشتریان در ایران چگونه شکل گرفت؟

در زمستان ۸۹ یک بروشور اولیه برای معرفی خودمان و اعلام راه‌اندازی چنین سایتی چاپ کردیم. آن را به افراد مختلف ارائه دادیم تا فیدبک بگیریم. در شروع کار، بحث مرغ یا تخم مرغ را داشتیم! وقتی به ارائه‌دهندگان خدمات مراجعه می‌کردیم، از ما می‌پرسیدند چند عضو دارید؟ جوابی نداشتیم چون هنوز عضوی نداشتیم. از طرف دیگر

ابتدا هدف ما این بود که بعد از دو ماه به روزی یک پیشنهاد برسیم ولی الآن هفته‌ای سیصد یا چهارصد پیشنهاد داریم، در تهران روزانه حداقل چهل پیشنهاد داریم!

خاصی که برای همگی مناسب بود، با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کردیم و ساعتها در این مورد صحبت می‌کردیم. وظیفه هرکس را هم مشخص کرده بودیم. مثلاً یکی موظف بود، در این مورد تحقیق و پژوهش کند، یکی به‌دنبال ثبت شرکت بود، یکی به‌دنبال طراحی سایت و بعد از این که در اواخر سال ۸۹ به ایران بازگشتم، استارت کار را با

چه شد که به فکر راه اندازی سایتی به نام نت برگ و با چنین عملکردی افتادید؟

هنگامی که در آمریکا دوره فوق‌لیسانس را می‌گذراندم، سایتی به نام گروپان^۱ بود که در سال ۲۰۱۰ در آمریکا خیلی سروصدا کرده بود و به سرعت در حال رشد بود. یکی از دوستانم این سایت را به من معرفی کرد و گفت کشورهای زیادی از این ایده استفاده می‌کنند ولی ما در ایران چنین سایتی نداریم. او به من پیشنهاد راه‌اندازی چنین سایتی در ایران را داد. من از این ایده استقبال کردم و با دوستانم این موضوع را به مشورت گذاشتم. اوایل، کارمان خیلی جدی نبود و بیشتر به‌دنبال مطالعه در این مورد بودیم. حدود چهارصد مقاله در مورد این که ورود به این حوزه چه مزایا و چه مشکلاتی ممکن است داشته باشد را، مطالعه کردیم. آن زمان من در آمریکا بودم، یکی از دوستان در لندن و بقیه بچه‌ها در ایران بودند. ما از طریق ارتباطات مجازی در ساعت

1. Groupon





برای تشویق کسانی که جزو نفرات اول بودند، یک دستگاه کامپیوتر جیبیبه عنوان جایزه تعیین کردیم. به بهانه برنده شدن در قرعه‌کشی و تبلیغات گسترده‌ای که انجام دادیم، توانستیم در همان یک ماه اول، پانزده هزار مشتری جمع کنیم!

درشت و در صفحه اول قرار دادیم تا مردم به راحتی آن را ببینند. از همان اول، شرکت را به ثبت رساندیم. در آن زمان سایت‌های اینترنتی، خیلی معتبر نبودند و نگاه مثبتی به آنها در جامعه وجود نداشت. فروش اینترنتی هم خودش یک امتیاز منفی بود ولی الآن جو جامعه عوض شده و سایت‌های فروش اینترنتی در نظر مردم اعتبار پیدا کرده‌اند.

درآمدتان را با چه مکانیسمی تعریف کرده‌اید؟

ما در قبال تخفیفی که می‌گیریم، کمسیون دریافت می‌کنیم. اگر جنسی را با ۵۰ درصد تخفیف پیشنهاد می‌دهیم، در واقع ۵۵ درصد تخفیف گرفته‌ایم و ۵ درصد مابه‌التفاوت آن، همان حق کمسیون ما می‌شود. ما هزینه ثابتی از صاحبان کسب و کار در ازای تبلیغاتی که برایشان انجام می‌دهیم، نمی‌گیریم.

در حال حاضر با چه تعداد از مراکز خدمات‌دهنده، در ارتباط هستید؟

ما سالانه با بیش از ده هزار مراکز خدمات‌دهنده و تولیدکننده، قرارداد داریم. بعضی از این رستوران‌ها و مراکز مشتریان دائمی ما هستند و بیش از پنج سال است که با ما کار می‌کنند.

چگونه این مراکز با وجود تخفیف‌های زیادی که به مشتریان می‌دهند، بازم مشتاق به همکاری با شما هستند؟

این کار یک روش بازاریابی است. برای هر کسب و کاری باید تبلیغ کرد و هر تبلیغی هم خرج دارد. ممکن است مراکزی تبلیغات چاپی انجام دهند یا

که این خدمت را دریافت می‌کند، ریسک پایین‌تری را بپذیرد، تا کم‌کم اعتماد مشتریان به ما جذب شود. با هفته‌ای یک پیشنهاد شروع کردیم و افزایش پیشنهاد را جزو اهداف کوتاه مدت خود قرار دادیم. ابتدا هدف ما این بود که بعد از دو ماه به روزی یک پیشنهاد برسیم و الآن هفته‌ای سیصد یا چهارصد پیشنهاد داریم. هر روز در تهران حداقل چهل پیشنهاد را ارائه می‌کنیم.

چگونه توانستید این اعتماد را کسب کنید؟

از روز اول جلب اعتماد خدمات‌دهندگان و خدمات گیرندگان، برای ما اصل اول بود. به همین دلیل از ابتدا سعی کردیم با مشتریان خود، چه شرکت‌های خدمات‌دهنده و چه افراد خدمات گیرنده، صادق باشیم. ما بعد از ارائه پیشنهاد در سایت و بعد از خرید مشتریان، تعداد آنها را به مراکز خدمات‌دهنده اعلام می‌کردیم، در حالی که بسیاری از رقبای ما به مراکز خدماتی می‌گفتند ما در ماه سیصد مشتری برایت می‌فرستیم، ولی بیشتر از سی نفر نمی‌توانستند جذب کنند. وجود صداقت برای ما خیلی مهم بود. دیگر این‌که همیشه پول خدمات‌دهندگان را سرموقع می‌پرداختیم و این برای یک مرکز خیلی مهم بود که پولش را سر وقت بگیرد.

از ابتدا به ظاهر سایت هم خیلی توجه داشتیم که حرفه‌ای و چشمگیر باشد. می‌شد از روز اول یک طراحی سایت با لوگوی ساده انتخاب کرد. ولی ما به این مسائل اهمیت زیادی دادیم. مثلاً تلفن سایت را خیلی

مقاضیان هم می‌پرسیدند که چقدر می‌توانید تخفیف بگیرید؟ باز جوابی نداشتیم. بنابراین فکر کردیم که ابتدا خودمان را به‌عنوان سایتی که تخفیف گروهی می‌گیرد و قرار است تخفیف‌هایی تا ۹۰ درصد از رستوران‌ها و مراکز مختلف بگیرد، معرفی کنیم و از مشتریان خواستیم که ای میل خودشان را به ما بدهند. برای تشویق کسانی که جزو نفرات اول بودند، یک دستگاه کامپیوتر جیبی به‌عنوان جایزه تعیین کردیم. به بهانه برنده شدن در قرعه‌کشی و تبلیغات گسترده‌ای که انجام دادیم، توانستیم در همان یک ماه اول، پانزده هزار مشتری جمع کنیم. همین باعث شد که وقتی به رستوران‌ها و شرکت‌های ارائه‌کننده خدمات مراجعه می‌کنیم، دستان پر باشد و بتوانیم قرارداد ببندیم.

در مورد اولین قراردادهایتان بگویید. از کجا شروع کردید؟

سعی کردیم با قراردادهای خیلی ارزان شروع کنیم. اولین پیشنهادمان، نمایشی از شیردریایی در استخر پارک ارم با مبلغی حدود سه هزار و نهصد تومان بود. دومین پیشنهاد، صرف میان وعده در یک کافی‌شاپ به مبلغ حدود سه یا چهار هزار تومان بود. قیمت خدمات این کافی‌شاپ بدون تخفیف، ده هزار تومان بود که با تخفیف نِت برگ، سه یا چهار هزار تومان می‌شد. از طرف دیگر سعی می‌کردیم تخفیف‌های ما شصت یا هفتاد درصد باشد تا شخصی

1. Ipad



کارش را انجام می‌دهد. چنین کارهایی اشتغال‌زایی مناسبی برای این افراد می‌تواند ایجاد کند.

افراد دارای معلولیت علاقمند به فعالیت در این حوزه، نیاز به چه مهارت‌هایی دارند؟

همه افرادی که در این‌جا مشغول به کار هستند، باید حداقلی از دانش کامپیوتری را داشته باشند. از این‌جا به بعد بستگی به فعالیت و تلاش خود افراد و کاری که انجام می‌دهند دارد. مثلاً کارکنان مرکز تلفن‌ها، افرادی هستند که از مهارت‌های ارتباطی خوبی برخوردارند و نحوه صحبت کردن با مشتریان را می‌دانند. کسانی که محتوای سایت را تنظیم می‌کنند، باید با مهارت‌های خاصی آشنا باشند. یا افرادی که عکس در سایت قرار می‌دهند باید فتوشاپ بدانند و کسانی که در قسمت برنامه‌نویسی کار می‌کنند، حتماً لازم است مهارت‌های پیشرفته‌تری داشته باشند. بنابراین هرکس با علاقه و استعدادش می‌تواند جایی در این پروسه کار کند. البته هرکس که وارد کار جدیدی می‌شود، یک سری آموزش‌ها را توسط کارفرما در حوزه کاریش می‌بیند، ولی کسی که می‌خواهد وارد فضای مجازی شود، باید دانش اولیه از مهارت‌های کامپیوتر را داشته باشند.

و آخرین صحبت شما؟

من دوستان دارای معلولیت را تشویق می‌کنم که وارد کار در فضاهای مجازی شوند. در این فضا در خیلی موارد، معلولیت می‌تواند محدودیت نباشد. در فضای مجازی با توجه به پیشرفت‌های تکنولوژی افراد دارای معلولیت می‌توانند برای خودشان کار داشته باشند و حتی کاری را راه‌اندازی کنند. به یاد دارم در شروع کارمان و وقتی هنوز از لحاظ مالی در شرایط خوبی نبودیم، به دنبال یک شخص حرفه‌ای برای فروش بودیم. کسی که ما مراجعه کرد که روی ویلچر نشسته بود، ولی آن قدر از لحاظ کاری سطحش بالا بود که ما نمی‌توانستیم حقوق در خور او را بپردازیم. ایشان با ماشین خودش به اینجا آمده بود با ویلچر حرکت می‌کرد و بدون نیاز به کمک دیگران کارهایش را انجام می‌داد. ما متأسفانه نتوانستیم با ایشان همکاری کنیم ولی ایشان قابلیت کاری‌شان خیلی بالاتر از افراد تندرست بود.

من دوستان دارای معلولیت را تشویق می‌کنم که وارد کار در فضاهای مجازی شوند. در این فضا در خیلی موارد، معلولیت می‌تواند محدودیت نباشد. در فضای مجازی با توجه به پیشرفت‌های تکنولوژی افراد دارای معلولیت می‌توانند برای خودشان کار داشته باشند و حتی کاری را راه‌اندازی کنند

راهنمایی کنید

سایت که تبلیغات آنلاین ۴ است و بیشتر برای خودمان طراحی شده است. این سایت‌ها به صورت مستقل و جداگانه از نت برگ، کار می‌کنند. این روند توسعه را به صورت افقی در کنار نت برگ طراحی کرده‌ایم. این سایت‌های جدید را با توجه به تجربه‌ای که در نت برگ کسب کردیم، راه‌اندازی نموده‌ایم.

در حال حاضر چند کارمند دارید؟

ما با یک تیم پنج نفره از دوستان کار را شروع کردیم و حالا نزدیک به دویست نفر همکار داریم.

با توجه به تجربه‌ای که در کار فضای مجازی دارید به نظر شما چه ظرفیتی برای اشتغال افراد دارای معلولیت در این حوزه وجود دارد؟

به هر حال هر نوع معلولیتی، یک سری محدودیت‌هایی ایجاد کند که می‌تواند فرد را از انجام کارهای جسمی سنگین باز دارد. ولی برای افراد دارای معلولیت، کار در فضای مجازی بسیار مناسب است. در فضای مجازی، نیاز به کار ذهنی و مغزی وجود دارد تا کار یدی و جسمی و نیاز به رفت و آمد هم نیست. برنامه نویسان ما از صبح که وارد محیط کار می‌شوند تا وقتی که به خانه می‌روند، پشت کامپیوتر خود نشسته‌اند. ممکن است پرسنل فروش ما مجبور به رفت و آمد در شهر باشد، ولی همکار برنامه‌نویس یا مرکز تلفن ما از پشت کامپیوتر

مثلاً بلبورد بزنند. ولی می‌توانند به جای این هزینه‌ها، با تخفیف‌هایی که می‌دهند، هم برای کار خود تبلیغ کنند و هم از این طریق مشتری جذب کنند. البته رستوران‌ها و مراکز مختلف، خیلی هم کنترل شده این کار را انجام می‌دهند. مثلاً برای ناهار که میز خالی دارند، تخفیف می‌دهند و برای شام که میزهایشان پر است، سرویس نمی‌دهند. از این طریق برای کار خود بازاریابی می‌کنند. وقتی سرویس خوبی ارائه می‌دهند، همین مشتری راغب می‌شود که با چند نفر دیگر برای شام هم به همین رستوران بیاید. یا این رستوران را به چند نفر دیگر معرفی می‌کند.

خرید از نت برگ و استفاده از تخفیفات آن چگونه است؟

مشتریان ما از طریق سایت با ما ارتباط می‌گیرند، پیشنهادها را می‌بینند و اینترنتی خرید می‌کنند. مشتریان در تعداد خرید از نت برگ محدودیتی ندارند و به تعدادی که می‌توانند از نت برگ خرید کنند. آدرس دقیق محل و میزان تخفیف در سایت، مشخص است.

آیا شما در این حوزه رقابایی هم دارید؟

قبلاً رقبای زیادی داشتیم. زمانی بود که شاید حدود سیصد سایت رقیب داشتیم. ولی خیلی از این رقبا اکنون از دور خارج شده‌اند.

چه چشم‌اندازی برای آینده دارید؟

نت برگ در حال گسترش و توسعه کار است. در حال ارائه خدمت با تخفیف برای ارگان‌های مختلف هستیم. در کنار این کار، توصیه‌هایی هم در ایجاد سایت‌های دیگر و با کسب‌وکارهای مختلف داشته‌ایم. در حال حاضر سایت دیگری با آدرس زیر را داریم که بلیت‌های سینما و تئاتر و کنسرت‌ها یا هر رویداد دیگر در شهر را، با تخفیف می‌فرشد. یک سایت سفارش آنلاین غذا داریم. و با این سایت افراد می‌توانند منوی رستوران‌های اطراف محل خود را ببینند و از طریق این سایت، غذای خود را آنلاین سفارش داده و در سریعترین زمان ممکن دریافت کنند. سایت دیگری که غذای شرکت‌ها و سازمان‌ها را روزانه توزیع می‌کند.

1. www.tik8.com
2. www.chilivery.com
3. www.saremirz.com

4. www.clix.ir



عماد بهاور، مهندس صنایع و فوق لیسانس علوم سیاسی و جامعه‌شناسی بوده و یک سال و نیم است که شرکت هنر مثالی شرق را تاسیس کرده است و در فضای مجازی و به صورت آنلاین محصولات صنایع دستی و هنری را عرضه می‌کند. پیش از این، او مدتی در حوزه مهندسی صنایع و در بحث کنترل کیفیت و ارزیابی طرح‌های توجیهی برای پروژه‌های مختلف کار کرده است.



مدیر عامل شرکت هنر مثالی شرق

در این دوره ایده و خلاقیت حرف اول را در بازار می‌زند، چه در طراحی محصول و چه در عرضه آن

را در مورد یک وسیله دیجیتالی از مشخصات فنی و نقاط ضعف و قوت آن را خیلی صادقانه به دست بیاورند و امکان مقایسه این محصول با محصولات مشابه نیز فراهم شده بود. بنابراین فقط فروش هدف نبود بلکه این سایت مرجعی شد برای کسانی که می‌خواستند اطلاعات و قیمت واقعی کالا را به دست بیاورند، چون در بازار معمولاً قیمت‌های متفاوتی برای یک محصول وجود دارد.

سایت دیجی‌کالا با برندهای مطرح در ارتباط بود؟

در ابتدا این سایت و خدماتش هم برای مردم و هم برای تولیدکنندگان ناشناخته بود ولی به مرور توانستند با شرکت‌های تولیدکننده ارتباط بگیرند و اعتماد آن‌ها را جلب کنند. در شروع کار با تعداد محدودی کالا کار می‌کردند ولی با ارزیابی و معرفی خیلی خوبی که از کالاها داشتند و با تهیه عکس‌های خوبی و با کیفیت از زوایای مختلف کالاها و در دسترس قرار دادن اطلاعات دقیق، توانستند

یک سال و نیم پیش
به دیجی‌کالا پیشنهاد
فعالیت در حوزه معرفی و فروش
صنایع دستی را دادیم
که با استقبال مدیران دیجی‌کالا
روبه‌رو شد

این محصولات پرداختند. موفقیت این سایت در این بود که دیجی‌کالا تنها یک سایت فروش نبود بلکه سایت نقد و بررسی آنلاین محصولات بود به طوری که مراجعه‌کنندگان به این سایت می‌توانستند هرگونه اطلاعاتی

چگونه به فکر کار در فضای مجازی افتادید و از کجا شروع کردید؟

حدود یک سال و نیم است که با شرکت دیجی‌کالا شروع به همکاری در حوزه فروش آنلاین محصولات صنایع دستی و کالاهای هنری و دست‌ساز کرده‌ام. من مدیرعامل شرکت هنر مثالی شرق هستم و با برند مثالین فعالیت می‌کنم. ما صنایع دستی را از تولیدکنندگان مختلف در سراسر کشور جمع‌آوری می‌کنیم و پس از کنترل کیفیت و معرفی در سایت دیجی‌کالا در معرض فروش می‌گذاریم.

در مورد شرکت دیجی‌کالا و همکاری خود با این شرکت توضیح دهید؟

سایت دیجی‌کالا حدود ده سال است که در حوزه فروش اینترنتی فعالیت می‌کند. موسسان آن دو برادر با نام‌های سعید و حمید محمدی هستند که ابتدا کارشان را با معرفی کالاهای دیجیتالی مثل موبایل و کامپیوتر و دوربین عکاسی دیجیتالی شروع کردند و به تدریج فعالیت خود را گسترش دادند و به فروش آنلاین



تبلیغ کرده است. به هر حال تبلیغ برای تولیدات ایرانی جای خود را دارد، اما کار درحوزه صنایع دستی خیلی فراتر از آن است، چون امکان اشتغال را برای افراد سرپرست خانوار و افراد دارای معلولیت و صاحبان کارگاه‌های کوچک فراهم می‌کند. ما در حال حاضر از تعدادی از موسسات خیریه مثل رعد الغدیر محصولات مددجویان را برای عرضه در دیجی کالا می‌خریم. این محصولات نوعاً کالاهای باکیفیتی هم هستند. ما از تولیدات معلولان ذهنی هم استفاده می‌کنیم.

اکنون ما حدود دو هزار قلم کالا داریم و به زودی به مجموع سه هزار قلم خواهیم رسید که بخش عمده‌ای از این محصولات از تهران است ولی از دوازده استان دیگر هم این کالاها جمع‌آوری شده‌اند.

شما با چند نفر کار می‌کنید و چگونه این ارتباط‌ها را ایجاد می‌کنید؟

ارتباط با شما چگونه است؟

ما با دوازده کارشناس کار می‌کنیم. سایت ما در حال راه‌اندازی است و به صورت تخصصی در حوزه فروش صنایع دستی و هنری فعالیت خواهد کرد. بسیاری از محصولات این سایت، به سایت دیجی‌کالا متصل است و افرادی که تمایل به خرید از این سایت دارند به راحتی می‌توانند از این طریق با ما در تماس باشند.

چگونه با تولیدکنندگان ارتباط ایجاد می‌کنید؟

ما از طریق کانال‌های مختلف تولیدکنندگان را شناسایی می‌کنیم. در نمایشگاه‌های صنایع دستی که در تهران برگزار می‌شود معمولاً اکثر تولیدکنندگان از سراسر کشور شرکت می‌کنند. ما با این افراد، تک تک وارد مذاکره می‌شویم. از طریق شبکه‌های اجتماعی مثل فیس‌بوک و اینستاگرام هم با تولیدکنندگان تماس می‌گیریم و حتی گاهی به شهرستان‌های مختلف می‌رویم و کارگاه‌های این افراد را از نزدیک می‌بینیم. علاوه بر این یک سری موسسات خیریه که در حوزه‌های مختلف در شهرستان‌ها فعالیت می‌کنند و با ما در ارتباط هستند. برای مثال یک انجمن محیط زیستی در یک منطقه از کشور برای حمایت از جنگل‌ها و منابع طبیعی آن منطقه

ما در حال حاضر از تعدادی از موسسات خیریه مثل رعد الغدیر محصولات مددجویان را برای عرضه در دیجی کالا می‌خریم. این محصولات نوعاً کالاهای باکیفیتی هم هستند. ما از تولیدات معلولان ذهنی هم استفاده می‌کنیم

با استقبال آن‌ها در این زمینه، همکاری ما از یک سال و نیم پیش آغاز شد.

قبل از شروع همکاری شما با این سایت تمام کالاهایی که در دیجی‌کالا به فروش می‌رسید محصولات خارجی بودند؟

کالاهای دیجیتالی که عمدتاً خارجی هستند، لوازم خانگی هم بیشتر خارجی بودند، ولی اکنون روی انواع لوازم خانگی ایرانی و محصولات شوینده و بهداشتی ساخت ایران و بسیاری کالای ایرانی دیگر هم تمرکز کرده‌اند. دیجی‌کالا کمپین حمایت از کالاهای ساخت ایران به راه انداخته و در جشنواره‌های مختلف، روی فروش محصولات ایرانی هم

مشتری خود را افزایش دهند. با بالا رفتن میزان فروش طبیعتاً تولیدکنندگان و برندهای مطرح هم از این روش استقبال کردند و بدین‌گونه شرکت دیجی‌کالا توانست با نمایندگان فروش و شرکت‌های واردکننده محصولات دیجیتالی قراردادهایی با خرید انبوه ببندد و گردش مالی بالایی را هم به دست آورد. در چند سال اول دیجی‌کالا فقط کالاهای دیجیتالی را معرفی می‌کرد و به فروش می‌رساند ولی بعد به فکر اضافه کردن لوازم خانگی هم افتاد به مرور کتاب و لوازم التحریر و لوازم فرهنگی و هنری و کالاهای ورزشی هم اضافه شدند و اکنون در این سایت انواع و اقسام کالاهای مصرف عمومی به مردم عرضه می‌شود. با افزایش تنوع کالا، بازدیدکنندگان هم اولین سایت فروش اینترنتی کالا در ایران است و ۹۲ درصد بازار آنلاین را در دست دارد و با سایر رقبا فاصله زیادی دارد و می‌توان گفت که در بازار ایران بدون رقیب است. بیش از یک میلیون و دویست هزار نفر در روز از این سایت بازدید می‌کنند، اطلاعات می‌گیرند، قیمت می‌گیرند یا خرید می‌کنند.

یک سال و نیم پیش به دیجی‌کالا پیشنهاد فعالیت در حوزه معرفی و فروش صنایع دستی را دادیم که با استقبال مدیران دیجی‌کالا روبه‌رو شد. مدیران این سایت علاقه زیادی به فعالیت در زمینه فروش کالاهای تولید شده در ایران دارند و



از کارهایی که به‌عنوان صنایع دستی در فروشگاه‌ها عرضه می‌شود کالاهای چینی با همان نقش و طرح ایرانی هستند و متأسفانه به‌عنوان تولیدات ایرانی به فروش می‌رسند. بنابراین تحقیق در مورد اصالت کالا کار مهمی است که برعهده ماست.

آیا شما از تیم متخصص برای این کار استفاده می‌کنید؟

بله ما از کارشناسان این حوزه بهره می‌گیریم؛ از کارگاه‌های مختلف بازدید می‌کنیم و مطمئن می‌شویم

آدرس سایت ما
مثالین است که در حال
راه‌اندازی است و
به صورت تخصصی
در حوزه
فروش صنایع دستی و هنری
فعالیت خواهد کرد.

می‌کنیم کار یک استاد را با کار اساتید هم سطح خودش قیمت‌گذاری کنیم و کار یک شاگرد را هم نسبت به کار همکارانش. گاهی دیده می‌شود که در بازار کارهایی با کیفیت پایین را به قیمت چندبرابر به فروش می‌رسانند. دیجی کالا توانسته است این اعتماد را ایجاد کند که قیمت محصول، قیمت واقعی آن کالا و متناسب با عرف بازار است.

مسئولیتی که از طرف دیجی‌کالا به ما سپرده شده این است که تحقیقات لازم و دقیق روی هر کالا انجام دهیم که کار معرفی شده اصل و با کیفیت باشد. در حال حاضر بسیاری

فعالیت دارد. این سمن در جهت جلوگیری از قطع درختان جنگلی برای امرار معاش توسط افراد منطقه، کالاهای دستی و بافندگی را در این منطقه حمایت و تقویت می‌کند و این کالاها را از مردم این منطقه خریداری می‌کند و به مرکز می‌فرستد و از این طریق راهی برای امرار معاش مردم و آسیب نزدن به محیط زیست پیدا کرده است. انجمن محیط زیستی دیگری داریم که در جهت حمایت از خرس سیاه آسیایی در منطقه بشاگرد کار می‌کند. این سمن، کارهای حصیربافی این منطقه را جمع‌آوری کرده، به فروش می‌رساند تا مردم برای کسب درآمد مجبور به شکار خرس سیاه نشوند. انجمن‌هایی که در حوزه‌های مختلف کار می‌کنند هم می‌توانند محصولات خود را از طریق سایت دیجی کالا به فروش برسانند. البته این تولیدات باید استانداردسازی شود و کنترل کیفیت روی آن صورت بگیرد و قابل بسته‌بندی باشد.

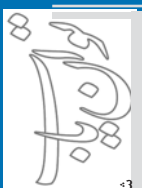
آیا شما به تولیدکنندگان صنایع دستی مشاوره و راهنمایی هم می‌دهید؟

بله. ایده‌هایی از طرف ما به آنان داده می‌شود که چه طرحی روی کار انجام شود که مخاطب بپسندد. گاهی لازم است که تولیدکنندگان تنوعی در محصولات خود ایجاد کنند تا بازار فروش خوبی به دست بیاورند. این مشاوره از طرف ما به خیلی از تولیدکنندگان داده می‌شود و کالاهایی که با این شرایط به دست ما می‌رسد را از طریق سایت دیجی کالا معرفی و به فروش می‌رسانیم.

قیمت‌گذاری روی این محصولات چگونه انجام می‌شود؟

شرکت دیجی کالا در حوزه‌های مختلف به نوعی استانداردسازی قیمت را در دستور کار خود دارد و ادعا می‌کند که کالای خود را با مناسب‌ترین و منصفانه‌ترین قیمت در اختیار مصرف‌کنندگان قرار می‌دهد. از آن‌جا که صنایع دستی، کالای هنری محسوب می‌شود قیمت مصوبی ندارند. از طرفی کار دست هر استادی با استاد دیگر فرق می‌کند، حتی اگر مواد اولیه مصرفی یکسان باشند. مثلاً یک کار خاتم اصفهان بسته به این‌که کار کدام استاد است، قیمت متفاوتی دارد. کار اساتید مختلف مثل امضا و برندی برای این محصولات به شمار می‌آیند. ما سعی

I. mesaleen.com



شناسایی کنیم و لیستی از آنها تهیه کرده‌ایم. برنامه ما این است که در چند مرحله به این شهرستان‌ها برویم و با این افراد صحبت کنیم و از نزدیک با کار و محصولاتشان آشنا شویم و از بین این افراد کسانی را که کار قابل‌ارایه و با کیفیت تولید می‌کنند شناسایی و کارهایشان را از طریق دیجی کالا به فروش برسانیم.

به نظر می‌رسد که اگر هر فرد دارای معلولیت بخواهد مستقیماً وارد کار شود خیلی موفق نباشد و لازم است که یک مرکز یا انجمن این وظیفه را برعهده بگیرد؟

شرکت ما دقیقاً چنین نقشی را ایفا می‌کند. معاونت رفاه وزارت رفاه، کار و امور اجتماعی شبکه‌ای ایجاد کرده که تمام تولیدکنندگان از سراسر کشور بتوانند کارشان را در این شبکه معرفی کنند. شرکت ما با مراکزمانند رعد الغدیر این کارها را شناسایی و جمع‌آوری می‌کنند و در فروشگاه‌های داخل و خارج کشور و یا در فروشگاه‌های مجازی مثل دیجی‌کالا به فروش می‌رسانند. فردی که در یک منطقه دور دست کار می‌کند و یا فرد دارای معلولیتی که دسترسی به بازار ندارد شاید توانایی بازاریابی برای فروش محصولاتش را نداشته باشد. بازاریابی یک کار بسیار تخصصی است و ما برای این افراد کار بازاریابی را انجام می‌دهیم و تولیدات آنان را با قیمت مناسب می‌خریم و با قیمت منصفانه در بازار عرضه می‌کنیم.

کار در فضای مجازی یک حوزه کارآفرینی است. یک فرد دارای معلولیت باید چه توانایی‌هایی داشته باشد که بتواند وارد چنین بازاری شود؟

امروزه این ایده که بخواهیم محصولات را به صورت اینترنتی بفروشیم شاید ایده جدیدی نباشد چون الان همه اینترنت دارند و با فضای مجازی آشنا هستند. می‌توان با یک میلیون تومان، سایتی راه انداخت و صد یا دویست محصول را هم در آن معرفی کرد و منتظر ماند تا مردم آن‌ها را بخرند. این کار سختی نیست و به ذهن هرکسی هم می‌رسد، مهم این است که کار به طور علمی انجام شود. در واقع محتوای کار خیلی مهم است. اینکه عکس‌ها چگونه و با چه کیفیتی باشند و معرفی کالا و مشخصات فنی

فرد دارای معلولیتی که در خانه نشسته و کار هنری و صنایع دستی تولید می‌کند اگر تاکنون تولیداتش را به فروشگاه‌های می‌فروخته‌اند الان می‌تواند آن‌ها را در اختیار فروشگاه آنلاین قرار دهد. از این نظر بین یک فرد دارای معلولیت و یک فرد غیر معلول تفاوتی وجود ندارد

کند تا بتواند محصول مورد نظر را تهیه کند. ولی وقتی محصولات به صورت آنلاین فروخته می‌شود، صنایع دستی زاهدان را می‌توان در تهران خرید و تولیدات تهران را هم در همه جای ایران. بنابراین فروشگاه‌های مجازی بازاری است که دسترسی همه را راحت کرده و فروش را هم بالا می‌برد. این چنین فضایی برای افراد دارای معلولیت این امکان را فراهم می‌کند که بتوانند کالاهایشان را در وسعت تمام کشور ارائه دهند. افراد زیادی که معلولیت دارند، در حوزه صنایع دستی فعالیت می‌کنند و ما از طریق معاونت رفاه در وزارت رفاه، کار و امور اجتماعی، توانسته‌ایم صدها نفر از افراد تحت پوشش بهزیستی را که در شهرستان‌ها صنایع دستی تولید می‌کنند را

که این کار ایرانی است و از مواد اولیه مرغوب استفاده شده است. اگر ما در سایت مثالین فرشی با رنگ طبیعی را معرفی می‌کنیم حتماً در آن الیاف مصنوعی یا پلاستیکی به کار نرفته است؛ در حالی که در بازار انواع و اقسام این محصولات با الیاف مصنوعی و رنگ‌های شیمیایی به اسم الیاف طبیعی و رنگ طبیعی به فروش می‌رسد. خریدار نمی‌تواند اعتماد لازم را به این محصولات داشته باشد مگر این که برود و از یک برند خاص و شناخت شده خرید کند. اکنون دیجی‌کالا به یک برند تبدیل شده و ما سعی می‌کنیم در حوزه صنایع دستی هم برند بسازیم تا خریدار بداند آنچه از ما خریداری می‌کند تضمین کیفیت فیزیکی و اصالت کار دارد.

افراد دارای معلولیت چگونه می‌توانند وارد کار در فضای مجازی شوند؟

فروشگاه‌های مجازی یک کانال جدید و قابل دسترسی برای فروش محصولات هستند. فرد دارای معلولیتی که در خانه نشسته و کار هنری و صنایع دستی تولید می‌کند اگر تاکنون تولیداتش را به فروشگاه‌های می‌فروخته‌اند الان می‌تواند آن‌ها را در اختیار فروشگاه آنلاین قرار دهد از این نظر بین یک فرد دارای معلولیت و یک فرد غیرمعلول تفاوتی وجود ندارد.

دسترسی به صنایع دستی سخت است و اگر کسی بخواهد یک کار هنری خاص را بخرد باید به یک شهرستان محل تولید آن برود و حتی شاید نداند در آن شهر به کجا مراجعه



آن چگونه باشد و قیمت‌گذاری چگونه انجام شود نکات مهمی است که باید به آن‌ها دقت شود.

چشم اندازتان برای آینده کارتان چیست؟

از وقتی که ما کارمان را شروع کرده‌ایم تنوع محصولاتمان زیادتر شده است و به تدریج با بالا رفتن تنوع کارها فروشمان هم بیشتر شده است. ما الان حدود سه هزار نوع کالا داریم و برنامه‌مان این است که آن را به ده هزار نوع کالا برسانیم. این به معنای آن است که ما باید رشته‌های دیگر صنایع دستی را وارد کار کنیم و تعداد بیشتری تولیدکننده صنایع دستی را پوشش دهیم. در برنامه استراتژیکی که داشته‌ایم همه این اهداف دیده شده که تا انتهای سال و تا سه سال آینده باید به چه حجم فروشی برسیم. بر روی فروش خارجی هم برنامه‌ریزی جدی داریم و مذاکراتی با تاجران کشورهای مثل فرانسه و ایتالیا داشته‌ایم که بتوانیم در حوزه فروش صنایع دستی هم با این تجار همکاری داشته باشیم و خوشبختانه خیلی هم مورد استقبال آن‌ها قرار گرفته است. صنایع دستی ایران و صنایع دستی خاورمیانه در جهان بسیار ناشناخته است. صنایع دستی هند را در همه جای دنیا می‌شناسند در حالیکه صنایع دستی ایران بسیار با کیفیت‌تر از کارهای هندی است. کارهای خاتم، فیروزه و میناکاری ایران بسیار نفیس است و در دنیا مانند ندارد. وقتی ما این کارها را به تاجر خارجی نشان می‌دهیم بسیار با تعجب و شگفتی به آن نگاه می‌کنند و معلوم است که برای اولین بار است این کالاها را می‌بینند. مذاکرات اولیه با این تاجر انجام شده است.

همانطور که ما در ایران از طریق دیجی کالا محصولاتمان را می‌فروشیم بازارهای آنلاین بین‌المللی، هم وجود دارد که ما با همه این بازارها ارتباط گرفته‌ایم و می‌توانیم همان‌طور که در دیجی کالا جنس می‌فروشیم در این بازارهای بین‌المللی هم فروش داشته باشیم. برای کشورهای حاشیه خلیج فارس و عربستان هم بازاری به نام سوق داریم که بازارهای کشورهای عربی را پوشش می‌دهد و بزرگ‌ترین بازار آنلاین این منطقه است. ما با این بازار هم مکاتباتی داشته‌ایم که

1. Ebay, Amazon, Etsy

توصیه من اختصاص به افراد دارای معلولیت ندارد و به همه کسانی که تولیدکننده صنایع دستی هستند توصیه می‌کنم که به دنبال بازارهای جدید باشند. امروز عصر اینترنت است و باید به دنبال بازارهای خارجی هم باشند

بتوانیم صنایع دستی ایران را در آن بفروش برسانیم. شناسایی سلیقه هر کشوری در بازارهای بین‌المللی خیلی مهم است. هر کشوری یک بخش از کارهای هنری را دوست دارند مثلاً در کشوری که مردم به ابریشم علاقه دارند فرش ابریشمی بازار خوبی دارد. ما این اطلاعات را تا حدودی به دست آورده‌ایم و به دنبال این هستیم که کارهایمان را در بازارهای بین‌المللی و دیگر بازارها آنلاین بین‌المللی بفروشیم.

توصیه شما به افراد دارای معلولیت علاقه‌مند به کارهای هنری چیست؟

توصیه من اختصاص به افراد دارای معلولیت ندارد و به همه کسانی که تولیدکننده صنایع دستی هستند توصیه می‌کنم که به دنبال بازارهای جدید باشند. امروز عصر اینترنت است و باید به دنبال بازارهای خارجی باشند. همان‌طور که در ایران چند سایت وجود دارد که در زمینه صنایع دستی کار می‌کنند، در هر منطقه اروپا هم سایت‌های فراوانی هستند که فروش خوبی دارند و می‌توان با این بازارها وارد مذاکره و فعالیت شد. دیجی کالا بزرگ‌ترین بازار اینترنتی ایران است. دوستان می‌توانند با این بازار همکاری داشته باشند. توصیه‌ام به دوستان این است که کارهایشان را در حد استاندارد و قابل قبول تولید کنند و قیمت تمام شده مناسب برایش به دست بیاورند. یک کالای قابل بسته‌بندی و قابل هدیه دادن ارائه کنند. کارهای صنایع دستی برای هدیه دادن مناسب‌اند

و چه بهتر که مردم به جای خرید جنس نامرغوب چینی از صنایع دستی تولیدکشور خودمان خریداری کنند. اگر تولیدکنندگان صنایع دستی بتوانند یک محصول با کیفیت و با بسته‌بندی مناسب ارائه بدهند و اگر بتوانند برای کارهایشان برند و لگو داشته باشند و از کارهایشان اتیکت و بروشور تهیه کنند، می‌توانند فروش خود را افزایش دهند. بیشتر فروشگاه‌ها تمایل دارند چنین محصولاتی را بخرند، چون به راحتی قابل ارایه و فروش هستند.

از طرفی خود این دوستان می‌توانند در به راه انداختن بازارهای اینترنتی با ایده‌های جدید فعالیت داشته باشند. استارت آپ‌ها ایده‌های جدیدی هستند که در هر حوزه‌ای مطرح می‌شود و شرکت‌هایی به نام شتاب‌دهنده سرمایه وجود دارند که روی این ایده‌ها سرمایه‌گذاری می‌کنند. بسیاری از افراد صاحب ایده، خودشان سرمایه ندارند و با کمک گرفتن از این شرکت‌های شتاب‌دهنده می‌توانند ایده‌هایشان را عملی کنند.

ممکن است یک فرد دارای معلولیت ایده بدهد که تولیدات سایر افراد دارای معلولیت را با یک ارایه و شکل جدید در سایتی عرضه کند. اگر این فرد بتواند این ایده را به شکل متفاوتی ارایه کند و اگر این ایده، جدید و خلاقانه باشد و بتواند سرمایه لازم را هم جذب کند، موفق خواهد شد. حتی می‌تواند از افراد متخصص هم در جهت تکمیل کار خود استفاده کند. حتی چند فرد دارای معلولیت که توانمندی‌های مختلفی دارند می‌توانند با هم جمع شوند و یک تیم تشکیل دهند، مثلاً اگر کسی برنامه نویسی بلد است و شخصی گرافیک بداند و دیگری عکاس خوبی باشد، می‌توانند با هم کار کنند و یک بازار اینترنتی راه بیندازند. در این دوره ایده و خلاقیت حرف اول را در بازار می‌زند، چه در طراحی محصول و چه در عرضه آن. قبل از راه‌اندازی دیجی کالا بازارهای اینترنتی دیگری هم در ایران وجود داشت ولی مدیران دیجی کالا به شکلی خلاقانه محصولات خود را عرضه کردند و توانستند از دیگران جلو بزنند.



لیلا شمایی، تسهیلگر حوزه کارآفرینی اجتماعی

آسیب‌شناسی اشتغال در فضای مجازی

در عصر تکنولوژی که ورود به عرصه اقتصادی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های نسل امروز است و تغییرات اساسی در جامعه مدرن، کمی دشوار شده است، برای ورود و کسب موفقیت در عرصه اقتصادی، یکی از مهم‌ترین پیش نیازها، دسترسی به ابزار روز است. این ابزار به نسبت توان و نوع فعالیت اقتصادی، می‌بایست در اختیار افراد باشد.

یکی از مهم‌ترین ابزار جامعه مدرن برای فعالیت اقتصادی، استفاده از فضای مجازی و به طور خاص، اینترنت است.

طبق آخرین آمارهای موجود که توسط وزارت ورزش و جوانان به‌دست آمده، بیش از سی و یک هزار شغل جدید در فضای مجازی ایران در حال راه‌اندازی است. با این حجم از ظرفیت، می‌توان چشم‌اندازی روشن را در ایجاد و توسعه اشتغال در فضای مجازی پیش‌بینی نمود.

در این مقاله سعی شده به اختصار به برخی از آسیب‌ها و عوامل عدم موفقیت اشتغال در این عرصه اشاره شود.

عدم شناخت درست مفاهیم و ابزارهای مورد استفاده در فضای مجازی: در جامعه ما با وجود این‌که فرهنگ استفاده از ابزار مورد نیاز در فضای مجازی، پس از مدت‌ها استفاده از آن، به عنوان یک نیاز اساسی مطرح شده است، ولی کمتر اتفاق افتاده است که قبل از ورود یک تکنولوژی جدید، بستر مناسب برای استفاده از آن توسط نهاد یا مراکزی پیش‌بینی شده باشد.

عدم وجود مرجعی مسئول در این حوزه که نسبت به توانمند سازی و آموزش در این عرصه اقدام کند:

برای ورود به هر برنامه و طرح جدیدی، باید مسیری را که در شروع معمولاً ناشناخته است را طی کرد. لذا وجود یک مرجع حمایتی و توان‌افزایی و مشاوره‌ای، جزئی از ملزومات آن برنامه است. متأسفانه در جامعه ایران، چنین مراکزی یا هنوز بوجود نیامده و یا اگر هم هست، ناشناخته هستند. این یکی از آسیب‌های جدی در این عرصه محسوب می‌شود.



شماره ۳، زمستان ۱۳۹۵

نگاه سنتی جامعه و عدم اعتماد کافی به فضای مجازی:

یکی از مهم‌ترین موانع و آسیب‌های جدی در عدم موفقیت اشتغال در فضای مجازی، نگاه سنتی و عدم دسترسی قشر زیادی از افراد جامعه به اینترنت و همچنین عدم اعتماد به این فضا برای ایجاد فضای تبادل اسناد مالی است. این امر تنها با اطلاع رسانی، آگاه‌سازی و شفافیت در طول زمان به دست می‌آید.

موازی‌کاری در برخی از فعالیت‌های اقتصادی در فضای مجازی:

موازی‌کاری در بسیاری از مواقع، در فضای حقیقی هم آزار دهنده است. این در حالی است که اگر یک شغل بدون در نظر گرفتن ظرفیت خالی در جامعه ایجاد شود، صدمات بسیاری را به صاحبان آن شغل وارد می‌کند. همین اتفاق در فضای مجازی هم به اعتمادسازی ضربه می‌زند و چنانچه طبق ظرفیت‌های موجود تدابیری اندیشیده نشود، مسلماً با شکست مواجهه خواهد شد.

عدم آشنایی با مشاغل فضای مجازی:

بسیاری از کسانی که فضای مجازی را به عنوان یک فضای ایده‌آل برای ایجاد کسب‌وکار انتخاب می‌کنند، با آسیب‌های این فضا و مشاغل قابل اجرا، در حد مطلوب آشنایی ندارند. همین امر می‌تواند مسیر رسیدن به اهداف را تغییر دهد و گاه به عدم موفقیت منجر شود.

عدم آشنایی و رعایت فرهنگ فعالیت در فضای مجازی:

در استفاده‌هایی که از فضای مجازی می‌شود، متأسفانه در خیلی از مواقع، فرهنگ و ادبیات این فضا توسط دست‌اندرکاران و بازاریابان سازمان‌ها رعایت نمی‌شود. مثلاً در طراحی وب سایت‌ها، هر آنچه که امکان قرارگیری در سایت وجود داشته باشد را مورد استفاده قرار می‌دهند، بدون آنکه به این نکته توجه شود که قرارگیری هر چیزی، در هر جایی باید دلیل و هدف خاصی داشته باشد. مثلاً در برخی سایت‌های مالی می‌بینیم که «اوقات شرعی» گذاشته شده، یا در برخی از سایت‌های سازمان‌های غیرمالی و سازمان‌هایی که فعالیت‌های ارزی ندارند، نرخ ارز قرار گرفته است! چنین امری موجب شده برخی از سایت‌ها به ارائه اطلاعاتی پردازند که مورد نیاز بازدیدکنندگانی که به قصد خاصی وارد سایت سازمان شده اند، نیست. این اطلاعات بی‌مورد، تنها صفحات آن سایت را شلوغ می‌کند. از مهم‌ترین مواردی که در خصوص فرهنگ استفاده از فضای مجازی باید مورد توجه قرار گیرند، توجه به «زمان» است. فضای مجازی متولد عصری است که در آن افراد با حجم گسترده‌ای از اطلاعات، که به سرعت هم در حال افزایش و انتقال است، روبه‌رو هستند. لذا «زمان» دغدغه اصلی آنها است.

درک چنین شرایطی کمک می‌کند تا متناسب با درخواست و نیاز مخاطب برنامه‌ریزی کرده و عمل نماییم. برای این منظور رعایت موارد زیر قابل توصیه است: انتقال اطلاعات، شفاف، راحت و به دور از پیچیدگی باشد، به گونه‌ای که مخاطب با صرف کمترین انرژی و زمان، بتواند بیشترین اطلاعات را کسب نماید. اطلاعات، هرچه مستقیم‌تر و بدون حاشیه‌تر انتقال یابد و از مقدمه و توصیفات اضافی اجتناب گردد، قابل استفاده‌تر خواهد بود. اگرچه در رسانه‌های مکتوب، توصیف و توضیحات اضافی، می‌تواند در جذابیت مطلب موثر باشد، ولی در فضای مجازی بهتر آنست که مطلب مورد نظر با حداقل کلمات انتقال یابند.

بنابراین، نیاز مخاطب را پیش‌بینی کنید و متناسب با آن، اطلاعات کاربردی را انتقال دهید. به این فکر کنید که هدف از طراحی یک صفحه، در سایتتان چه بوده است و چرا این صفحه باید در سایت شما قرار بگیرد؟ مخاطب با ورود به آن صفحه چه چیزی را جست‌وجو می‌کند؟ تنها صفحاتی را طراحی و تولید کنید که بتواند مورد استفاده مخاطب قرار گیرد. در فضای مجازی مفاهیم با ساختارهای مختلفی می‌توانند انتقال یابند. به عبارت دیگر، فضای مجازی تنها محدود به «متن» برای انتقال مفاهیم نیست. می‌توان از عکس، فیلم و صدا نیز استفاده نمود. استفاده از تصاویر، نمودارها و فیلم‌های آموزشی، برای انتقال راحت‌تر و سریع‌تر مفاهیم کارساز است.

با توجه به موارد گفته شده، می‌توان این مطلب را خاطر نشان کرد که فضای مجازی همچون کلیه فضاهای موجود در عصر کنونی، دارای مزایا و معایب بسیاری است که فرصت‌ها و تهدیدهایی را خلق می‌کند و چنانچه بر این فضا با تکیه بر کارآفرینی و اشتغال و تدابیری از جمله آموزش، توانمندسازی، حمایت و ایجاد نهادهایی برای حمایت و سازماندهی و نظارت بر این فضا فکری نشود، به اعتماد در مخاطبین لطمه وارد می‌شود.

اگر آسیب‌های فضای مجازی به دقت بررسی و کاهش مضرات آن مدیریت شود، افراد جامعه آگاه می‌شوند و می‌توانند با کمترین هزینه، فرصت شغلی مناسبی به دست آورند.



او تمام زندگیم

ترس تمام وجودم را فرا گرفته بود. بدنم می‌لرزید از طوفان‌های روزگار. این‌که نکند تنها بمانم میان گرگ و میش زندگی. زبانم بند آمده بود و افکارم یارای تمرکز نداشت. دلهره داشتم از این‌که نکند من بمانم و یک صندلی چرخدار، و دست‌هایی که توانایی راندن چرخ‌ها را ندارد. من بمانم و یک مسیر طولانی، و پاهایی که توان رفتن ندارند. قطرات اشک امانم نمی‌داد و بغض سنگین، راه نفسم را بسته بود.

من مانده بودم و ترسی بزرگ از آینده‌ای که هنوز نیامده و شیطانی که از ترس وجودم، قهقهه می‌زد. شیطان می‌خندید به ضعف اراده‌ام و من می‌گریستم از بی‌پناهی. یادم رفته بود قدرتی عظیم، حمایت می‌کند. یادم رفته بود تک تک نفس‌هایم را مدیون آن قدرت بی‌پایانم. فراموشم شده بود آن عظمتی که مرا حمایت می‌کند، شیطان را از پا در می‌آورد. به خنده‌های شیطان نگریستم و اشک‌هایم را پاک کردم. نفسم را تازه کردم و با تمام قدرت صدایش زدم. با تمام وجود فریادش زدم. شیطان لرزید، ذوب شد، خنده‌هایش پایان گرفت، اشک‌های من نیز همین‌طور.

نامش وجودم را گرم کرد، عظمتش اراده‌ام را بازسازی کرد و یادش به دست‌هایم قدرت راندن داد. نامش به پاهایم توان حرکت داد. یادش دلم را استوار کرد. سکان صندلی چرخدارم را گرفتم و با تمام قدرت تاختم. سکان دست دلم بود و قدرت راندن، دست «او». تمام زندگیم دست «او» ست. تمام وجودم دست «او» ست. عاشقانه صدایش زدم و تمامی ترس‌ها که زاییده شیطان بود از دلم پاک شد. با یادش دلم آرام گرفت. با یادش، تلاطم‌های دلم فرونشست. با یادش تمام هستی‌ام جان گرفت.

این من نبودم که با صندلی چرخدار می‌راندم. «او» بود که در وجودم جای گرفته بود. «او» به من قدرت می‌داد و «او» مرا هدایت می‌کرد. «او» مرا هم‌چنان و تا همیشه هدایت می‌کند. و من می‌خواهم فقط مال «او» باشم و متعلق به «او» تا ابد. تا بی‌نهایت.

فرزانه حیوطی

چند مهندس جوان، تصمیم گرفتند کاری را از اول راه بیاندازند. با توجه به رشد روزافزون و بازار داغ اپلیکیشن‌های تلفن همراه، خواستند ابزاری بسازند تا افراد معمولی هم بتوانند بدون دانش فنی، اپلیکیشن خود را تولید کنند. این چهار جوان فارغ التحصیل رشته نرم‌افزار، دور هم جمع شدند و شرکت پازلی را تاسیس کردند. فرد دیگری هم به نام داود عباسی به تازگی به‌عنوان مسول ارتباط با مشتری پازلی به آن‌ها اضافه شده‌است. بنیانگذاران این شرکت در بیرجند، حسین آریان، حمیدرضا قادری، مصطفی لطفی و محمد حسین محسنی هستند.

با آقایان مصطفی لطفی و محمدحسین محسنی در موسسه رعد دیدار کردیم و از چگونگی راه‌اندازی اپلیکیشن ساز پازلی پرسیدیم. امسال سال دومی است که این دوستان در برگزاری جشنواره فضای مجازی و توانیابان، با موسسه رعد، همکاری می‌کنند.



دوستان باید پشتکارشان را زیادتر کنند و نا امید نشوند تا به نتیجه برسند

با گوشی انجام می‌شود، حتی بازی و سرگرمی هم از طریق گوشی انجام می‌شود. در واقع گوشی تلفن همراه، همراه همیشگی افراد شده‌است. ما به استفاده فراگیر از تلفن همراه، به عنوان یک فرصت نگاه کردیم و از اواخر سال ۹۳، ساخت نرم‌افزاری را برای کسانی که برنامه‌نویسی کامپیوتری را بلد نیستند، ولی می‌خواهند از قابلیت‌های این رسانه بهره‌مند شوند، شروع کردیم. بسیاری از افراد در حوزه‌های مختلف تخصصی خود، مطالب ارزشمندی دارند و دوست دارند آن را منتشر کنند. ما سعی کردیم سیستمی درست کنیم که دغدغه دانش فنی را از دوش مخاطبان و کاربران برداریم تا این افراد بتوانند به کار تخصصی‌شان برسند و با ساختن یک اپلیکیشن برای خود، تنها دغدغه آنها تهیه محتوا باشد. سایت پازلی را در آبان ماه ۹۴ رونمایی کردیم و سال گذشته در جشنواره توانیاب و فضای مجازی که با محور اپلیکیشن‌ها برگزار شد، به‌عنوان یکی از اعضای برگزارکننده جشنواره همکاری کردیم. در این جشنواره اپلیکیشن‌های

سعی کردیم سیستمی درست کنیم که دغدغه دانش فنی را از دوش مخاطبان و کاربران بردارد تا این افراد بتوانند به کار تخصصی خود برسند و برای داشتن یک اپلیکیشن، تنها دغدغه آنها تهیه محتوا باشد

همراه هوشمند! در حال حاضر کسانی که می‌خواهند مطلبی را جستجو کنند، به جای اینکه سراغ کامپیوتر و لپ‌تاپ بروند، از طریق گوشی، کارشان را انجام می‌دهند. اطلاع‌رسانی‌ها با گوشی انجام می‌شود، یادگیری

لطفاً در مورد شرکت پازلی و دلیل راه‌اندازی آن توضیح دهید؟

لطفی: در سال ۱۳۹۰ آماری داده شد که حدود ۴۰ میلیون دستگاه گوشی تلفن همراه هوشمند، در ایران وجود دارد. اگر جمعیت ایران را ۸۰ میلیون نفر در نظر بگیریم و سالمندان و نوزادان و خردسالان را از این جمعیت کم کنیم، متوجه می‌شویم که عده زیادی از افراد جامعه و تقریباً تمام جوانان حداقل یک دستگاه تلفن همراه هوشمند دارند. من برای این‌که نفوذ تلفن همراه را در ایران به بچه‌های کلاس نشان دهم، در برنامه اینستاگرام واژه روستا را جستجو کردم و نام بیست الی سی روستا آمد که برای خود صفحه اینستاگرام دارند! یعنی تلفن همراه هوشمند در روستاها هم نفوذ کرده‌است. به عبارتی تلفن همراه در جامعه ما تبدیل به رسانه‌های شده که مخاطبانش از صداوسیما و روزنامه‌ها و نشریات بیشتر است. اگر این جمعیت ۴۰ میلیونی را سرشکن کنیم، می‌توانیم ادعا کنیم که حداقل ۲۰ میلیون از آنها کافه بازار را نصب کرده‌اند و این یعنی ۲۰ میلیون نفر مخاطب فعال تلفن‌های





محتوا یا تبلیغات خود را روی اپلیکیشن و تلفن همراه ارائه دهند، سفارش بگیرند. تا به حال شاهد چند نمونه از این اتفاقات بوده‌ایم.

افرادی که علاقمند به اپلیکیشن‌سازی از طریق شرکت پازلی هستند، چگونه می‌توانند با این سایت ارتباط برقرار کنند و چگونه می‌توانند این مهارت را به دست بیاورند؟

لطفی: کافی است که به آدرس اینترنتی سایت مراجعه کنند. پس از ثبت نام، مرحله به مرحله کار مشخص شده که باید طبق آن پیش بروند و به راحتی می‌توانند اپلیکیشن خود را بسازند.

بچه‌ها باید چه توانایی اولیه‌ای داشته باشند؟

لطفی: بیشتر از توانایی، انگیزه مهم است. سعی کرده‌ایم آن‌قدر این کار را راحت کنیم که مشکلی برای افراد بوجود نیاید و اگر احیاناً در مرحله‌ای با مشکل روبه‌رو شدند، می‌توانند از قسمتی که به‌عنوان آموزش ایجاد کرده‌ایم و با تصاویر واضح و ویدیوهای راهنما، مراحل مختلف کار را توضیح می‌دهد، استفاده کنند. کسانی که

1. www.puzzley.ir

در این جشنواره، اپلیکیشن‌های بسیار خوبی ارائه شد که یکی از بهترین‌های آن، اپلیکیشنی بود که بابک حیدری به نام «تهران برای همه است» طراحی کرده بود. در این اپلیکیشن، مکان‌های مناسب‌سازی شده در سطح شهر تهران معرفی شده‌اند

در موسسه رعد، بعد از دوره‌ای که سال قبل گذراندند، چند سفارش ساخت اپلیکیشن برای مراکز دیگر گرفته‌اند. یعنی این کار توانست یک فرصت شغلی برای کارآموزان مرکز رعد ایجاد کند. این بچه‌ها یاد گرفتند با اپلیکیشن بسازند و محتوایی تولید کنند و در بازارهایی مثل کافه بازار به فروش بگذارند و کسب درآمد کنند و یا از شرکت‌های خصوصی که نیاز دارند

بسیار خوبی ارائه شدند که یکی از بهترین‌ها، اپلیکیشن بابک حیدری به نام تهران برای همه است بود، که مکان‌های مناسب‌سازی شده در سطح شهر تهران را معرفی می‌کرد. این اپلیکیشن‌ها در یک فرایند دو هفته‌ای ساخته شد و افراد از سطحی که هیچ چیزی از اپلیکیشن‌سازی نمی‌دانستند به سطحی رسیدند که یک اپلیکیشن بسیار زیبا و کاربردی ساختند.

حسین محسنی: در واقع افراد با وارد شدن به سایت پازلی، بدون نیاز به دانش حرفه‌ای در مورد برنامه‌نویسی تلفن همراه، می‌توانند اپلیکیشن مورد نیاز خود را بسازند. این کار احتیاج به آموزش خاصی ندارد، یک سری ابزار در این سایت قرار دارد که با کلیک روی آن می‌توانند متنی را وارد کنند، عکسی را آپلود کنند و در انتها، با زدن دکمه داندود، اپلیکیشن را داندود و روی گوشی خود نصب کنند. هرکس می‌تواند در این اپلیکیشن‌ها با توجه به حوزه کاری و علاقه خودش یک سری محتوا بگذارد.

لطفی: من به جرات می‌توانم بگویم که مرکز رعد اکنون حداقل ۵-۶ نفر متخصص در تولید اپلیکیشن دارد. یکی از خبرهای خوشحال‌کننده‌ای که شنیدیم این بود که دوستانمان





مشکلی که در بچه‌ها دیده‌ام این است که خیلی از آنها، کمی قبل از تمام شدن کار ناامید می‌شوند و اپلیکیشن را رها می‌کنند. من به کارآموزانی که در کارگاه‌ها شرکت می‌کنند می‌گویم، وقتی فکر می‌کنید دیگر اپلیکیشن به جایی نمی‌رسد، کوشش و تلاش بیشتری کنید. شاید در یک قدمی موفقیت باشید. خیلی وقت‌ها، تلاش‌تان در آخرین باری که امتحان می‌کنید به نتیجه می‌رسد!

از ابتدا تا آخر کار را می‌توانند خودشان انجام دهند و بعد به کمک کافه بازار اپلیکیشن خود را ارائه دهند.

اشاره‌ای به درآمدزایی از طریق اپلیکیشن‌سازی داشتید. در این مورد بیشتر توضیح دهید؟ افراد دارای معلولیت چگونه از این طریق می‌توانند به درآمد برسند؟

لطفی: در این حوزه چهارم مدل درآمد می‌تواند مطرح باشد، که هرکس با توجه به تخصص و علاقه‌ای که دارد می‌تواند در آن کار کند و از طریق آن کسب درآمد کند.

یک مدل، پرداخت‌های درون برنامه‌ای است. به این معنی که وقتی اپلیکیشن را دانلود می‌کنیم، می‌بینیم که قسمت‌هایی از آن باز و در دسترس است و چند قسمت از آن قفل است، که برای دسترسی به مطالب این قسمت‌ها باید مبلغی پرداخته شود. مبلغی که پرداخت می‌شود، یک راه درآمدزایی است.

مدل دیگر، تبلیغات درون برنامه‌ای است. یعنی دوستان می‌توانند یک سری تبلیغات از شرکت‌های مختلف را در اپلیکیشن خود قرار دهند و از این طریق درآمد داشته باشند. هم اکنون این امکان برای تمامی اپلیکیشن‌های ساخته شده با پازلی به راحتی آماده و فراهم است. روش دیگر، فروش اپلیکیشن‌ها در

موبایل بودند و یکی از دوستان مشترک، ما را معرفی کرده بودند. آقای دشتی محتوای بسیار ارزشمندی برای اپلیکیشن‌سازی به نام ورزش افراد دارای معلولیت داشتند و این انگیزه و توانمندی ما را مشتاق کرد تا چند قدمی در این مسیر همراهشان باشیم. آقای دشتی تاکنون چندین اپلیکیشن در حوزه ورزش معلولان با استفاده از پازلی طراحی و منتشر کرده‌اند. ما سال گذشته جزو برگزارکنندگان جشنواره توانیاب و فضای مجازی بودیم. همان‌طور که گفتیم، آبان ماه سال قبل از این سایت رونمایی کردیم و با برگزاری جلسات آموزشی و کارگاهی، اپلیکیشن‌سازی را به کارآموزان رعد آموزش دادیم. در انتها، به منتخبان جوایزی اعطا شد. امسال هم مرکز رعد تمایل داشت که دوباره در این جشنواره شرکت کنیم. حضور ما در مرکز رعد، در راستای آموزش به کارآموزان است.

اتفاق مثبتی که امسال افتاد، شرکت کردن کافه بازار در این جشنواره است. در زنجیره تولید و ارائه اپلیکیشن‌ها، ما فعال هستیم و قسمت اطلاع‌رسانی اپلیکیشن‌ها، برعهده کافه بازار است. این اتفاق خیلی خوبی است که کافه بازار هم در مجموعه برگزارکنندگان جشنواره وارد شده است. کسانی که می‌خواهند اپلیکیشن بسازند

یک سری مهارت مثل؛ کار با فتوشاپ یا ورد یا مهارت‌های پایه‌ای کامپیوتری داشته باشند، خیلی زود راه می‌افتند و پیشرفتشان سریع‌تر خواهد بود.

راه‌اندازی این سایت، از چه طریق برای شما درآمد ایجاد می‌کند؟

ما روی سایت پازلی خدماتی را در چند طرح مختلف ارائه می‌کنیم. یک طرح رایگان برای کسانی که می‌خواهند اپلیکیشن‌های محتوایی بسازند، داریم؛ کسانی که محتوای ثابتی دارند و می‌خواهند نرم‌افزار خود را بسازند و ارائه بدهند. یک طرح استاندارد و یا خانواده هم برای کسانی که می‌خواهند به امکانات تخصصی‌تر و متنوع‌تری دسترسی داشته باشند داریم. دسترسی به این امکانات از طریق سرور ما با پرداخت هزینه‌هایی که تعیین شده است امکان‌پذیر است. درآمد ما از این طریق است.

ارتباط شرکت پازلی با مرکز رعد چگونه برقرار شد؟

لطفی: این ارتباط و همکاری در آشنایی ما با آقای محمدرضا دشتی، یکی از مسولین توانمند و سختکوش موسسه رعد کلید خورد. آقای دشتی برای ساخت یک اپلیکیشن موبایل در حوزه معلولان به دنبال برنامه‌نویس



«تولد ایده از یک سوءتفاهم»

ایده کاملاً اتفاقی و بر اساس سوءتفاهم به ذهن‌شان می‌رسد؛ حسین تعریف می‌کند: «ایده اولیه پازلی، پکیج‌هایی مناسب نیاز کاربر بود که روی سایت قرار می‌گرفتند. مثل یک کاتالوگ محصولات جامع. کاربران انتخاب می‌کردند اما قرار بود برنامه مورد نظرشان را خودمان بسازیم. ما با صرف چند جلسه زمان و کار کردن روی ایده، به اپلیکیشن ساز آنلاین تلفن همراه رسیدیم.» این جملات را حسین محسنی یکی از بنیانگذاران اولیه پازلی نقل می‌کند، اما پیش از این گفت چه اتفاق‌هایی رخ داده تا این تیم از بیرجند به سمت پایتخت بیاید.

حسین می‌گوید: «سه سال پیش بود که مراسم استارت‌آپ ویکند بتازگی در کشور برگزار می‌شد و یکی از بچه‌های دانشگاه‌مان در این مراسم در تهران شرکت کرد و با انرژی و شور و شوق وصف‌ناپذیری از آن مراسم برایمان تعریف می‌کرد».

این تعریف‌ها تاثیر بسزایی روی حسین و دوستش می‌گذارد و علاقه‌مند می‌شوند در یک مراسم شرکت کنند.

به فاصله اندکی خبر می‌رسد قرار است دور بعدی استارت‌آپ ویکند در بیرجند برگزار شود. حسین می‌گوید با انگیزه فراوان در این مراسم شرکت کرده و اول می‌شوند.

«اول شدن در استارت‌آپ ویکند بیرجند خیلی هیجان‌انگیز و شیرین بود، اما مثل هر اتفاق مشابه دیگری در زندگی پس از مدتی برایمان عادی شد و با خود می‌گفتیم بعدش چه می‌شود؟»

حسین ادامه می‌دهد در مراسم استارت‌آپ بیرجند با مصطفی لطفی و دیگر اعضای تیم چهار نفره‌شان آشنا شده و تصمیم می‌گیرند در رویدادهای کارآفرینی بیشتری در بیرجند و سپس تهران شرکت کنند.

کاری پیدا کنند نا امید هستند. ولی بستر فناوری اطلاعات بستری است که حتی دوستان از داخل خانه خود هم می‌توانند کار انجام دهند و به درآمد برسند. می‌توانند از پشت کامپیوتر خود چه در حوزه وب و چه در حوزه اپلیکیشن‌سازی به راحتی کار کنند. باید سطح دانش خود را بالاتر ببرند و با تلاش و پشتکار ادامه دهند. مطالب و ویدئوهای آموزشی، در هر زمینه‌ای در اینترنت وجود دارد. بچه‌ها می‌توانند سایت بسازند، اپلیکیشن بسازند و می‌توانند درآمد خود را از طریق کسب و کار در فضای مجازی بالا ببرند. این که بنشینیم و بگوییم بستر کار فراهم نیست و دولت حمایت نمی‌کند و... درست نیست. در همین شرایط افراد زیادی توانسته‌اند کار کنند و به موفقیت برسند. دوستان اگر تلاش بیشتری کنند، حتماً موفق خواهند بود.

طبیعتاً برنامه تولید شده با این سیستم قابل قیاس با اپلیکیشن‌هایی که میلیون‌ها تومان خرج‌شان شده نیست، اما استفاده از آن برای بسیاری از کسب و کارهای کوچک و متوسط و اشخاص چاره‌ساز است.

با انگیزه کار را شروع کنند، مطمئناً می‌توانند درآمدزایی هم داشته باشند.

اگر صحبتی در خاتمه با افراد دارای معلولیت دارید، بفرمایید!

لطفی: حوزه فضای مجازی حوزه‌ای است که مرز نمی‌شناسد. دوستان دارای معلولیت با توجه به شرایطشان باید ارتباط نزدیک‌تر و تعامل بیشتری با این فضا داشته باشند. دوستان در این فضا می‌توانند هر ایده‌ای را پیاده کنند و هر خلاقیتی را عملی کنند. مشکلی که در بچه‌ها دیده‌ام این است که خیلی از آنها، کمی قبل از تمام شدن کار نا امید می‌شوند و اپلیکیشن را رها می‌کنند. من به کارآموزانی که در کارگاه‌ها هم شرکت می‌کنند می‌گویم، وقتی فکر می‌کنید دیگر اپلیکیشن به جایی نمی‌رسد، کوشش و تلاش بیشتری کنید. خیلی وقت‌ها، تا موفقیت یک قدم بیشتر نمانده!

محسنی: به‌نظر من دوستان باید پشتکارشان را بیشتر کنند و زود نا امید نشوند. بعضی از دوستان به‌دلیل مشکلاتی که در جسم خود دارند و یا مشکلاتی که در جامعه با آن روبه‌رو هستند، از این که بتوانند

کافه بازار است. قیمت یک اپلیکیشن ممکن است ده هزار تومان یا بیشتر یا کمتر باشد ولی وقتی صدها یا هزاران نفر این اپلیکیشن را خریداری کنند، مبلغ خوبی به دست می‌آید. یک مدل دیگر، سفارش گرفتن اپلیکیشن از شرکت‌ها و انجمن‌ها است. دوستان می‌توانند از مراکز مختلف سفارش بگیرند و اپلیکیشن بسازند. مثالی می‌زنم: اگر سری به کافه بازار بزنید، انواع و اقسام اپلیکیشن‌هایی را می‌بینید. مثل اپلیکیشن‌های پزشکی و سلامت، آموزشی، گردشگری، برندها و...

یکی از کاربران سایت، خلاقیت جالبی به خرج داده بود. او در فصل تابستان که مردم درگیر سرویس کردن کولرها هستند، اپلیکیشنی با محتوای مطالب کاربردی در این زمینه جمع‌آوری کرده بود و در کافه بازار قرار داده بود. او در همان ماه اول سیصد هزار تومان فروش داشت. این دوست می‌گفت، که می‌خواهد تعداد اپلیکیشن‌هایش را به ده اپلیکیشن افزایش بدهد و از این طریق بتواند سه میلیون تومان درآمد کسب کند. درآمدزایی از این طریق به خلاقیت خود دوستان ارتباط دارد. فرصت خیلی خوبی است و اگر بچه‌ها





"دونیت" یک پلتفرم (کلریزان ایرانی) است که بر روی تامین سرمایه برای پروژه‌هایی که تأثیرات اجتماعی دارند، تمرکز می‌کند. این سایت از دو سال قبل توسط محی سنسیل راه‌اندازی شد و سپس با مشارکت جواد یزدانی، کارشناس طراحی صنعتی و یاشار ایمانلو ادامه پیدا کرد.

برای اطلاع از کم و کیف فعالیت این وبسایت به سراغ جواد یزدانی یکی از سه سهام‌دار شرکت "دونیت" رفتیم تا از چگونگی راه‌اندازی این سایت و فعالیت‌هایش سوال کنیم.

کارآفرینی اجتماعی می‌گوید، هم خودت بهره‌مند شو و هم به دیگران بهره برسان

فعالیتی را ناممکن کرده‌بود. من خودم از دور در جریان این فعالیت‌ها بودم اما امکانش را مهیا نمی‌دیدم. بعد از فارغ‌التحصیلی به شیراز برگشتم و در یک شرکت به‌عنوان مدیر طراحی محصول مشغول به کار شدم. البته در تبریز هم مدتی به‌عنوان مدیر برندینگ یک مجموعه کار می‌کردم ولی همیشه به دنبال این بودم که کار خودم را به‌عنوان یک کارآفرین راه‌اندازی کنم، چون روش‌هایی که اساتید در دانشگاه و مدیرعامل در شرکت می‌گفت را قبول نداشتم. حس می‌کردم همه این روش‌ها ایراداتی دارد که اگر کار مال خودم باشد می‌دانم که در بازار چطور عمل کنم تا فعالیت‌م رشد کند و حوزه‌اش گسترده شود.

این ایده‌ها همیشه با من همراه بود تا این که یک روز صبح در شرکتی که مشغول به کار بودم تصمیم عجیبی گرفتم. نامه استعفا را روی میز مدیرعامل گذاشتم! این در حالی بود که به جایگاه تثبیت شده‌ای در شرکت رسیده بودم، ارتقای شغلی گرفته بودم و کمتر از یک ماه تا مراسم

همیشه به دنبال این بودم که کار خودم را به‌عنوان یک کارآفرین راه‌اندازی کنم، چون روش‌هایی که اساتید در دانشگاه و مدیرعامل در شرکت می‌گفت را قبول نداشتم

این طریق جمع‌آوری می‌شود محصول جدید تولید شده و مشارکت‌کنندگان هم کالا را دریافت می‌کنند.

چنین حرکت‌هایی که در ایران وجود نداشت؟
این فعالیت‌ها در خارج از ایران و به خصوص در آمریکا شروع شده بود و خیلی هم رونق داشت. ولی برای طراحانی که در ایران مایل به استفاده از چنین بستری بودند، تحریم‌های بانکی و عدم امکان جابه‌جایی پول درحوزه بین‌المللی، امکان چنین

لطفاً در ابتدا خودتان را معرفی کنید.

جواد یزدانی ۳۲ ساله و متولد شیراز هستم. کارشناسی طراحی صنعتی از دانشگاه هنر تبریز را دارم و مدتی در حوزه طراحی محصول در یک شرکت خصوصی مشغول به کار بودم. در نوجوانی به شاخه‌های مختلف هنری علاقه‌مند بودم. قبل از این که وارد دانشگاه شوم دیپلم گرافیک از هنرستان هنر را گرفته‌بودم. البته در کنار آن تاتر و موسیقی هم کار می‌کردم، آهنگ می‌ساختم و می‌نواختم. ولی به تدریج به علاقه اصلی خودم پی بردم و آن ورود به حوزه‌ای بود که به بهبود زندگی مردم منجر می‌شد. با قبولی در رشته طراحی صنعتی و تحصیل در این رشته به این هدف نزدیک شدم. متوجه شدم در دنیا پلتفرم‌هایی وجود دارد که طراح یک محصول جدید، طرح خود را در این گونه وبسایت‌ها معرفی می‌کند. افرادی که به تولید این محصول علاقه‌مند می‌شوند، پیشاپیش می‌توانند تعدادی از آن را پیش خرید کرده و یا در خرید سهام شرکت مشارکت کنند. با مبالغی که از



عروسی‌ام زمان داشتم. قاطعانه به این نتیجه رسیده بودم که کار مورد علاقه من چنین کاری نیست، چون کنترل زندگی دست فرد دیگری است. من می‌خواستم کار خودم را راه بیندازم. خوشبختانه همسرم هم با این تصمیم مخالفتی نکرد و چون دغدغه‌هایم را درک می‌کرد، با من همراهی کرد. ده‌ها طرح را بررسی کردم ولی آرزو داشتم یک وب‌سایت تامین سرمایه جمعی را خودم راه‌اندازی کنم. بالاخره همین کار را هم کردم. شروع به جستجو کردم تا ببینم در این زمینه در ایران کار مشابهی شروع شده است یا نه؟ همه کلیدواژه‌ها در این موضوع را جستجو کردم و دیدم فقط یک سایت در ایران وجود دارد که این تیتراژ با خود یدک می‌کشد. این سایت گفته بود ما تنها پلتفرم کراودفاندینگ ایرانی هستیم (تامین مالی جمعی را کراودفاندینگ می‌گویند). ولی عملاً متوجه شدم که این فقط یک نام است ولی در داخلش اتفاقی نیفتاده است. تلاشی صورت گرفته بود ولی چون مشارکتی جلب نشده بود، این فعالیت خوابیده بود. پس فهمیدم که رقیبی ندارم و اگر موفق شوم اولین در ایران هستم. خیلی تلاش کردم و از منابع مختلف بهره گرفتم تا به یک تحلیل نسبتاً جامع از چگونگی راه‌اندازی این وب‌سایت مطابق با فرهنگ ایرانی رسیدم. خودم به بازاریابی و شناخت نبض بازار و تبلیغات مسلط بودم اما به دنبال کسی بودم که در زمینه فنی تخصص داشته باشند و بتوانند اپلیکیشن بنویسند. من پولی برای استخدام کسی نداشتم پس به فکر شراکت با فردی مناسب افتادم. در همین جستجوها بودم که به سایت تازه تاسیسی به نام "دونیت" برخوردم. محی سنپسل چندروز قبل سایت "دونیت" را با هدف دیگری راه‌انداخته بود. این سایت تنها سایتی بود که در این موضوع فعالیت خود را شروع کرده بود و توانسته بود به جابه‌جایی پول هرچند خیلی محدود دست پیدا کند. در آن ایام "دونیت" هنوز یک نسخه آزمایشی بود ولی حضور موفقیت‌آمیزی را شروع کرده بود.

فعالیت "دونیت" در چه سالی شروع شده بود و شما در چه زمانی با آن آشنا شدید؟

"دونیت" در حدود شهریور سال ۹۲ آغاز به کار کرده بود و من چند ماه بعد با آن آشنا شدم. هر روز فعالیتش را دنبال می‌کردم تا این

افراد بسیاری در صندوق‌های صدقه پول می‌ریزند و یا حاضرند برای کار خیر کمک‌هایی انجام دهند. افراد دیگری هم هستند که حاضرند برای یک فعالیت سودآور، سرمایه‌گذاری کنند. «دونیت» آمادگی دریافت انواع و اقسام ایده و ارائه کردن آنها برای گروه هدف خاص خود را دارد

که یک روز با آگهی "دونیت" مبنی بر درخواست شراکت مواجه شدم. در این پیگیری‌هایی که داشتم متوجه شدم که شماره تلفن تماس با دونیت مربوط به شیراز است. خیلی عجیب بود که دو نفر در یک شهر و در یک محله به یک فکر مشترک برای کارآفرینی رسیده‌اند! نکته‌ای که در آگهی علاوه بر شماره تلفن، نظر من را جلب کرد متن این آگهی بود که نوشته بود: من یک فرد برنامه‌نویس و فنی هستم و شراکت فردی را می‌خواهم که در تبلیغات و مارکتینگ حرفه‌ای باشد! این اتفاق مانند جور شدن یک پازل بود. بالاخره با محی سنپسل، مدیر سایت دونیت تماس گرفتم و وقتی مطلع شدم که او هم به تازگی به تهران آمده و در این شهر زندگی می‌کند اولین قرار گفت‌وگوی حضوری را گذاشتم. در این گفت‌وگو هر دو به این نتیجه رسیدیم که چون دغدغه‌های مشترکی داریم می‌توانیم با هم شریک شویم.

چگونه این شراکت را آغاز کردید؟

در ابتدا وارد شتاب دهنده کسب و کارهای نوپا می‌گویند شدیم و کار را شروع کردیم.

دانشگاه تهران چنین حوزه‌ای را راه‌اندازی کرده بود؟

دانشگاه تهران فضا را در اختیار گذاشته بود ولی راه‌اندازی این حوزه مربوط به معاونت فناوری ریاست جمهوری بود که به یکسری شتاب دهنده مجوز داده بود تا کار را شروع کنند. مجوز این کار را دادند تا ما هم بتوانیم در چنین عرصه‌هایی وارد شویم. اوتاک اولین در ایران بود. از ما دعوت

کردند و گفتند کمک می‌کنیم که رشد کنید و سرمایه‌گذار پیدا کنید و کسب‌وکار خود را گسترش دهید. من و محی خیلی زود و کمتر از یک ماه با هم متصل شدیم. بعد از این مرحله از افراد دیگری هم مثل یاشار ایمانلو دعوت به مشارکت کردیم. دعوت از فردی مثل یاشار که مشغول به کار بود و درآمد مناسبی هم داشت کار سختی بود. به او گفتیم فعلاً حقوقی برای هیچ کدام از ما وجود ندارد، فقط امیدواریم که رشد کنیم. سهام شرکت را بین خودمان سه نفر تقسیم کردیم و با امید به آینده شروع کردیم.

شما سه نفر از ابتدا با هم شروع کردید و تا الان از این مشارکت و ورود به این حوزه راضی هستید؟

صد درصد راضی هستیم. یاشار هم شیرازی بود و ما سه نفر شیرازی در تهران همدیگر را پیدا کردیم و در یک شراکت موثر شروع به کار کردیم. در دنیای جدید دوره کار انفرادی گذشته است، ولی پیدا کردن شریک امین هم دشوار است. ما هر سه شانس آوردیم که شراکت خوبی در فعالیت‌مان شکل گرفت.

آشنایی ما با "دونیت" از طریق آقای سنپسل در بنیاد توسعه کارآفرینی زنان و جوانان شکل گرفت. ایشان در معرفی و چگونگی کارآفرین شدن خود گفت: من همیشه با بیدار شدن در صبح زود از دوران بچگی مشکل داشتم و اکثراً به مدرسه دیر می‌رسیدم. بعد از اتمام تحصیلات دانشگاهی هم استخدام در شرکتی که باید هر روز کارت می‌زدیم برایم سخت بود. این شد که به فکر راه‌انداختن کاری افتادم که مال خودم باشد و پاسخگو به دیگران نباشم. کمی درمورد ایشان بگویید.

محی‌الدین سنپسل بچاری، به واسطه سابقه‌ای که در فن‌آوری اطلاعات داشت، کار برنامه‌نویسی و طراحی وب‌سایت را انجام می‌داد. او چند دوره در برنامه استارت‌آپ ۲ در شیراز شرکت کرده بود. کارآفرین‌ها سه روز آخر هفته جمع می‌شدند و شروع یک کارآفرینی را آزمایش می‌کردند. شروع این کار با سایت گوگل و برای تشویق کارآفرینی شکل گرفته بود. گوگل یکسری چارچوب مشخص کرده و گفته بود؛ در هر جای دنیا با این چارچوب‌ها کار کنید ما از شما حمایت

از نتیجه کارشان باخبر شوند؟

فرقی که این سیستم با سیستم‌های سنتی دارد این است که گزارش کار با تصویر مرتباً به کاربران ارائه می‌شود و آنها در جریان اتفاقی که با پولشان می‌افتد قرار می‌گیرند. بعد از اتمام هر پروژه نتیجه کار در سایت قرار می‌گیرد تا همه کاربران بفهمند که با پولی که داده‌اند چه اتفاقی افتاده است.

خودمان را موظف کرده‌ایم که کاربران، اثر کارشان را به طور دقیق و شفاف ببینند. در صفحه اصلی سایت چیزی داریم به نام سند شفافیت که ریال به ریال کمک‌هایی که دریافت شده و در مسیر پروژه خرج می‌شود در معرض دید کاربران قرار می‌گیرد. هر کاربری هر زمان که بخواهد به لیست این کمک‌ها و موارد مصرفش دسترسی دارد. اگر پروژه مربوط به تولید یک محصول هم باشد گزارش قدم به قدم تولید محصول در سایت گذاشته می‌شود. این در جریان بودن، موجب اعتماد آنها و تشویقشان به ادامه مسیر می‌شود، ادامه مسیری که با اندک مبلغی جریان پیدا می‌کند.

مسیری که در این دو سال گذرانده‌اید را توضیح دهید، از کجا شروع کردید و حالا مشغول چه پروژه‌های هستید؟

از روز اولی که شروع به راه‌اندازی چنین پروژه‌ای کردیم در این که از جانب مردم جواب می‌گیریم یا نه بسیار تردید داشتیم. نمی‌دانستیم با شرایط دشوار اقتصادی که در کشور حاکم است آیا کسی حاضر می‌شود پولی را برای یک کار خیریه یا تولید یک محصول بدهد؟ ولی با امید به آینده کار را راه انداختیم و در شروع به طرز غیرقابل باوری با استقبال کاربران روبه‌رو شدیم. این استقبال موجب شد که به ادامه کار امیدوار شویم.

با چه پروژه‌ای شروع کردید؟

اولین پروژه ما راه‌اندازی یک کتابخانه برای دبیرستان دخترانه‌ای در روستای عاشقلو در منطقه کلیبر در مرز ایران و ارمنستان بود. روستایی که در زلزله ورزقان ویران شده بود و یک موسسه خیریه (نیک‌گامان جمشید) در این روستا مدرسه دخترانه‌ای ساخته بود و حالا می‌خواست کارگاه کامپیوترش را تجهیز کنند. ساختن این دبیرستان دخترانه بهانه‌ای بود که اهالی به ادامه تحصیل دخترانشان ترغیب شوند.

کارآفرینی اجتماعی می‌گوید؛ هم خودت بهره‌مند شو و هم به دیگران بهره برسان. سودت را کنار نگذار ولی دیگران را هم توانمند کن و توانمند شدن دیگران باشد

وجود دارند که توانایی اجرایی بالایی برای انجام کارهای عام‌المنفعه دارند اما پول ندارند، "دونیت" حلقه واسطی است که می‌گوید بیا بیاید معرفی‌تان می‌کنم تا کسانی که به طرح شما علاقه‌مند شدند در تامین هزینه کمکتان کنند.

افراد بسیاری در صندوق‌های صدقه پول می‌ریزند و یا حاضرند برای کار خیر کمک‌هایی انجام دهند. افراد دیگری هم هستند که حاضرند برای یک فعالیت سودآور، سرمایه‌گذاری کنند. "دونیت" آمادگی دریافت انواع و اقسام ایده‌ها و ارائه کردن آنها برای گروه هدف خاص خود را دارد. مخاطبان کراود فاندینگ مردم هستند. مردم با ایده شده آشنا می‌شوند و اگر تشخیص دادند که این طرح اگر اجرا شود تاثیرگذار خواهد بود در تامین هزینه‌اش مشارکت می‌کنند. اگر مردم پاسخ مثبت دهند یعنی برای آن ایده مشتری وجود دارد.

یک مشتری در چه حدی می‌تواند در اجرایی شدن طرح کمک کند؟

با هر میزانی می‌توان به طرح کمک کرد. از یک هزار تومان تا مبالغ بالاتر. اینجا جایی است که به جای این که یک یا دو سرمایه‌گذار با پول‌های هنگفت و قراردادهای عجیب بخواهند سرمایه‌گذاری کنند، افراد عادی با هر میزان پولی می‌توانند مشارکت کنند. چرا از بستر وسیعی که در ایران از لحاظ جمعیت وجود دارد استفاده نشود؟ اگر مثلاً ۵۰۰ نفر هر کدام ۵۰۰ تومان کمک کنند فشاری به آنها نمی‌آید ولی کار خیری به سرانجام می‌رسد.

مکانیسمی وجود دارد که کاربران این سایت

می‌کنیم. این کار در ایران راه افتاده بود و چند دوره هم در شیراز برگزار شد. محی با یک ایده، مشابه چیزی که الان در دونیت جریان دارد وارد این برنامه‌ها شد. اساس این ایده از سایت‌های عام‌المنفعه و سرویس‌های رایگانی است که در دنیا جریان دارد، مثل ویکی‌پدیا که به رایگان مقالاتش را در اختیار همه قرار می‌دهد. اینها موسساتی عام‌المنفعه هستند که سودشان به همه مردم می‌رسد.

محی به واسطه فعالیتش در فضای وب و فضای مجازی با این حوزه آشنا شده بود و احساس کرد که در ایران که فعالیت‌های عام‌المنفعه زیادی وجود دارد جای چنین حوزه‌ای خالی است. برای همین دکمه‌هایی طراحی کرده به نام دونیت باتن، (دکمه‌های صدقه) این دکمه را سایت‌های مختلف تعبیه می‌کنند و می‌گویند این دکمه را بزن تا وارد پیوند شوی و هر مبلغی که خواستی به ما کمک کنی. موسسات بزرگی که از این موارد حمایت می‌کنند، برای خودشان هم تبلیغ می‌شود و از این طریق اعلام می‌کنند که مسوولیت اجتماعی خود را انجام داده‌اند. مثلاً مایکروسافت یک میلیون دلار به ویکی‌پدیا می‌دهد و می‌گوید من مسوولیت اجتماعی خودم را انجام دادم. هر کسی در حد توان خودش می‌تواند کمک کند. به این ترتیب سرمایه‌گذاری جمعی به وجود می‌آید و به یک کارآفرینی منجر می‌شود. محی از مسیر کمک به جامعه خیرین این کار را شروع کرد و من از مسیر ایجاد یک کارآفرینی برای ارائه محصول. او دکمه‌های دونیت را به همین دلیل طراحی کرد. دکمه‌های مستطیل شکلی که در سایت‌های مختلف ارائه شد و در همان یکی دو ماه اول بیش از چهارصد سایت ایرانی که در بلاکشان خدمات رایگان می‌گذاشتند، این دکمه را گذاشتند.

پس "دونیت" سایتی است که ایده‌های دیگران را معرفی می‌کند و برای اجرایی شدن آن از کاربران سرمایه جمع می‌کند. درست است؟

بله. اینکار را انجام می‌دهد ولی اگر بخواهیم بگوییم که "دونیت" این وسط چه کار می‌کند، می‌توانم بگویم که "دونیت" یک حلقه واسط است. یک سری افراد در جامعه وجود دارند که همیشه به دنبال کارآفرینی هستند مثل خود ما، که به دنبال راه انداختن کار جدید هستیم. افرادی هم





این انجمن چطور با شما مرتبط شده و از شما چنین درخواستی کردند؟

اول از سایت دیجی کالا درخواست تجهیزات برای کارگاه کامپیوتر برای این مدرسه کرده بودند اما چون چنین کاری در محدوده فعالیت دیجی کالا نبود، دیجی کالا این پروژه را به دونیت ارجاع داد. برآورد آنها برای تجهیز این کارگاه حدود ۱۷ میلیون تومان بود که مبلغ بسیار زیادی بود. هر سه نفرمان بسیج شدیم و به روش‌های مختلف بازاریابی کردیم و نتیجه بسیار خوبی هم گرفتیم، نتیجه‌ای که از انتظارمان بالاتر بود. با اضافه پولی که مانده بود، اتاق کامپیوتر و تور بسکتبال و والیبال و پروژکتور مدرسه را هم تجهیز کردیم و به بچه‌ها آموزش کامپیوتر هم دادیم. مخابرات هم تلفن کشید و اینترنت راه افتاد. بازتاب رسانه‌ای این اتفاق منجر به برگزاری یک کنفرانس خبری با حضور رسانه‌های خبری معتبری همچون ایسنا شد.

در این پروژه حدود ۲۰۰ نفر مشارکت کردند که به‌عنوان اولین پروژه برای ما بسیار هیجان‌انگیز بود.

در این مسیر چه سودی به شرکت شما می‌رسد و قواعد کار در این حوزه چگونه است؟

کسب و کار چند مسیر دارد. یکی کسب‌وکاری است که کاملاً تجاری و سودآور است، یک کسب‌وکاری هم هست که به منظور کارهای عام‌المنفعه راه می‌افتد. مثل مؤسسه رعد یا انجمن‌های محیط زیستی. بحث اینها این است که ما به دنبال درآمدزایی نیستیم و هر پولی که کسب کنیم خرج پروژه می‌شود. مسیر سومی هم به تازگی مطرح شده به نام کسب‌وکار اجتماعی یا کارآفرینی اجتماعی که منافع اجتماع هم در آن دیده می‌شود. محمد یونس با راه‌اندازی بانک گرامین چنین مسیری را ابداع کرد. این چیزی بود که قبلاً هم وجود داشت اما محمد یونس به آن چارچوب داد و استانداردهایش را مشخص کرد. در فعالیت‌های خیریه‌ای همیشه نیاز مالی وجود دارد و همیشه کسانی باید باشند که حمایت کنند تا کار انجام می‌شود و چون هیچ درآمدی برای خودش نمی‌ماند نیروها بی‌انگیزه می‌شوند و ادامه کار سخت می‌شود.

کارآفرینی اجتماعی می‌گوید؛ هم خودت بهره‌مند شو و هم به دیگران بهره برسان. سودت را کنار نگذار ولی دیگران را هم توانمندکن

توانمند شدن خودت در گرو توانمند شدن دیگران باشد. این جاست که کارآفرینی اجتماعی اتفاق می‌افتد. دونیت یک کارآفرینی اجتماعی است و می‌گوید: به شرطی من رشد می‌کنم که بقیه پروژه‌ها هم رشد کنند. هر پروژه‌ای که به نتیجه می‌رسد، دونیت کارمزد تعریف شده خودش را از آن برمی‌دارد به همین دلیل هرچقدر تلاش بیشتری در به ثمر رسیدن پروژه کند، سهم خودش هم بیشتر می‌شود. منافع طرفین در این حوزه به هم گره خورده‌است. از اول آزمون و خطای بسیاری کردیم ولی در نسخه جدید با استاندارد مشخصی، سهم خود را تعریف کردیم. در تعریف جدید هفت درصد از مبلغ تامین شده‌ی هر پروژه به دونیت تعلق می‌گیرد. البته این مبلغ بسیار اندک است اما امیدواریم با گسترش فعالیتیمان این سود هم قابل قبول شود.

شما با انجمن‌های دیگری هم کار کرده‌اید؟ با مؤسسه رعد چه همکاری می‌توانید داشته باشید؟

با شخصیت‌های حقوقی که تاکنون کار کرده‌ایم یکی کانون کارآفرینی ایران بوده‌است. انجمن اوتیسم ایران، دومین پروژه‌اش را با ما کار کرد. انجمن حامی، سومین پروژه‌اش را با ما کار می‌کند، با پروژه همیاران شهر که مربوط به شهرداری است کار می‌کنیم. شرکت‌های خصوصی دیگری هم هستند که به عنوان مسوولیت اجتماعی برای خود پروژه تعریف کرده‌اند. هر انجمنی که بخواهد با دونیت کار کند، اول خودش را معرفی می‌کند، سوابق و فعالیت‌ها و شماره تماسش را می‌گوید. سمن‌ها بدون اینکه پروژه‌ای داشته باشند هم می‌توانند خودشان را معرفی کرده و درخواست حمایت کنند و از این به بعد آن مؤسسه به جای اینکه در تبلیغاتش شماره کارت و آدرس را بدهد، یک لینک و نام مؤسسه را می‌دهد. این لینک را همه جا می‌تواند ارایه کند و کاربران اگر رمز دوم داشته باشند می‌توانند هر میزان مبلغی را واریز کنند.

با مؤسسه رعد هم چنین ارتباطی می‌تواند ایجاد شود؟

مؤسسه رعد انجمن خوش نام و با سابقه‌ای است و خیلی راحت می‌شود برایش حمایت جلب کرد. البته رعد مثل موسسات دیگر می‌تواند یک پروژه

1. doneit.com/...

خاص هم برای جلب حمایت معرفی کند. با تعریف دونیت، هر پروژه از ابتدا باید مبلغش، هدفش و زمانش معلوم باشد. هر پروژه‌ای از طرف مؤسسه رعد می‌تواند با روش شدن هدفش و زمانش مطرح شود. مثلاً رعد می‌تواند اعلام کند که چند نفر از افراد دارای معلولیت عضو رعد می‌خواهند پروژه‌ای را انجام دهند. مثلاً می‌خواهند یک کارآفرینی راه بیندازند یا مثلاً صنایع دستی تولید کرده و به فروش برسانند و برای تولید مراحل مختلف آن نیاز به حمایت مالی دارند. برای تولید محصول می‌شود به روش پیش فروش عمل کرد. مثلاً می‌شود گفت برای یک مجموعه ۴ تایی، ۱۸۰ هزار تومان واریز کنید. ما تولید می‌کنیم و این ۴ محصول در اختیار شما قرار می‌دهیم. این یک معامله پایاپای است که هم کارآفرینی شده و هم مسوولیت اجتماعی را پاسخ داده است. به این ترتیب هم از این بچه‌ها حمایت شده تا توانمند شوند و هم محصول به دست حمایت کننده می‌رسد. حمایت از پروژه‌هایی که دست‌آورد دارد، معمولاً بیشتر است اما از پروژه‌های صد درصد خیریه‌ای هم اگر خوب ارایه شوند، حمایت صورت می‌گیرد. این چیزی است که در مورد انجمن اوتیسم انجام شد. هنرمندان زیادی از این انجمن حمایت کردند و مردم هم راغب شدند تا کمک کنند.

چه ظرفیتی در فضای مجازی برای کار و اشتغال افراد دارای معلولیت وجود دارد؟

ظرفیت‌های فوق‌العاده‌ای در این فضا برای کارآفرینی افرادی که مغز و ذهن سالمی دارند وجود دارد. استارت‌آپ‌های زیادی وجود دارند که افراد دارای معلولیت می‌توانند با آنها کار کنند. در حال حاضر با داشتن یک موبایل، هم می‌توان خرید و فروش کرد و هم بازاریابی. من از انواع معلولیت‌ها شناخت کافی ندارم اما می‌توانم در جلساتی با بچه‌های دارای معلولیت با توجه به نوع معلولیتشان آنها را برای کار متناسب با خودشان راهنمایی کنم.

چه چشم‌اندازی برای آینده کاری خود دارید؟

چشم‌انداز ما این است که سبیل اعتماد در عرضه کسب‌وکار شویم. آفت بزرگی که در این مورد وجود دارد بی‌اعتمادی است. ما با شفاف‌سازی مراحل کارمان درصدد رسیدن به اعتماد صددرصدی از طرف کاربرانمان هستیم.

فرزانه حیوطی متولد سال ۵۸ است. او به‌طور مادرزادی دچار مشکل استتوزز ایمپرکتا یا استخوان شکننده بوده‌است. فرزانه در کودکی راه رفتن را آغاز کرد ولی با اولین زمین خوردگی در دو سالگی، ستون فقراتش دچار انحنای شد. انحنای ستون فقرات به تدریج بیشتر و بیشتر شد تا آنکه به فرورفتگی دنده‌ها در ریه و کاهش حجم ریه و مشکل تنفسی منجر شد. فرزانه با وجود محدودیت جسمی شدید، داستان می‌نویسد، شعر می‌گوید و در فضای مجازی هم به کسب درآمد مشغول است و درآمد دارد. شاید روحیه مثبت و شاد او به دلیل وجود مادر مهربانی باشد که همه زندگیش را وقف او کرده‌است. کتاب "معلولیت نیست مانع راهم" نام کتابیست که او نوشته و انتخاب این نام، عصاره‌ای از واقعیت زندگی اوست. در کنار این مادر دوست‌داشتنی با دختر پر تلاش و صمیمی‌اش به گفت‌وگو نشستیم.



گفت‌وگو با کسی که معلولیت، هیچ‌وقت مانع راهش نبوده‌است!

پذیرفتند. خاطره‌ای دارم که در یکی از مقاله‌هایم آن را نوشته‌ام. در کلاس سوم بچه‌ها مبصر می‌شدند و من با وجود علاقه به این کار، فکر می‌کردم که هرگز نمی‌توانم مبصر شوم. یک روز معلم مرا مبصر کرد. او به من گفت، تو همانطور که نشسته‌ای از طریق صدا، اسامی بچه‌هایی که شلوغ می‌کنند را بنویس! بالاخره من هم یک هفته مبصر بودم و این خاطرای به یاد ماندنی برایم شد. دیپلمم را از مدرسه دولتی گرفتم و در کنکور شرکت کردم. در سه دانشگاه قبول شدم؛ دانشگاه آزاد قزوین، دانشگاه پیام نور در رشته مدیریت بازرگانی و در رشته کامپیوتر در دوره‌های نیمه متمرکز. به دلیل علاقه‌ای که به کامپیوتر داشتم در این رشته ثبت نام نمودم. ولی به دلیل فاصله زیاد دانشگاه از منزل، در این مدت، پدرم با اتومبیل مرا به دانشگاه می‌برد.

هفته‌ای چند روز با مادر و پدرم به دانشگاه می‌رفتم. در دانشگاه هم مشکل داشتم. کلاس‌ها اغلب در طبقات بالا برگزار می‌شدند و در دانشگاه آسانسور وجود نداشت. باز مادرم بود که مرا در بغل می‌گرفت و به طبقات بالا می‌برد و سرکلاس می‌گذاشت. خودش هم در بیرون منتظر می‌ماند تا کلاس

مدتی که در رختخواب بستری بودم، گاهی دلم می‌گرفت و چیزهایی می‌نوشتیم. کم‌کم شروع به نوشتن شعر کردم. بعضی از نوشته‌هایم از طریق انجمن باور در روزنامه‌های همشهری و مردم‌سالاری و اطلاعات هم به چاپ می‌رسید

رفتم. تا کلاس سوم ابتدایی مادرم مرا بغل می‌کرد و به مدرسه می‌برد ولی از سال چهارم به بعد، با ویلچر من را به مدرسه می‌برد و در کلاس روی نیمکت می‌نشاند. البته باید روی یک بالش کوچک می‌نشستم تا استخوان‌هایم نشکنند. استخوان‌هایم شکننده بود و باید مراقب بودم که دچار شکستگی لگن نشوم. گاهی که کلاس در طبقات بالا تشکیل می‌شد به درخواست مادرم، کلاس من را به طبقه اول منتقل می‌کردند. مسئولان مدرسه تا حدودی رعایت حال مرا می‌کردند.

رفتار بچه‌های مدرسه با شما چگونه بود؟
رفتار بچه‌ها خوب بود و راحت مرا

خانم حیوطی از کودکی‌ات برایمان بگو. دوران بچگی و مدرسه را چگونه گذراندی؟ در مدرسه معمولی درس خواندی؟

به دلیل نوع خاص معلولیتیم، از کودکی تا به حال همیشه تحت مراقبت مادرم بودم. من در مدرسه عادی و بین بچه‌های معمولی درس خواندم و فکر می‌کنم این نکته مثبتی بود که باعث شد نگاه‌های مردم برایم عادی شود و از حضور در جامعه پرهیز نکنم. در کلاس اول دبستان به دلیل معلولیت، ثبت نام نکردند و گفتند باید به مدرسه استثنایی بروم. مادرم قبول نکرد و مرا به آموزش و پرورش منطقه برد تا از من تست هوش بگیرند. بعد از نتیجه تست متوجه شدند که از نظر هوشی از حد نرمال هم بالاتر هستم. پس با توصیه مسئول آموزش و پرورش منطقه (منطقه یازده)، در مدرسه عادی ثبت نام شدم. البته مادرم متعهد شد که رفت‌وآمد مرا بر عهده بگیرد و مسئولیتی بردوش مسئولان مدرسه نباشد. در سه ماه اول به دلیل این‌که از بودن در کنار بچه‌ها خجالت می‌کشیدم، معلم کلاس اول متقبل شد که در خانه به من درس دهد. ولی کلاس دوم را به دلیل توصیه همان معلم که می‌گفت؛ باید در کنار بقیه بودن را تجربه کنم، به مدرسه





تمام شود و مرا به کلاس بعدی ببرد. بعضی از روزها هفت، هشت ساعت در دانشگاه بودیم. واقعا زحمات مادرم برای پیشرفت من غیرقابل باور است. برای پذیرش در دانشگاه باید در مصاحبه‌های شرکت می‌کردم. در این مصاحبه مدیر آموزش دانشگاه و چند نفر از مسئولان حضور داشتند و تنها یک سؤال از من کردند و آن این بود که اگر شما به جای شهردار بودید، چه کار می‌کردید؟ من گفتم، اگر به جای شهردار بودم، فکری برای افرادی مثل خودم می‌کردم که کسی مثل مادرم مجبور نباشد برای آوردن فرزندش به دانشگاه او را بغل بگیرد و از پله‌ها بالاو پایین ببرد! گفتم، چرا نباید یک ساختمان آموزشی آسانسور داشته باشد؟ چرا برای جمعیت دارای معلولیتی که در کشور زندگی می‌کنند، ارزشی قائل نیستند که شرایط ادامه تحصیل برایشان آسان‌تر شود. چرا یک فرد دارای معلولیت که علاقه به ادامه تحصیل دارد باید به خاطر شرایط جسمانی‌اش خانه‌نشین شود؟ این تنها سؤال آنها بود و پس از جوابی که دادم، پذیرفته شدم. به هر حال دوره فوق دیپلم را گذراندم. در ترم آخر بودم که به دلیل شکستگی لگن، نتوانستم به کلاس بروم. مادرم با مسئولان دانشگاه صحبت کرد و تمام جزوات درسی را از بچه‌ها گرفت. ترم آخر را غیرحضوری در خانه گذراندم. در امتحان آخر ترم شرکت کردم و قبول شدم. برای پروژه و کارورزی هم در خانه، کتابی را در مورد چاپگر لیزری ترجمه کردم و بالاخره مدرکم را گرفتم.

در حال حاضر وضعیت جسمی‌تان چگونه است؟

الآن بیشتر اوقات در خانه هستم. دکتر متخصص ریه برایم دستگاه کمک تنفسی‌ای تجویز کرده که هوا را با فشار وارد ریه می‌کند. در واقع به نوعی فیزیوتراپی ریه است. هر بار هوای بیشتری وارد ریه می‌شود که از کاهش حجم ریه جلوگیری شود. هزینه تهیه این دستگاه ده میلیون تومان بود که هزینه بالایی بود و سه سال طول کشید تا توانستیم این دستگاه را با گرفتن وام از «موسسه قرض الحسنه الزهرا» و «موسسه رعد الغدير» خریداری کنیم. بارها با بهزیستی تماس گرفتم و مادرم هم به دفعات به بهزیستی مراجعه کرد ولی گفتند برای خرید چنین وسایلی بودجه نداریم. که در آخرین مرحله بعد از سه سال مبلغ بسیار کمی کمک

کردند لذا با کمک چند تن از دوستان بزرگوار توانستیم از طریق وام اقدام کنیم. این در حالیست که این دستگاه برای بیماران استئوزوز و بیماران میوپاتی که دچار مشکلات تنفسی می‌شوند، بسیار ضروری است. حتی هنگام خواب نیز باید از این دستگاه استفاده کنیم تا دچار قطع تنفس در هنگام خواب نشویم.

چه شد که به نویسندگی و شعر روی آوردی؟

مدتی که در رختخواب بستری بودم، گاهی دلم می‌گرفت و چیزهایی می‌نوشتم. البته همیشه به خواندن مجله و روزنامه و کتاب علاقمند بودم. کم‌کم شروع به نوشتن شعر کردم و به‌خاطر علاقه‌ای که داشتم، کتاب قافیه و عروض را خریدم و آن را مطالعه کردم. به این ترتیب طرز شعر و ترانه گفتن را یاد گرفتم و به مرور نوشته‌هایم را گسترش دادم. وقتی از وجود مؤسسه‌ای به نام رعد الغدير مطلع شدم، به آنجا مراجعه کردم. در رعد الغدير در کلاس آقای افشین منش که روانشناس بودند شرکت کردم. ایشان یک کلاس فوق برنامه برای بچه‌ها در جهت افزایش اعتماد به نفس برگزار می‌کردند. در این کلاس فقط بچه‌ها صحبت می‌کردند. در آنجا با افراد دارای معلولیت و زندگی‌هایشان آشنا شدم و تصمیم گرفتم در مورد این بچه‌ها و مشکلاتشان مطلب بنویسم. مطالبی که می‌نوشتم را در کلاس می‌خواندم. بعد با انجمن باور و آقای مبصر آشنا شدم و به پیشنهاد ایشان، در یک گروه یاهو عضو شدم و مطالبم را برای این گروه فرستادم. بعضی از نوشته‌هایم از طریق انجمن باور در روزنامه‌های همشهری و مردمسالاری و اطلاعات هم به چاپ رسید. در آن زمان از مجله پیک توانا هم با من تماس گرفتند و مرا دعوت به همکاری کردند. دو سال هم برای این مجله مطلب فرستادم. ولی به‌دلیل تشدید بیماری تنفسی‌ام نتوانستم همکاریم را ادامه بدهم. با نشریه توانیاب هم همکاری‌هایی داشتم. بعد از مدتی به پیشنهاد مادرم، تصمیم گرفتم مقالات چند ساله‌ام را در کتابی جمع‌آوری کنم. با انتشارات دانشیاران ایران تماس گرفتم که هزینه چاپ را خودشان به‌عهده گرفتند و من فقط هزینه صفحه‌آرایی و طراحی جلد را پرداختم. بالاخره کتابم با عنوان «معلولیت نیست مانع راهم» چاپ شد. من این کتاب را به خاطر زحمات بی‌شائبه مادرم به ایشان

تقدیم نمودم. البته مطالب دیگری هم دارم که امیدوارم در آینده بتوانم در قالب کتاب منتشرشان کنم.

شما به غیر از فعالیت‌های فرهنگی، در حوزه فضای مجازی هم فعالیت دارید و از این طریق کسب درآمد می‌کنید. در این باره برایمان بگویید؟

بله. من دورکاری انجام می‌دهم. به دفتر کارآفرینی رعد مراجعه کرده و فرم کاربایی را پر کردم. از طرف رعد به شرکت عینک آتیک معرفی شدم. هنوز هم با این شرکت همکاری دارم. به پیشنهاد شرکت به‌عنوان مسئول دفتر، مشغول به کار شدم. در خانه کار می‌کردم. به این معنی که تلفن‌های شرکت را جواب داده و کارهای اینترنتی و ای‌میل و فاکس آنها را انجام می‌دادم و نامه‌هایشان را تایپ می‌کردم. این شرکت، هرازگاهی در دانشگاهی نمایشگاه عینک برگزار می‌کند. کار تماس با دانشگاه‌ها و هماهنگی با مدیریت آنها و مسئولان دانشگاه و ارسال اطلاعات و ای‌میل و فاکس شرکت برعهده من بود. یک ماه این کار را انجام دادم، ولی به‌دلیل مشکل تنفسی، صحبت تلفنی برایم مشکل شد. با مسئول شرکت صحبت کردم و گفتم که نمی‌توانم کار تلفنی شرکت را انجام دهم. مدتی بی‌کار بودم ولی پس از مدتی دوباره از طرف شرکت با من تماس گرفتند و خواستند که کارهای اینترنتی و کامپیوتری و جمع‌آوری اطلاعات سازمان‌ها را برعهده بگیرم. علاوه بر این، با شرکت‌های دیگری هم کار کرده‌ام. قبلا وبلاگ «معلولان و زندگی» را راه انداخته‌بودم و در آن، مقاله و اخبار معلولان را می‌گذاشتم. بعد به این نتیجه رسیدم که جای سایتی برای اخبار معلولان در فضای مجازی خالی است. در سال ۸۸-۸۹ با کمک و راهنمایی آقای سعید ضروری، معلم انگلیسی خودم، سایت اخبار معلولان را راه اندازی کردم و هر روز بعد از جمع‌آوری اخبار معلولان آنها را در سایت می‌گذاشتم. بعد به فکر یادگیری ساختن سایت‌های ورد پرس افتادم. از طریق اینترنت، مقالات آموزشی و فیلم‌های آموزشی را دانلود کردم و به یادگیری ساختن این سایت پرداختم. من از طریق مطالعات اینترنتی، اطلاعات لازم را پیدا کردم و اکنون در خانه سایت‌هایی را طراحی می‌کنم. هرازگاهی هم سفارش طراحی سایت می‌گیرم.



زحمات مادرم برای پیشرفت من
غیرقابل باور است، همیشه تمام
زحماتم به دوش مادرم بود

چه شد که به فکر کار در فضای مجازی افتادید و یادگیری آن را دنبال کردید؟

زمانی دیدم که من مانده‌ام و یک کامپیوتر و یک دنیای بیرون! من که توانایی بیرون رفتن از خانه را نداشتم پس به این نتیجه رسیدم که از این امکانات استفاده کنم، مهارتی بیاموزم و توانایی‌های خودم را افزایش دهم. البته تمام وقتم را صرف آموزش و خواندن مقالات آموزشی نمی‌کردم، در کنارش با دوستانم چت می‌کردم و فیلم‌های آموزشی زبان را دانلود می‌کردم و در جشنواره‌های وبلاگ نویسی هم شرکت می‌کردم. وبلاگی دارم با عنوان اللهم عجل لولیک الفرج که در آن مطالب و شعرهای مذهبی می‌گذارم. این وبلاگ در جشنواره انتظار، رتبه دوم را سبک کرد.

به نظر شما چه ظرفیت‌هایی در فضای مجازی برای اشتغال افراد دارای معلولیت وجود دارد؟

به نظر من دورکاری برای افراد دارای معلولیتی که مهارت‌های کامپیوتری و طراحی وب و برنامه نویسی را دارند، گزینه مناسبی است. خوشبختانه مرکز رعده این آموزش‌ها را به صورت رایگان در اختیار افراد دارای معلولیت قرار می‌دهد. این فرصت خوبی برای دوستان است که با دور کاری به درآمد برسند. به شرطی که شرکت‌ها به دلیل معلولیت، به آنها دستمزد کمتری ندهند!

من از سال ۸۸ تاکنون برای شرکت‌های مختلف کار کرده‌ام و گاهی به ازای هر سه ماه کار تنها صد هزار تومان دریافتی داشتم! گرچه من همین فرصت‌ها را هم از دست نمی‌دهم چون فکر می‌کنم حداقل هزینه اینترنت مرا جواب می‌دهد. خیلی از شرکت‌ها حاضر نیستند حقوق ثابتی برای بچه‌های دارای معلولیت در نظر بگیرند و به صورت پورسانتی به آنها حقوق می‌دهند، بنابراین اطمینانی به ادامه کار وجود ندارد. وقتی هم که حق بچه‌ها پایمال شود دستشان به جایی بند نیست و امکان پیگیری و

شکایت هم ندارد.

چه پیشنهادی برای حل این مشکل دارید؟

به نظر من نیاز است که انجمن‌هایی مانند رعده روی کار بچه‌ها نظارت داشته باشند، شرکت‌های معتبر را شناسایی کنند و به بچه‌ها معرفی کنند و در ضمن مدافع حقوق بچه‌ها هم باشند. دوستان دارای معلولیت، انتظار زیادی ندارند همین که حقوق منصفانه و منطقی به آنها پرداخت شود، راضی هستند. البته مرکز کارآفرینی رعده خیلی خوب عمل می‌کند. مرا به شرکتی معرفی کرده که کارش پشتیبانی از برنامه بازار است. من در کلاس‌های آموزشی مربوط به این حرفه آموزش دیدم و قرار است در آینده به این کار مشغول شوم. وقتی معرفی از طرف مرکزی مثل رعده صورت بگیرد، هم برای ما اطمینان بوجود می‌آید و هم احتمال ضایع شدن حقوق مان کمتر می‌شود. به نظر من با گسترش دورکاری، باید نهادها و انجمن‌هایی هم برای دفاع از حقوق افراد دارای معلولیت بوجود بیاید.

چه توصیه‌ای برای بچه‌هایی که در موسسه رعده آموزش می‌بینند دارید؟ در حال حاضر اکثر بچه‌ها یک گوشی موبایل مناسب دارند. آنها از همین طریق می‌توانند درآمد کسب کنند. کوچک‌ترین کاری که می‌توانند انجام دهند این است که دورکاری را در کانال‌های مختلف تبلیغ کنند. دوستان نباید از اول انتظار کار و درآمد بالا داشته باشند. باید کار را از مراحل پایین شروع کنند و به تدریج با کسب تجربه، به مراحل بالاتر برسند. بچه‌هایی که در رعده آموزش‌های هنری مثل نقاشی، خوشنویسی و معرق دیده‌اند می‌توانند کانال‌هایی درست کنند یا گروه‌هایی

ایجاد کنند و محصولات خود و دوستانشان را در آن معرفی و در معرض فروش بگذارند. این کار را می‌توانند از خانواده و اقوام شروع کرده و برای کارهایشان تبلیغ کنند. همین کارهای کوچک به دوستان انگیزه زندگی می‌دهد.

پیشنهادی هم برای موسسه رعده دارم که کارهای کارآموزان خود را در معرض فروش قرار دهد و از خود بچه‌های دارای معلولیت بخواهد که برای کالاهایشان بازاریابی کرده و مبلغی را به عنوان پورسانت بردارند. این چنین سیاست‌هایی بچه‌ها را تشویق می‌کند که سایت رعده را به دیگران معرفی کنند. از این طریق هم فروش تولیدات هنری بچه‌ها بیشتر می‌شود و هم به نوعی فرهنگ‌سازی در جامعه صورت می‌گیرد و از طرفی مردم هم با انجمن رعده بیشتر آشنا می‌شوند.

و سخن آخر....!

من می‌خواهم در پایان از خانواده‌ام و خصوصاً مادرم که همه زحمات‌ها را به دوشش بوده تشکر کنم. من کل زندگی‌ام را به مادرم بدهکارم چون هرچه دارم از اوست. گاهی به مادرم می‌گویم، مدرک من مال شماست. درست است که درس خواندن همت می‌خواهد، ولی اگر مادرم در طول این سال‌ها مرا به مدرسه و دانشگاه نمی‌برد من هیچ‌گونه پیشرفتی نداشتم. در کتابم هم نوشته‌ام که این کتاب را تقدیم می‌کنم به مادرم که پاهای من شد و مرا در این مسیر کمک کرد تا به آرزوهایم برسم. من پدر، دو خواهر و دو برادر هم دارم که آنها هم همیشه همراه و حامی من بوده‌اند و در مواقع نیاز کمک کرده‌اند. من از همه آنها سپاسگزارم



سرنوشت توی دستای من و توست!

بی حرکت نشستی که چی بشه ؟
تا کی؟

تا خودت نخوای هیچوقت تغییری نمی کنی
تا خودت نخوای که به مشکلات غلبه کنی هیچ کس نمیتونه کمکت کنه، پاشو
یه یاعلی بگو و آستین هاتو بالا بزن
پاشو به دورو برت خوب نگاه کن
این همه قشنگی
این همه زیبایی

این همه کسانی که میتونی حداقل تنهایی تو با اونها قسمت کنی، اما تو
نمی خوای

تو می خوای فقط یه گوشه کز کنی و بگی این سرنوشت منه؟

سرنوشت توی دستای من و توست!

سرنوشت با همت خودمون رقم زده میشه

پاشو، وقت داره می گذره

عمر رفته برای هیچ کس بر نگشته و برای تو هم هیچ وقت بر نمی گرده

به مشکلاتت، نیشخند بزن قبل از اینکه توی چنگالاش اسیر شی

دستت تو محکم به ریسمانی که خدا برات می فرسته گره بزن

ترس برو جلو

هر وقت از هر چیز ترسیدی، برو سمتش

برو توی دلش. اینطوری دیگه ترس برات معنی نداره

فقط بجنب وقت کمه

اما اگه بخوای و همت کنی، توی این وقت کم، وقت خیلی هم زیاد می آری!

فقط پاشو زودتر

چرا صورتتم خیس می شود؟

از: معصومه نوری



محسن نظری، متولد سال ۱۳۶۶ و دانشجوی ترم سوم رشته فناوری اطلاعات در دانشگاه علمی کاربردی رعد است. او دچار میوپاتی است. محسن در سال ۹۴، با مهناز مرادی پناه که مبتلا به فلج مغزی است ازدواج کرد و حاصل ازدواجشان، دختری به نام نگار است. در این خانواده دو فرزند دیگر هم به معلولیت دچار هستند. مریم و سارا، خواهران محسن هم مبتلا به میوپاتی هستند. به خانه این خانواده صمیمی سرزدیم و با محسن و مهناز و مادر مهربان که با عشق و محبت، اهالی این خانه را تحت حمایت خود قرار داده به گفت‌وگو نشستیم. جای پدرزحمتکش خانواده به دلیل مشغله شغلی، در این دیدار خالی بود.



به دوستان توصیه می‌کنم که از ازدواج نترسند

کلاس‌های کامپیوتر، فتوشاپ و زبان در موسسه رعد، شرکت کردم. در کنار کلاس‌ها از خدمات کاردرمانی رعد هم استفاده می‌کردم. پس از دیپلم در دانشگاه آزاد قبول شدم. وقتی برای ثبت نام مراجعه کردم فهمیدم که کلاس‌ها در طبقه سوم ساختمان است و آسانسور هم وجود ندارد. به این دلیل تصمیم گرفتم در دانشگاه علمی کاربردی رعد که کاملاً مناسب‌سازی شده‌است درس بخوانم. الان در رشته فناوری اطلاعات، مشغول به تحصیل هستم.

برای جلوگیری از پیشرفت مشکل جسمیتان درمانی انجام می‌دهید؟

محسن: بله. درمان‌هایی را انجام داده‌ام. قرار است در آینده مچ پایم را عمل کنم و امیدوارم پس از آن بتوانم روی پایم بایستم. مهناز: بیماری من درمان خاصی ندارد، ولی هر قدر فعالیتیم بیشتر باشد، وضعیت جسمانی‌ام بهتر می‌شود و هرچه فعالیت کمتری داشته باشم، پاهایم خشک می‌شوند و حرکت برایم سخت‌تر می‌شود.

به خاطر شرایط جسمانی‌ام و این‌که در آمدی نداشتم، به فکر ازدواج نبودم. ولی خانواده خصوصاً مادرم، به من پیشنهاد ازدواج دادند و گفتند که نگران نباشم و تا وقتی که مستقل شوم، به من کمک می‌کنند

لطفاً خودتان را معرفی کنید و بگویید چه مشکل جسمی دارید؟

من، محسن نظری هستم. پدر و مادرم با هم فامیل هستند و من و یکی از خواهرانم، مریم، هر دو به میوپاتی مبتلا شدیم. من در کودکی راه می‌رفتم، بعد شروع به لنگیدن کردم و به مرور، بیماریم پیشرفت کرد تا جایی که الان روی ویلچر می‌نشینم. من، مهناز مرادی پناه، متولد سال ۶۵ هستم. مشکل من فلج مغزی است و از بدو تولد به دچار این مشکل هستم. خانه‌دار و مادر یک نوزاد دو ماهه به نام نگار هستم.

در مورد میزان تحصیلاتان بگویید؟ آیا به مدرسه عادی می‌رفتید؟

مهناز: من تا سوم ابتدایی بیشتر درس نخواندم و بعد از آن در خانه بودم و خانه‌داری می‌کردم. در زلزله رودبار و منجیل خانواده‌ام را از دست دادم. تنها من و پدرم در این حادثه زنده ماندیم. یک برادر دارای معلولیت هم داشتم که در این حادثه از بین رفت.

محسن: من در مدرسه استثنایی درس خواندم، چون مدارس معمولی مناسب‌سازی نبودند. من از ابتدا





چه شد که به فکر ازدواج افتادید؟

محسن: به خاطر شرایط جسمانی‌ام و این‌که درآمدی نداشتم، به فکر ازدواج نبودم. ولی خانواده خصوصاً مادرم، به من پیشنهاد ازدواج دادند و گفتند که نگران نباشم و تا وقتی که مستقل شوم، به من کمک می‌کنند. مادرم از طریق یکی از آشنایان با خانواده همسر آشنا شدند و بعد از مدتی به خواستگاری رفتیم. سال ۹۳ عقد و سال ۹۴ عروسی کردیم. الآن هم یک دختر دو ماهه داریم.

مهناز خانم! خانواده شما در مورد ازدواج چه نظری داشتند؟ با ازدواجتان موافق بودند؟

مهناز: ازدواج ما به‌صورت سنتی بود و ما از قبل با هم آشنایی نداشتم. خانواده همسر به خواستگاری آمدند و من هم قبول کردم. البته اوایل پدرم مخالف بود چون محسن کار نداشت و پدرم نگران اداره زندگی من بود. ولی خانواده محسن اطمینان دادند که از ما حمایت می‌کنند. بنابراین پدرم راضی شد و ما ازدواج کردیم. من مادر ندارم و خانواده‌ام را در زلزله رودبار و منجیل از دست داده‌ام. فقط من و پدرم از این حادثه جان سالم به در بردیم. پس از این اتفاق پدرم مجدداً ازدواج کرد و من سه برادر، از همسر دوم پدرم دارم.

محسن: به‌هرحال زندگی دو فرد دارای معلولیت با یکدیگر بسیار دشوار است و حتماً با مشکلات زیادی روبه‌رو خواهند بود. به همین دلیل هم پدر همسر ابتدا مخالف این ازدواج بود، ولی اطمینان از حمایت خانواده‌ام از ما، باعث شد که ایشان رضایت دهند. خدا را شکر دو سال است که ازدواج کرده‌ایم و خیلی هم راضی هستیم.

مهناز: من اکنون یک خانواده جدید دارم و از این بابت خیلی خوشحالم. با خانواده همسر زندگی می‌کنم و یک دختر تندرست هم دارم که به زندگی ما گرما بخشیده‌است. خدا را شکر می‌کنم که خانواده‌ای خوب و همسری مهربان دارم.

با توجه به تجربه مطلوبی که از ازدواجتان دارید، آیا به کسانی که مانند شما معلولیت دارند، ازدواج را توصیه می‌کنید؟

مهناز: من از این‌که ازدواج کردم، بسیار راضی هستم. ولی هر کسی باید شرایط شخصی خودش را در نظر بگیرد و با توجه به این شرایط،

ما اکنون در منزل پدر و مادرم، یک اتاق داریم و با کمک آنها زندگی می‌کنیم و خدا را هم شکر می‌کنیم. من از پدر و مادر که حامی ما هستند، بسیار سپاسگزارم ولی می‌دانم که تامین مخارج دو خانواده توسط پدر، فشار زیادی را به او وارد می‌کند

تصمیم به ازدواج بگیرد. به‌هرحال ازدواج یک مرحله مهم از زندگی هر انسانی است و همه افراد بهتر است که این تجربه را داشته باشند.

محسن: در ازدواج افراد دارای معلولیت، شرایط مالی و حمایت خانواده خیلی مهم است. حمایت خانواده‌ها باعث دلگرمی و آرامش برای آنها می‌شود. من اگر توانستم ازدواج کنم، به خاطر حمایت خانواده‌ام بود. اگر این حمایت وجود نداشت، امکان ازدواج نداشتم. فردی که معلولیت دارد هم مثل همه مردم، نیاز به ازدواج دارد و حق دارد که همسر بگیرد و خانواده تشکیل دهد. این وظیفه نهادهای دولتی است که از ازدواج معلولان حمایت کنند. این در حالیست که متأسفانه در کشور ما این شرایط وجود ندارد. ما اکنون در منزل پدر و مادرم، یک اتاق داریم و با کمک آنها زندگی می‌کنیم و خدا را هم شکر می‌کنیم. من از پدر و مادر که حامی ما هستند، بسیار سپاسگزارم ولی می‌دانم تامین مخارج دو خانواده بار بزرگی بر دوش پدرم است.

مادر! از شما بشنویم:

مرضیه قهرمانی، مادر محسن هستیم. من پنج فرزند دارم که سه نفر از آنها یعنی محسن و مریم وسارا دارای معلولیت مادرزادی هستند. من دیدم که محسن در سنی است که باید ازدواج کند و تا وقتی که ما هستیم و می‌توانیم به او کمک کنیم، بهتر است سروسامان بگیرد. ما اهل قزوین هستیم. به یکی از اقوام خود در قزوین سفارش کردم که دختر مناسبی را برای محسن پیدا کند. مهناز از این طریق به ما معرفی شد.

محسن اول با پیشنهاد ما مخالفت کرد و می‌گفت که با شرایط جسمی و وضعیت مالی که دارد، ازدواج کردن برایش سخت است. ولی من و پدرش به او اطمینان دادیم که تا جایی که بتوانیم، به او کمک می‌کنیم. پس از آن به خواستگاری رفتیم و با وجود اینکه پدر مهناز در ابتدا مخالفت می‌کرد، رضایت ایشان را به‌دست آوردیم و این ازدواج صورت گرفت. اکنون پسر و عروسم با ما زندگی می‌کنند. گرچه زندگی در یک اتاق برایشان مشکل است، ولی تا زمانی که بتوانند مستقل شوند، می‌توانند در کنار ما باشند. الآن هم یک دختر زیبا و تندرست دارند که باعث خوشحالی همه ماست. من از اینکه پسر و عروسم با ما زندگی می‌کنند، خیالم راحت است و خدا را شکر می‌کنم که توانسته‌ایم کمک حالشان باشیم.

آقا محسن! شما قبل از ازدواج، مشاوره ژنتیک هم انجام دادید؟

محسن: قبل از ازدواج برای مشاوره ژنتیکی به یکی از مراکز بهزیستی مراجعه کردیم. مشاور این مرکز به ما گفت که اصلاً نباید بچه‌دار شویم، چون امکان معلولیت در فرزندمان بسیار زیاد است. این صحبت باعث مایوس شدن من و همسرم شد. او به بچه نداشتن راضی شد ولی من پیشنهاد مشورت با پزشک دیگری را دادم. همین کار را کردیم و پزشک جدید ما را به یک مرکز ژنتیک ارجاع داد تا آزمایشات ژنتیکی انجام دهیم. قصد این کار را داشتیم ولی با شنیدن مبلغ بالایی که باید پرداخت می‌کردیم، دچار تردید شدیم! بالاخره عروسی کردیم و پس از عروسی بلافاصله بچه‌دار شدیم. برای تشکیل پرونده پزشکی، به همان پزشک مراجعه کردیم، وقتی که او متوجه شد که آزمایش ژنتیک انجام نداده‌ایم، دعوایمان کرد. دوباره نا امید شدیم. در همین زمان بود که شنیدیم یکی از دوستان دارای معلولیت که با فرد دارای معلولیت دیگری ازدواج کرده بود، بچه‌دار شده و خداوند پسر تندرستی به آنها داده است. از این خبر خیلی خوشحال شدیم و آن‌را نشانه‌ای از طرف خدا دانستیم و امیدوار شدیم. البته در ماه پنجم بارداری، همسرم آزمایش آمنیوسنتز را انجام داد که جوابش خوب بود. حالا هم دخترم نگار، کاملاً



نمی‌شود برای همیشه
به حمایت خانواده‌ها تکیه کرد.
هر کسی باید بتواند
روی پای خود بایستد و
استقلال پیدا کند

دانشگاه دوستان زیادی از بین افراد بدون معلولیت دارم که ارتباط خیلی خوب و دوستانه‌ای باهم داریم. افراد دارای معلولیت باید اعتماد به نفس و روابط عمومی خوبی داشته باشند تا بتوانند خودشان را در گروه‌های مختلف جامعه وارد کنند. افرادی که معلولیت دارند باید در جامعه حضور داشته باشند تا دیده شوند و جامعه به توانمندی‌هایشان پی ببرد. شرایط کنونی جامعه ما نسبت به قبل خیلی بهتر شده است. تشکیل دانشگاه علمی و کاربردی رعد که هم از افراد تندرست و هم افراد دارای معلولیت ثبت نام می‌کند، سیاست خیلی خوبی است. انجمن‌هایی مانند رعد، باعث شناخته شدن معلولان در جامعه شدند. به یاد دارم قبلاً وقتی بیرون از خانه می‌رفتم، مردم به عنوان یک فرد ناتوان و مستحق به من نگاه می‌کردند و اگر چند دقیقه کنار خیابان می‌ایستادم، به من پول می‌دادند! کمک به قشر دارای معلولیت وظیفه دولت و جامعه است، ولی نگاه ترحم‌آمیز و از بالا به پایین چیزی نیست که معلولان به آن احتیاج داشته باشند. آخرین صحبت‌م به دوستانم این است که اگر ما در جامعه دیده نشویم، کسی متوجه مشکلات ما نمی‌شود و حقوقمان نادیده گرفته می‌شود. وقتی پانزده درصد از جمعیت جامعه معلولیت دارند، باید مسئولان فکری با حال آنها کنند و در رفع مشکلات آنها بکوشند.

محیط کار و کنار آمدن با محیط‌های مناسب‌سازی نشده ندارند. دورکاری نیاز به مهارت کامپیوتری، یک دستگاه کامپیوتر و اینترنت دارد که در هر خانه‌ای می‌تواند وجود داشته باشد. بقیه‌اش بر عهده خود بچه‌هاست که دانش و مهارت خود را به‌روز کنند. البته روابط عمومی بالا هم از دیگر مهارت‌هایی است که برای ارتباط با افراد جامعه بسیار ضروری است. هر کسی باید روی پای خود بایستد و استقلال کاری پیدا کند. نمی‌شود برای همیشه به حمایت خانواده‌ها تکیه داشت. یکی از مشکلات اساسی بچه‌های دارای معلولیت علاوه بر اشتغال، مسکن است. به تازگی شنیده‌ام که بهزیستی قرار است سی میلیون تومان وام خرید مسکن به معلولان بدهد، واضح است که با این مبلغ نمی‌شود مسکنی خریداری کرد. امیدوارم مسئولان فکری به حال مسکن افراد دارای معلولیت کنند.

اگر صحبتی با دوستان خود دارید بگویید؟

محسن: من به دوستانم توصیه می‌کنم که گوشه‌نشین نباشند. این که بعضی از بچه‌ها ترجیح می‌دهند، فقط با افرادی مثل خودشان ارتباط داشته باشند، درست نیست. بیشتر دوستان من افراد بدون معلولیت هستند. من هیچ موقع خودم را از سایر افراد جامعه جدا نکرده‌ام و هیچ‌وقت خودم را کمتر از یک فرد تندرست نمی‌دانم. اکنون هم در

سلامت است و همه ما شکرگزار هستیم. به همین دلیل به دوستان هم توصیه می‌کنم که از ازدواج نترسند. البته باید تمام آزمایشات و اصول مراقبتی را از قبل رعایت کرد ولی به خدا توکل کنند.

شما در رشته فناوری اطلاعات مشغول به تحصیل هستی. با توجه به آشنایی که به دلیل رشته تحصیلی‌ات با این رشته پیدا کرده‌ای، فکر می‌کنی در فضای مجازی امکان اشتغال برای افراد دارای معلولیت وجود دارد؟ چه آینده شغلی برای خودت می‌بینی؟

محسن: امروزه کار در فضای مجازی یا دورکاری یکی از راه‌های اشتغال در جامعه است. دورکاری فضای مناسبی برای اشتغال افراد دارای معلولیت است، چون آنها در محیط خانه می‌توانند درآمدزایی داشته باشند. من تا به حال چند دورکاری مانند، کارهای نرم‌افزاری کامپیوتر و نرم‌افزاری موبایل انجام داده‌ام و تا حدودی هم درآمد داشته‌ام. گرچه در حد کمک خرجی بود، نه در حد گذران زندگی. البته از مرکز کارآفرینی رعد هم، کاری به من پیشنهاد شد که به خاطر وقت زیادی که از من می‌گرفت، قبول نکردم. امیدوارم پس از پایان تحصیلاتم در این حوزه فعال‌تر شوم و به درآمد قابل قبولی برسم. دورکاری برای افراد دارای معلولیت بسیار مناسب است، چون احتیاجی به رفت‌وآمد، کمک گرفتن از دیگران برای حضور در



عسل فواید و کاربردها در پزشکی

عسل حاوی ۷۰ تا ۸۰ درصد شکر است و از مقادیر بالای مونوساکاریدهای فروکتوز و گلوکز، تشکیل شده است. آب و مواد معدنی نظیر آهن، کلسیم، منیزیم، پتاسیم و فسفات نیز سایر ترکیبات آن را تشکیل می‌دهند. عسل همچنین دارای خواص ضد عفونی‌کننده و ضدباکتری است. به گفته وزارت کشاورزی ایالات متحده آمریکا هر قاشق غذاخوری عسل که حدوداً ۲۱ گرم است، ۶۴ کالری، ۱۷/۳ گرم کربوهیدرات و صفر گرم چربی و پروتئین دارد. انتخاب عسل به‌جای قندوشکر، باعث افزایش تدریجی سطح قند خون می‌شود که در نهایت به کنترل سطح گرسنگی کمک می‌کند. ضمناً خواص آنتی‌اکسیدانی، ضد میکروبی و تسکین‌دهنده عسل را نباید فراموش کرد. عسل کمی اسیدی است و از رشد باکتری‌ها جلوگیری و خاصیت آنتی‌اکسیدانی آن نیز به پاکسازی رادیکال‌های آزاد کمک می‌کند. اما این چند مورد تمام فواید عسل را نشان نمی‌دهند. زیر به برخی فواید شناخته شده عسل اشاره خواهیم کرد:

۲- اسهال و استفراغ کودکان

در یک مطالعه بالینی عسل بعنوان یکی از ترکیبات به کار رفته در محلول‌های مایع درمانی خوراکی استفاده شد و مشخص شد می‌تواند مدت اسهال باکتریایی را در کودکان کوتاه کند.

۱- رفلکس

در مطالعه‌ای که در مجله پزشکی انگلستان به چاپ رسید مشخص شد عسل ۱۲۵ برابر آب مقطر در دمای بدن (۳۷ درجه سانتی‌گراد)، ویسکوزیته دارد و ناحیه بالای معده را پوشش می‌دهد و از افزایش و بالا آمدن سطح اسید معده جلوگیری می‌کند. پس می‌تواند در جلوگیری از رفلکس مؤثر باشد.

۳- ترمیم زخم و سوختگی

از عسل می‌توان به‌صورت موضعی برای درمان زخم نیز استفاده کرد. در التیام سوختگی نیز ممکن است مؤثر باشد و ارزانتر از سایر مداخلات بویژه آنتی‌بیوتیک‌های خوراکی است که عوارض جانبی زیادی نیز دارند. البته باید دقت داشت که نمی‌توان از عسل به‌جای روش‌های درمانی تجویز شده استفاده کرد.



۴- درمان آلرژی‌ها

مطالعاتی وجود دارند که اثر عسل را در به حداقل رساندن آلرژی‌های فصلی نشان می‌دهند. همچنین سازمان بهداشت جهانی و انجمن کودکان آمریکا، عسل را به‌عنوان نوعی درمانگر طبیعی توصیه می‌کنند که می‌تواند سرفه را تسکین دهد. ضمناً در یکی از مطالعات مجله کودکان^۱ مشخص شد که مصرف عسل، سرفه‌های شبانه را کاهش می‌دهد و کیفیت خواب را در بین کودکانی که مبتلا به عفونت تنفسی فوقانی هستند، بهبود می‌بخشد.

1. pediatrics

۵- مقابله با عفونت‌ها

عسل حاوی پروتئین دفاعی است که توانایی خوبی برای از بین بردن باکتری‌ها دارد. عسل همچنین می‌تواند مقاومت باکتری‌ها به آنتی‌بیوتیک‌ها را کاهش دهد. خاصیت میکروب‌کشی عسل طبیعی ۳ برابر عسل صنعتی است.

۶- جلوگیری از درماتیت و مشکلات پوستی ناشی از پرتودرمانی در بیماران مبتلا به سرطان سینه

با تمام خصوصیات که برای عسل برشمرديم باید به این نکته توجه داشت که عسل نوعی قند است و باید در حد متعادل مصرف شود. انجمن قلب آمریکا به زنان و مردان توصیه می‌کند که به‌ترتیب بیش از ۱۰۰ و ۱۵۰ کالری در روز از قندهای اضافه شده استفاده نکنند. که این مقدار تقریباً برابر ۲ قاشق غذاخوری در روز برای زنان و ۳ قاشق غذاخوری برای مردان است. عسل همچنین می‌تواند حاوی اسپورهای سمی به نام بوتولونیوم باشد و منجر به بوتولیسم در نوزادان شود. بوتولیسم نوعی مسمومیت غذایی نادر اما جدی است که باعث فلج شدن می‌شود. حتی عسل‌های پاستوریزه نیز ممکن است محتوی این اسپورها باشند. به همین دلیل کودکان زیر ۱ سال نباید از عسل استفاده کنند.

(کارشناس ارشد تغذیه)

Reference: www.medicalnewstoday.com

نویسنده و مترجم: زهرا غلامپور



نام کتاب: روستای الکترونیکی

مولفین: دکتر علی اکبر جلالی، مهندس سعید روحانی، مهندس محمدامین زارع

ناشر: مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران
سال انتشار: ۱۳۸۵، تهران



این کتاب دارای يك مقدمه و پیشگفتار بوده و در ۶ فصل تدوین شده است. کتاب حاضر به منظور آشنا نمودن علاقه‌مندان به توسعه فن آوری اطلاعات و استفاده از کاربردهای آن در روستاها تالیف شده است.

اول باید بدانیم روستای الکترونیکی چیست؟ روستای الکترونیکی روستایی است که فناوری اطلاعات چهره آن را دگرگون نموده و کاربردهای الکترونیکی در زندگی مردم روستا کاملاً مشهود است. در این روستا مردم به کاربردهای مختلف فناوری اطلاعات از جمله دولت الکترونیکی تجارت الکترونیکی، آموزش الکترونیکی، بهداشت الکترونیکی دسترسی داشته و امور روزانه خود را در زمینه کشاورزی و دامداری از طریق سیستم‌های الکترونیکی انجام می‌دهند.

در فصل اول این کتاب، درباره دستاوردهای اجتماعی اقتصادی روستای الکترونیکی از جمله؛ کاهش مهاجرت روستاییان به شهر، توسعه آموزش‌های روستایی، توسعه و ترویج کشاورزی، توسعه نیروی انسانی و افزایش بازدهی عملکرد واحدهای تولیدی مطالب مبسوطی بیان شده است.

فصل دوم، شامل خدماتی است که روستای الکترونیکی به روستاییان ارائه می‌دهد که از جمله آنها می‌توان به دولت الکترونیکی اشاره کرد. در بخش دیگر، مزایای دولت الکترونیکی و آرکان آن شمرده شده و مطالبی نیز در مورد خدمات دولت به کارمندان و خدمات آموزش از راه دور به روستاییانی که مشاغل تمام وقت دارند، عنوان شده است.

فصل سوم، پیرامون تجارب توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات روستایی در جهان می‌باشد. در این فصل در مورد اتحادیه جهانی ارتباطات و فناوری اطلاعات و ارتباطات روستایی که یکی از سازمان‌های تخصصی شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل می‌باشد و وظایف آن توضیح داده شده و نیز در مورد اقدامات اتحادیه اروپا در روستاهای اروپا مطالبی بیان شده است.

مبحث بعدی این کتاب، در مورد تجارب فناوری اطلاعات و ارتباطات در روستاهای ایران است. در کتاب به روستای شاهکوه، از توابع شهرستان شاهرود اشاره شده که نخستین روستای الکترونیکی در ایران است.

در فصل پنجم و ششم کتاب، در مورد مراکز خدمات و فناوری اطلاعات و ارتباطات روستایی، اهداف و خدمات این مراکز و همچنین مدل‌های عمومی مراکز فناوری روستایی در ایران و کشورهای نظیر مالزی، هند، مغولستان و همچنین در مورد یافته‌های داخلی و خارجی در مورد روستای الکترونیکی به تفصیل توضیح داده شده است.

۱ - این کتاب را می‌توانید از: مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت - تهران نارمک تلفن: ۷۷۲۴۰۴۲۵ و فروشگاه شماره ۱: میدان انقلاب - خیابان شهید منبری جاوید (اردیبهشت) پلاک ۱۸۲ تلفن: ۶۶۴۶۶۹۰۰ تهیه نمایید.



می‌خواهیم بدانیم شهر دلخواه و ایده‌آل برای هر یک از اقشار جامعه، چه شهری است؟



گفتگو با سیامک مقدم
مدیر دفتر اسکان بشر سازمان ملل متحد در ایران

هویتات یا برنامه اسکان بشر به عنوان سازمانی زیر مجموعه سازمان ملل متحد در سی و هشت سال قبل تاسیس شده است. این سازمان در سال ۱۳۸۸ در ایران شروع به فعالیت کرده و اهداف خود را پیگیری می‌کند. موضوع فعالیت این سازمان مربوط به اسکان بشر است. موضوع روز جهانی اسکان بشر در سال ۲۰۱۴ سکونت‌های غیررسمی (زاغه‌ها) و در سال ۲۰۱۵، توجه به فضاهای عمومی مناسب برای استفاده همگان بود. با فعالیت‌های این دفتر در موسسه رعد آشنا شدیم؛ روزی که نماینده این سازمان به رعد آمده بود تا امکان همکاری با این سمن را بررسی کند. برای آشنایی بیشتر با فعالیت‌های آن، به محل دفتر سازمان ملل متحد در دوس رفتیم. در این دیدار با سیامک مقدم، نماینده و رئیس دفتر اسکان بشر سازمان ملل متحد، دکتر سارا حبیبی، کارشناس برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای و جیران کردستانی هماهنگ کننده کمپین ملی شهری ایران به گفت‌وگو نشستیم که می‌خوانید.

دست به گریبان هستند. در کشور ما تغییرات اقلیمی باعث خشک شدن دریاچه ارومیه شده است، در پاکستان نظم باران‌های موسمی به هم خورده است. این تغییرات اقلیمی در زندگی مردم تاثیرگذار است. تغییرات اقلیمی باعث بارندگی در مناطقی شده که قبلاً باران نداشتند و مردم آگاهی و آمادگی درمورد سیل و باران ندارند. بنابراین در برنامه‌ریزی و توسعه شهری پارامترهایی اضافه شده‌اند. سی و هشت سال پیش در رابطه با تغییرات آب و هوایی صحبتی نمی‌شد، از کنفرانس ریو به بعد بود که بحث محیط زیست مورد توجه قرار گرفت یا در مورد تغییرات اقلیمی در پاریس توافق‌هایی انجام شد. اینها موضوعات جدیدی هستند که وقتی به مسایل توسعه شهری نگاه می‌کنیم باید مورد توجه قرار بگیرند. در حال حاضر هیئتات یا برنامه اسکان بشر ملل متحد به طور خاص روی مسایل شهرنشینی، توسعه شهری، مسکن، اقتصاد شهری و مقاوم بودن شهر در مقابل بلایای طبیعی کار می‌کند.

از نظر عملی سازمان هیئتات چه فعالیت‌های دارد؟

سیامک مقدم: برنامه اسکان بشر ملل متحد یا هیئتات سازمان کوچکی است که زیرمجموعه دبیرکل سازمان ملل متحد فعالیت می‌کند. استقلال این سازمان

درمورد سازمان هیئتات و فعالیت‌هایش توضیح دهید؟

سیامک مقدم: هیئتات یا برنامه اسکان بشر ملل متحد، سازمانی است که سی و هشت سال پیش به‌عنوان سازمانی زیرمجموعه سازمان ملل متحد تاسیس شد. فعالیت این سازمان مربوط به اسکان بشر است و برای زندگی شهری بهتر تلاش می‌کند. در زمانی، مساله مسکن و ابعاد شهری و برنامه‌ریزی، مدنظر این سازمان بود و به مرور توجه بیشتر، بر مصالح و استانداردهای ساختمان قرار گرفت. جلوتر که آمدیم فعالیت این سازمان بر توسعه شهری متمرکز شد. البته موضوع مسکن همیشه جز لاینفک کار این سازمان بوده و هست اما اکنون

بیشتر در چارچوب شهرنشینی و توسعه شهری تلاش می‌کنیم، چون شهری شدن را عامل توسعه می‌دانیم. البته شهری شدن در صورتی اتفاق می‌افتد که، براساس برنامه‌ریزی‌های صحیح و با در نظر گرفتن مقرراتی که در جوامع بین‌المللی شناخته شده‌اند صورت بگیرد. مثلاً نمی‌توانیم در برنامه‌ریزی شهری توجه به محیط زیست، مقاومت شهرها یا مساله تغییرات اقلیمی را در نظر نگیریم. در حال حاضر تغییرات آب و هوایی تمام دنیا را تحت تاثیر قرار داده‌است و تنها به یک کشور یا قاره‌ای خاص محدود نیست. همه کشورها با تغییرات اقلیمی

هویتات یا برنامه اسکان بشر ملل متحد، به طور خاص روی مسایل شهرنشینی، توسعه شهری، مسکن، اقتصاد شهری و مقاوم بودن شهر در مقابل بلایای طبیعی کار می‌کند



ساختمان‌ها در مقابل بلایای طبیعی و سکونت‌های غیررسمی و مسکن هم می‌شود. در این دوسال فعال‌تر از قبل کار می‌کنیم و تا حدودی موفق هم بوده‌ایم. بودجه این دفتر بسیار محدود است چون باید از طریق دولت جمهوری اسلامی ایران تامین شود. فعالیت دفتر هیئت‌ات ایران با فعالیتش در کشورهای دیگر متفاوت است، چون در کشورهای دیگر ما پروژه‌های اجرایی هم داریم که بودجه‌اش را گاهی دولت‌های همان کشور تامین می‌کنند. در ایران یکی از تلاش‌هایمان این بوده که پروژه‌هایی را با دولت تعریف کنیم. چهار پروژه تهیه شده است که دوتای آن در مراحل پیشرفته است و

قرار شده که با دولت شروع به کار کنیم. یکی از آنها طرح جامع مسکن و دیگری در مورد شهرهای جدید است. شهرهای جدیدی که دولت اقدام به احداث آن کرده است، پر نشده‌اند و هر کدام به صورت معضلی درآمده‌اند. سرمایه‌گذاری‌های زیادی در این شهرها انجام شده است ولی درصد کمی از خانواده‌هایی که هدف این پروژه بوده‌اند، در این شهرها ساکن شده‌اند. در استان تهران چهار شهر جدید؛ پزند، پردیس، هشتگرد و اندیشه را داریم که به منظور سرریز شدن جمعیت حاشیه‌نشین طراحی شده‌اند که عملاً این اتفاق نیفتاد. چون جمعیت موردنظر نه استطاعت مالی مناسبی داشتند و نه از این شهرها استقبال کردند، آنها خودشان شهرهای دیگری رادر حاشیه شهرهای بزرگ ایجاد کردند. ما این طرح‌ها را در حد یک کار کارشناسی ارزیابی کردیم و چگونگی پیشرفتشان را بررسی نمودیم. فعالیت ما در ایران، عملیاتی نیست، کار ارزیابی و مشاوره‌ای است. به عنوان مثال ما به عنوان یک سازمان بی‌طرف به سازمان ملی زمین و مسکن می‌خواهیم در طرح جامع مسکن مشورت دهیم. برنامه دولت این است که دهک‌های پایین جامعه صاحب خانه شوند، انواع و اقسام سیاست‌های مختلف را هم تجربه کرده‌اند ولی هنوز به نتیجه مناسب و رضایت‌مندی نرسیده‌اند. ما این طرح‌ها را بازبینی می‌کنیم و تجربیات بین‌المللی در کشورهایی مثل چین، برزیل، مصر و فرانسه را در اختیار کارشناس ایرانی که طرح جامع مسکن را انجام می‌دهد، قرار می‌دهیم و به عنوان دفتراسکان بشر، پیشنهادات و نظراتمان را اعلام می‌کنیم.

فعالیت‌های این دفتر شناخته شده نیست. چه اقداماتی در مورد معرفی این سازمان و فعالیت‌هایش کرده‌اید؟

در بحث وظایف دفتر اسکان بشر، کارهایی انجام داده‌ایم که برای جامعه روشن شود هیئت‌ات یعنی چه؟ در جامعه علمی ایران سازمان‌هایی مانند یونسف، یونسکو، سازمان بهداشت جهانی یا سازمان خواروبار جهانی شناخته‌تر هستند ولی در مورد برنامه اسکان بشر یا هیئت‌ات، اطلاعات کافی در جامعه وجود ندارد. بنابراین

وقتی در مورد به‌سازی محله‌های قدیمی و بافت فرسوده شهری صحبت می‌شود، گروه‌های آسیب‌پذیر که شامل خانم‌های باردار، خانم‌های سرپرست خانوار، افراد سالمند و از کار افتاده و افراد دارای معلولیت هستند را هم شامل می‌شود

در حد یک برنامه است. ما مثل کمیساریای پناهندگان یا سازمان خواروبار ملل متحد یا سازمان بهداشت جهانی^۲ یک سازمان کاملاً مستقل نیستیم و تمرکزمان روی برنامه‌ها و فعالیت‌های مطالعاتی و تحقیقاتی است. پشتیبانی ما در دفتر مرکزی که در شهر نایروبی کشور کنیا است انجام می‌شود. برنامه اسکان بشر (هیئت‌ات) و برنامه محیط زیست ملل متحد^۳ دو سازمانی هستند که هر دو در کنیا یعنی در یکی از کشورهای جهان سوم مستقر هستند. ما چهار دفتر منطقه‌ای داریم که یکی در نایروبی برای افریقا، یکی در فوکوهوکای ژاپن برای آسیا و اقیانوسیه و یکی در ریو برای آمریکای جنوبی است. یک دفتر نمایندگی در نیویورک

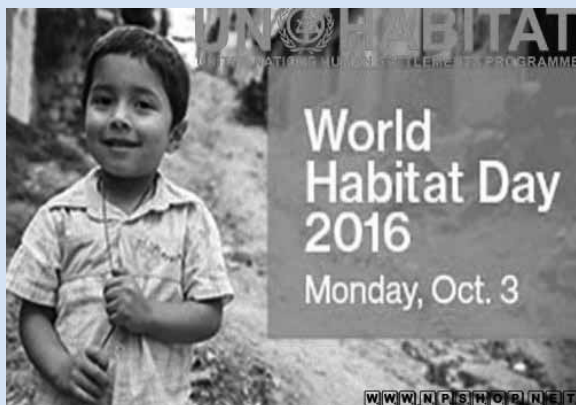
داریم و دفتری هم در ژنو داشتیم که فعلاً تعطیل شده و دفتری هم در بروکسل داریم. بیشتر کار دفتر مرکزی ما روی موضوعات علمی، آکادمیک و تخصصی است. ما در ۶۹ کشور پروژه‌هایی داریم که با همکاری دولت‌های این کشورها و با تامین بودجه از طرف کشورهای کمک‌دهنده یا دولت‌های ذی‌نفع، انجام می‌گیرد. مثلاً در افغانستان پروژه‌های بزرگی در دست اجرا داریم که تامین مالی آن را ژاپن، آمریکا، انگلیس و استرالیا برعهده دارند. ما با همکاری این دولت‌ها، طرح‌ها را اجرا می‌کنیم. بعضی از این طرح‌ها به مرحله عملیاتی هم می‌رسند. یعنی تیم مهندسی داریم که به صورت مقاطعه‌کاری بر پروژه‌ها نظارت می‌کنند و یک سری سازه‌های خاصی مانند پل، ساختمان یا تاسیساتی را می‌سازند. در کشورهایی مثل افغانستان، میانمار و در سریلانکا با تامین مالی استرالیا و با مشارکت خود مردم یعنی افرادی که ذی‌نفع هستند در حال ساخت خانه‌های استاندارد هستیم. در کشورهای که فقیرتر هستند و بودجه بیشتری از طرف کشورهای کمک‌دهنده به آنها تعلق می‌گیرد، تا حد عملیاتی هم پیش می‌رویم. ولی در بسیاری از کشورها کارهای مشورتی انجام می‌دهیم.

در ایران از چه زمانی آغاز به فعالیت کردید و در چه حوزه‌ای متمرکز شدید؟

سیامک مقدم: دفتر ایران در اردیبهشت سال ۸۸ (می ۲۰۰۹) در مراسمی افتتاح شد و به منظور همکاری با دولت در کاهش خطرات طبیعی شروع به کار کرد. در چند سال اول فعالیت این دفتر محدودتر بود ولی از دو سال قبل که من به عنوان مسوول این دفتر شروع به کار کردم، سعی کردیم دفتر فعالیت بیشتری داشته باشد. در این دوره قرارداد جدیدی با دولت پیش‌تویس کرده‌ایم که کار دفتر از موضوع بلایای طبیعی مثل زلزله، به دیگر مأموریت‌های برنامه اسکان بشر بسط پیدا کند که شامل توسعه شهری، اقتصاد شهری، مقاومت

1. FAO
2. WHO
3. UNEP





سیامک مقدم: در سال دو روز از طرف سازمان ملل به ما مربوط می‌شود. یک روز اولین دوشنبه اکتبر در هر سال است که به نام روز جهانی اسکان بشر نام‌گذاری شده و یک روز هم ۳۱ اکتبر هر سال است که روز جهانی شهرهاست. قبل از این که دفتر اسکان بشر ملل متحد در تهران تاسیس شود، وزارت راه و شهرسازی این روز را گرمی می‌داشت ولی الان دو سال است که با فعال شدن این دفتر، با همکاری وزارت راه و شهرسازی روز جهانی شهرها را فعال تر برگزار می‌کنیم. موضوع روز جهانی اسکان بشر در سال ۲۰۱۴ سکونت‌های غیررسمی مثل زناغه‌ها بود و در سال ۲۰۱۵ موضوع آن توجه به فضاهای عمومی برای همگان شد. در این موضوع مساله افراد دارای معلولیت خانم‌های باردار، سالمندان، کودکان و... به طور خیلی جدی مطرح است. در هر محله‌ای مجموعه‌ای از این افراد زندگی می‌کنند آنها باید بتوانند از فضاهای شهری مثل پیاده‌روها، میادین و محیط‌های موجود در محل استفاده کنند. ممکن است فردی نابینا باشد یا با ویلچر رفت و آمد کند. ممکن است بخواهد برای هواخوری یا برای خرید کردن بیرون بیاید، ولی در پیاده‌روها انواع و اقسام موانع را داریم که مانع حضور این افراد می‌شود. در پوستر این کنفرانس ما افراد مختلفی از زن و مرد و بچه را به صورت کاریکاتوری داشتیم ولی متوجه شدیم که معلولان جا افتاده‌اند. بنابراین در پوستری که در ایران چاپ کردیم یک فرد ویلچری را هم اضافه کردیم.

سارا حبیبی: یکی از میهمانان دعوت شده در روز جهانی اسکان بشر، یکی از هموطنان کم‌توان بود که از او خواسته شده بود تا در خصوص مسایل و مشکلات افراد کم‌توان در فضاهای شهری صحبت کند. ما شما را از طریق موسسه رعد شناختیم، هیئتات قرار بود چه ارتباطی با مرکز رعد داشته باشد؟

جیران کردستانی: ما با سمن‌های زیادی ارتباط گرفتیم و از آنها خواستیم که نظرات گروه هدف خود را در مورد شهر دلخواه جمع‌آوری کنند. رعد هم از سمن‌هایی بود که برای شرکت در کمپین ملی شهری از آنها دعوت کردیم. در صحبت‌هایی که داشتیم ابتدا قرار شد پرسشنامه‌هایی در بین افراد دارای معلولیت در این مرکز پخش شود و نظرات این افراد را جمع‌آوری کنیم. پس از مشورت با گروه آموزش رعد پیشنهاد داده شد که قبل از پخش پرسشنامه و جمع‌آوری نظرات، آموزش‌های

یکی از کارهای ما این است که هیئتات را به مردم بشناسانیم و کارکرد آن را معرفی کنیم. یکی از کارهایی که به صورت خاص درگیر آن هستیم، ایجاد کمپین ملی شهری است که با همکاری سازمان ملی زمین و مسکن صورت می‌گیرد.

در مشورت‌هایی که می‌دهید آیا نیازهای افراد دارای معلولیت در مناسب‌سازی‌های شهری هم دیده می‌شود؟

صد درصد. البته توجه داشته باشید که وظیفه دفتر اسکان بشر یا هیئتات در چارچوب توسعه شهری است و کار ما به طور مستقیم مربوط به گروه‌های خاصی از جامعه نیست. در برنامه‌ریزی شهری باید به نیازهای همه گروه‌های اجتماعی از جمله افراد دارای معلولیت توجه شود. مثلاً وقتی در مورد بهسازی محله‌های قدیمی و بافت فرسوده شهری صحبت می‌شود، طبیعتاً گروه‌های آسیب‌پذیری که شامل خانم‌های باردار، خانم‌های سرپرست خانوار، افراد سالمند و از کار افتاده و افراد دارای معلولیت هستند را هم شامل می‌شود و این افراد در چارچوب توسعه شهری، در حیطه کاری ما قرار می‌گیرند. ما می‌خواهیم با دید مثبت به این مساله نگاه کنیم. اگر از دید منفی نگاه کنیم هر یک از ما می‌توانیم ده‌ها ایراد از یک کوچه یا خیابان بگیریم. هدف ما این است که به صورت مثبت به این موضوع نگاه کنیم که چه شهری مطلوب است؟ و ارتباط ما با رعد در همین راستا شکل گرفت. فعالیت‌های این چنینی به شناسایی دفتر ما هم کمک می‌کند. شاید ده سال طول بکشد تا به مرحله‌ای برسیم که مانند سازمان جهانی بهداشت یا یونسکو و یونسف شناخته شویم ولی همین که توسط سازمان‌های فعالی مثل مرکز رعد، دانشگاه‌ها یا وزارتخانه‌ها، شناخته شویم و جامعه علمی بدانند که چنین دفتری وجود دارد و کارهایی را با کمک این دفتر می‌توان انجام داد، خیلی خوب است. دفتر هیئتات بودجه‌ای ندارد ولی اگر سازمان یا ارگانی در حال انجام پروژه‌ای باشند که در چارچوب کاری این دفتر باشد، از آنها حمایت معنوی می‌کنیم و حتی در جلسات آنها هم شرکت می‌کنیم. چندی قبل در سنندج کنفرانسی در مورد سکونت‌گاه‌های فقیرنشین برگزار شد که ما هم در آن حضور داشتیم. با همکاری دانشگاه کردستان از یکی از همکاران ما از دفتر مرکزی دعوت شده بود که برنامه‌هایی را که در سطح دنیا اجرا می‌کنیم را معرفی کند. چنین همکاری‌هایی را با سایر ارگان‌ها هم می‌توانیم داشته باشیم.

دکتر سارا حبیبی: شعار برنامه روز جهانی اسکان بشر که در اکتبر سال ۲۰۱۵ میلادی برگزار شد، فضاهای عمومی برای همگان بود. فضاهای شهری باید برای تمامی گروه‌ها از جمله کودکان، زنان، سالمندان و افراد کم‌توان مناسب و قابل دسترسی باشند. ما در این برنامه تاکید خاصی بر روی مساله افراد کم‌توان داشتیم و حتی پیشنهاد استفاده از نمادی برای نشان دادن اهمیت این گروه ارائه نمودیم. در نهایت به پوسترهایی چاپ شده در دفتر هیئتات تهران، عکس ویلچر که نمادی برای نشان دادن افراد کم‌توان بود را اضافه کردیم.



را مطرح می‌کند. مهم این است که یک کودک یا یک نوجوان دارای معلولیت صدایش شنیده شود و بگوید که من نمی‌توانم از روی جوی آب بپریم بلکه باید پلی باشد که بتوانم با ویلچر از روی آن عبور کنم. اثری که این افراد روی خانواده‌های خود می‌گذارند است که باعث می‌شود والدین این بچه‌ها به شورای محل مراجعه کنند و درخواست مناسب سازی محل را بکنند. از همین طریق است که محیط جامعه عوض می‌شود.

به نظر می‌رسد ارتباط شما با سمن‌هایی که در ارتباط با معلولیت فعالیت دارند، کمک زیادی

می‌تواند در اهداف شما داشته باشند.

سیامک مقدم: صد درصد این‌گونه است. اصولاً سمن‌ها در همه موارد نقش مهمی دارند. منتهی در کشور ما چون سمن‌ها خیلی پررنگ نیستند همین اندک سمن‌های فعال کارشان چندین برابر اهمیت پیدا می‌کند. ما از طریق سمن‌ها یا از طریق سازمان نوسازی به محله‌های ناشناخته‌ای رفته‌ایم و از گروه‌های آسیب‌پذیر نظرخواهی کرده‌ایم. از اساتید دانشگاه و دانشجویان هم نظرخواهی کرده‌ایم. این نظرخواهی‌ها منحصر به شهر تهران نیست بلکه از جاهای ناشناخته کشور نیز نظرخواهی صورت گرفته و این نظرات از طریق وب سایت به دست ما رسیده است.

کمیسیون ملی شهری چه فعالیت‌هایی را برای آینده در نظر دارد؟

سارا حبیبی: همان طور که آقای مقدم اشاره کردند در زمینه کمیسیون ملی شهری قرار بر این است که ایده‌ها و نظرات مردمی را جمع‌آوری کرده و با تحلیل و پردازش داده‌ها، گزارشی تهیه و منتشر شود. در حقیقت هدف اصلی ما این بود که بتوانیم نظرات مردمی را در کنفرانس هیئت‌ات ۳ که در اکتبر سال جاری یعنی اواخر مهرماه برگزار می‌شود، انعکاس دهیم. این برنامه فاز اول و دوم برنامه کمیسیون ملی شهری را تشکیل می‌دهد. در حال حاضر ایده‌های دیگری نیز در نظر داریم که هنوز خیلی اجرایی نشده‌اند. به عنوان مثال به دنبال آن هستیم تا بعد از کنفرانس هیئت‌ات ۳ و در فاز سوم، با نهادها، سازمان‌های دولتی و خصوصی و سایر همکاران هیئت‌ات ارتباط برقرار کرده و ببینیم در راستای تحقق اهداف مطرح شده در این گزارش چه کارهایی می‌توانیم انجام دهیم و با چه ارگان‌هایی می‌توانیم آنها را عملیاتی کنیم. اگر چنین شرایطی فراهم شود، در این مرحله نقش سمن‌ها اهمیت زیادی خواهد داشت، چون در واقع حلقه واسط به شمار می‌آیند و می‌توانند در ایجاد ارتباط میان مردم و نهادها بسیار موثر نقش داشته باشند.

دوستان و علاقمندان به شرکت در کمیسیون ملی شهری می‌توانند از طریق سایت‌های هیئت‌ات و کمیسیون اطلاعات لازم را دریافت کنند. آدرس سایت: www.irhabitat.org و www.unhabitat.org

اولیه در مورد مسائل شهری به بچه‌ها داده شود و آنها را در راستای همکاری تشویق کنیم تا فقط یک نظرخواهی خشک و خالی نباشد. پس قرار شد که دوره‌های آموزشی در مرکز رعد برگزار شود و چند نفر از افراد فعال در حوزه توسعه شهری را به عنوان سفیر انتخاب کنیم تا گروه‌هایی را تشکیل دهند و در مورد مسایل شهری بحث و گفت‌وگو کنند و در یک گروه‌مایی با نشست بزرگ‌تری نظرات خود را منتقل نمایند. در جلسه آخری که در موسسه رعد داشتیم چند نفر از افراد دارای معلولیتی که در حوزه مناسب‌سازی شهری کار کرده بودند به ما معرفی شدند و قرار شد که با این افراد به عنوان نماینده این قشر

مصاحبه داشته باشیم. تا امروز توانسته‌ایم با خانم ترانه میلادی که یکی از فعال‌ترین افراد در زمینه حمایت از حقوق شهروندی افراد دارای معلولیت و دبیر کل کانون‌های معلولین شهر تهران است مصاحبه کنیم. در همین جا از طریق نشریه توانیاب، به دوستان علاقمند اعلام می‌کنیم که اگر مایل به همکاری هستند، می‌توانند نظرات و پیشنهادات خود را در رابطه با شهر دلخواهشان به طور مستقیم برای ما ارسال کنند. ما با سمن‌های زیادی کار کرده‌ایم که آنها نظرات گروه‌های هدفشان را در قالب نقاشی، یادداشت، گفت‌وگو، صوت و برگزاری جلسات و نشست‌هایی برای ما فرستاده‌اند و ما نتایج لازم را استخراج کرده‌ایم.

سیامک مقدم: من می‌خواهم مساله را ساده‌تر بیان کنم. ما با بخشی از جامعه سروکار داریم و می‌خواهیم نظرات آنها را بدانیم. می‌خواهیم بدانیم بانوان در مورد شهر دلخواه خود چه نظری دارند؟ دوست داریم بدانیم آقایان چه نظری دارند؟ می‌خواهیم نظرات افراد با سواد و افراد بی سواد را هم بدانیم. چون نظر دادن در مورد شهر مطلوب، به سواد ربطی ندارد. کسی که سواد ندارد هم از روی تجربه روزمره زندگیش می‌تواند نظرش را به ما انتقال دهد. ما دوست داریم که خانم‌های باردار به ما بگویند شهر مطلوبشان چگونه است؟ البته به دنبال درد و دل کردن با مردم و جمع کردن مشکلات آنها نیستیم. به دنبال نظرات آنها در مورد شهر ایده‌آل‌شان هستیم. می‌خواهیم بدانیم یک شهر دلخواه و ایده‌آل برای هر یک از افراد اقشار مختلف جامعه، چه شهری است؟ می‌خواهیم بدانیم کسانی که معلولیت دارند، چه انتظاری از محیط و محله خود دارند؟ از طرفی وقتی از افراد دارای معلولیت نظرخواهی می‌کنیم باعث می‌شود این افراد یاد بگیرند که در مورد حقوق خود مطالبه داشته باشند، نسبت به حقوقشان آگاه شوند و بگویند برای ما در محله‌مان جایی را درست کنید که بتوانیم در آن خرید کنیم، راه برویم، تفریح کنیم و بازی کنیم. هرکسی با توجه به سنش نیاز خودش



دومین دوره مسابقات سوارکاری افراد دارای معلولیت برگزار شد

دومین دوره مسابقات سوارکاری افراد دارای معلولیت با حضور مسؤولان فدراسیون سوارکاری جمهوری اسلامی ایران، مدیران مجتمع رعد و سوارکاران توان‌یاب در باشگاه سوارکاری چیتگر برگزار شد.

رقابت‌های سوارکاری جانبازان و افراد دارای معلولیت در باشگاه سوارکاری چیتگر تهران با شرکت ۲۱ سوارکار دارای معلولیت از باشگاه‌های سوارکاری اسواران، آریاسب، چیتگر، شکوری، البرز و بردیا در ۴ گروه نونهالان، نوجوانان، بزرگسالان با کمک مربی و بدون کمک مربی به رقابت پرداختند و سوارکاران توان‌یاب مجتمع رعد و عضو باشگاه آریاسب با کسب چند مقام قهرمانی به کار خود در این رقابت‌ها پایان دادند.



درخشش ورزشکاران بوجیای مجتمع رعد در پارالمپاد شهرداری



ورزشکاران بوجیای مجتمع رعد در رقابت‌های پارالمپاد شهرداری تهران در کلاس‌های مختلف چند مقام به دست آوردند. این مسابقات که به میزبانی شهرداری منطقه ۴ تهران در سالن ۲۲ بهمن و با حضور قریب ۷۰ ورزشکار آقا و خانم برگزار شد، علی‌اصغر دستوری مقام اول در کلاس BC۱، علی اصانلو مقام اول در کلاس BC۳، امیر شیرزاد مقام سوم در کلاس BC۲ و خانم‌ها فاطمه بهمنی مقام اول در کلاس BC۳، فرشته جمشیدی مقام سوم در کلاس BC۱ و سمانه کوثر مدار در کلاس BC۳ مقام سوم را کسب کردند.

امضا اسناد همکاری مشترک با آسایشگاه خیریه کهریزک و جامعه معلولان ایران



با حضور جمعی از مدیران و مسؤولان آسایشگاه خیریه کهریزک و اعضا هیأت مدیره جامعه معلولان ایران ۲ تفاهم‌نامه همکاری تخصصی در زمینه مسائل مورد علاقه و مشترک با مجتمع رعده به امضا رسید.

محمد رضا صوفی‌نژاد مدیر آسایشگاه خیریه کهریزک که در صدر هیأتی از مدیران آن مؤسسه ضمن بازدید از مجتمع رعده، گفت: سالمندان، معلولان جسمی حرکتی و بیماران ام - اس، ۳ گروه از مددجویانی هستند که طی ۴۴ سال گذشته از آسایشگاه کهریزک خدمت می‌گرفته‌اند.

وی با اشاره به حلقه مفقوده اشتغال در فرآیند توانمندسازی توان‌یابان، افزود: مؤسساتی مانند رعده و کهریزک با بهره‌گیری از آموزش‌های علمی و مهارتی سعی در افزایش توانایی‌های مددجویان دارند این در حالی است که برای اشتغال پایدار، به سرمایه اولیه، تجهیزات و بازاریابی هم نیاز داریم و صرف راه‌اندازی کارگاه‌های تولیدی خیاطی، قالی بافی و معرق در داخل مؤسسات کافی نیست.

در ادامه منصوره پناهی مدیرعامل مجتمع رعده در تشریح روش پشتیبانی استخدام، افزود: از سال ۱۹۵۹ میلادی این روش در آمریکا اجرا شد و سپس در اروپا با موفقیت‌های چشمگیر پی‌گیری شد و بسیار جای خوشحالی دارد که برای اولین بار این روش در منطقه خاور میانه در کشور ایران و مجتمع رعده اجرا می‌شود.

شایان ذکر است با امضا تفاهم‌نامه خیریه رعده و آسایشگاه خیریه کهریزک، همکاری دوجانبه خود را در برگزاری کلاس‌های آموزشی، اعزام استاد و مربی، نگهداری موقت بیماران MS، توانمندسازی توان‌یابان و برگزاری برنامه‌های فرهنگی توسعه می‌دهند.

همچنین هیأت مدیره جامعه معلولان ایران با حضور در جلسه هیأت مدیره مجتمع رعده و معرفی مؤسسه متبوع خود به تشریح خدمات عرضه شده به توان‌یابان در تمام استان‌های کشور پرداختند و در ادامه با امضا تفاهم‌نامه تنظیم شده ۲ مؤسسه موافقت کردند با انجام بازدیدهای کارشناسی از محل‌های کار نیروهای توان‌یاب استان‌های تهران و البرز، ضمن مصاحبه با توان‌یابان شاغل، کارفرمایان و همکاران به استخراج نتایج حاصله پردازند و با معرفی نقاط قوت و ضعف و آرایه آنها به سایر سمن‌های همکار و دستگاه‌های دولتی مسؤول در این حوزه، گام مؤثری برای توسعه اشتغال افراد دارای معلولیت بردارند.



حضور مشترک مجتمع رعد و شرکت میراب در نمایشگاه بین المللی تأسیسات

شرکت میراب تولیدکننده شیرآلات صنعتی و تجهیزات تأسیساتی با هدف انجام مسؤلیت اجتماعی به منظور فراهم آوردن فرصت شغلی برای افراد دارای معلولیت، غرفه مشترکی با حضور مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد در پانزدهمین دوره نمایشگاه بین المللی تأسیسات و سیستم های سرمایشی و گرمایشی بر پا و فرصت برای معرفی فعالیت ها و خدمات مجتمع رعد فراهم کرد، شرکت میراب به عنوان یکی از کارآفرینان اجتماعی مرتبط با مجتمع رعد ضمن ایجاد فضای کسب و کار برای توان یابان، موفق شده ۳ نفر از کار آموختگان مجتمع رعد را برای مشاغل کارشناس خرید، ناظر دستگاه برش CNC و متصدی پاسخگویی تلفنی جذب کند.

همکاری مشترک مجتمع رعد، سازمان بهزیستی و شهرداری تهران کلید خورد



صبحانه کاری سازمان بهزیستی کشور، شهرداری تهران و مجتمع رعد با هدف اخذ توافق در زمینه پروژه مشترک مجتمع آموزشی و فرهنگی و اجتماعی حمایت از توان یابان شهر با عنوان «طرح کسب و کار مجموعه شهرواره من» در خیریه رعد برگزار شد و دکتر حسین نحوی نژاد معاون توانبخشی سازمان بهزیستی، دکتر زهرا نوع پرست مدیر کل دفتر توانپزشکی آن سازمان به همراه مهدی امیری معاون اداره کل سلامت شهرداری تهران در دفتر کار منصوره پناهی مدیرعامل مجتمع رعد، مباحث مشترک و مورد علاقه را مورد تبادل نظر قرار دادند و راه اندازی زود هنگام پروژه نواب به تصویب رساندند.

هدا تندیس شهر یاران جوان و لوح سپاس شهردار تهران به مجتمع رعد



به مناسبت مشارکت مجتمع رعد در برگزاری گردهمایی بزرگ روز ملی دختر که با ایام دهه کرامت و میلاد با سعادت حضرت معصومه (س) همزمان بود، لوح سپاس دکتر محمد باقر قالیباف شهردار تهران و تندیس «لبخند من لبخند شهر» به این خیریه اهدا شد، تیم ورزشکاران دختر رشته بوچیا در مراسم گردهمایی بزرگ روز دختر در برج میلاد به رقابت پرداختند همچنین گروهی از توان یابان دختر در مراسم جشن و کارگاه های اندیشه ورزی برای آشنایی بیشتر مردم با توانایی های دختران توان یاب شرکت کردند.



مجتمع رعد با پیاده روی خانوادگی به استقبال مراسم گرامیداشت روز جهانی معلولان رفت



حدود یک ماه پیش از رسیدن به روز جهانی معلولان مجتمع رعد در یک ابتکار اجتماعی با دعوت از شهروندان و توان‌یابان پیاده‌روی خانوادگی خیریه رعد را صبح روز جمعه ۲۱ آبان برگزار کرد.

سوم دسامبر که از سوی سازمان ملل متحد به عنوان روز جهانی معلولان نامگذاری شده است، فرصتی پدید می‌آورد تا جوامع بشری در سطوح ملی و بین‌المللی به تشریح عملکردها، سیاست‌ها، برنامه‌ها والویت‌های در نظر گرفته شده برای بزرگ‌ترین اقلیت انسانی جامعه بشری بپردازند. مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد با ۳۲ سال فعالیت در عرصه توانمندسازی افراد دارای معلولیت، هر سال با برگزاری برنامه‌های متنوع، جلوه‌ای از توانمندی جامعه هدف را معرفی می‌کند.

با توجه به تراکم برنامه‌های پیش‌بینی شده در مجتمع رعد و نیز سایر مؤسسات همکار و دستگاه‌های دولتی متولی، کارگروه برنامه‌های روز جهانی معلولان در مجتمع رعد تصمیم گرفت برنامه‌های خود را در یک بازه زمانی یک ماهه اجرا کند، مجموعه‌ای از فعالیت‌های ورزشی، علمی، کسب و کار، هنری، سرگرمی و ... در کارگروه به تصویب رسید که پیاده‌روی خانوادگی خیریه رعد به عنوان نخستین برنامه برای جمعه ۲۱ کلید خورد.

انتخاب مسیری که نظر مدیریت شهری را تأمین کند، موضوع مورد دقت برنامه‌ریزان بود و در نهایت مسیر بیمارستان آتیه تا مجتمع رعد به فاصله تقریبی ۳ کیلومتر انتخاب شد. با انتخاب تاریخ برگزاری مراسم در روز جمعه ۲۱ آبان مرحله اطلاع‌رسانی تصویری و خبری در دستور کار قرار گرفت برای این منظور ابتدا نهادهای مسوول ورزش معلولان و جانبازان از قبیل: فدراسیون ورزش جانبازان و معلولان، فدراسیون ورزش‌های همگانی و کمیته ملی پارالمپیک به همکاری دعوت شدند و در ادامه سایر دستگاه‌های مرتبط مانند سامانه حمل و نقل معلولان و جانبازان، ستاد توان‌افزایی سمن‌های استان تهران به اتفاق شهرداری منطقه ۲ از این برنامه با انتشار نشان اختصاصی خود حمایت کردند.



از آنجا که رویکرد مجتمع رعد در برگزاری رویدادها، توسعه مشارکت تشکل‌های همکار بوده و هست در این برنامه انجمن علمی و آفرینش‌های هنری معلولان ایران، جامعه معلولان ایران، مؤسسه پیام آوران ساحل امید، کانون معلولان منطقه ۲، انجمن خانواده پارکور ایران، انجمن خیریه آرمان فرصت‌های برابر و مؤسسه گردشگری معلولان پارس با انتشار لوگوی خود در پوستر این برنامه حمایت معنوی خود را اعلام کردند.

برگزاری جلسات برنامه‌ریزی و هماهنگی اجرایی با حضور اعضا گروه‌های همیاری بانوان و جوانان رعد در کنار نمایندگان انجمن‌ها و تشکل‌های همکار در نهایت به اطمینان خاطر منتهی شد تا روز جمعه شرکت‌کنندگان با حضور در ۲ ایستگاه بیمارستان آتیه برای شهروندان و ایستگاه سرای محله شهرک غرب برای توان‌یابان اجتماع کنند.

ساعت دقیقی از ۱۰ صبح گذشته بود که جمعیت از ایستگاه بیمارستان آتیه حرکت خود را آغاز کردند، حضور تمام گروه‌های سنی بسیار شوق‌انگیز بود اما زوج جوانی که با کودک خردسالشان و کالسکه در پیاده‌روی شرکت کردند توجه خیلی‌ها را به خود جلب کردند، البته از حضور پر برکت بزرگ‌ترها هم می‌شد به آسانی عبور کرد آنها نیز با حضورشان دیگران را به مشارکت در این برنامه دعوت می‌کردند در بین جمعیت حضور عزیزان هیأت مدیره و هیأت امنای رعد هم برای دوستان این خیریه بسیار قابل توجه و با اهمیت بود.

گروه پس از دقیق کمتر از یک ساعت خود را به محل ایستگاه بعدی رساند که در آنجا دوستان توان‌یاب منتظر بودند با حضور شهروندان به ایستگاه دوستان انجمن پاکور دقیقی را به اجرا برنامه‌های ورزشی پرداختند و یکی از ورزشکاران با حرکت‌های نمایشی تویی جمعیت را به تحسین و داشت. در این زمان که جمعیت به اوج خود رسیده بود، حرکت با نظم خاصی به طرف مجتمع رعد آغاز شد.

مجتمع رعد اطمینان دارد، تغییر نگرش مردم نسبت به توانایی و توانمندی‌های افراد دارای معلولیت با فراهم آوردن امکان حضور شهروندان در کنار توان‌یابان با پیش‌بینی برنامه‌ها و فضایی روحیه بخش مسیر خواهد شد بر این اساس از تمام اشخاص، دستگاه‌ها و انجمن‌هایی که در ایجاد این فضا همکاری کردند، صمیمانه تشکر می‌کند.



ملاقات هنرمندان صدا و سیما با توان یابان مجتمع رعد

عباس رنجبر تهیه کننده و کارگردان صدا و سیما در این نشست، خبر از ساخت مجموعه‌ای تلویزیونی با هدف اطلاع‌رسانی از انواع معلولیت‌ها و نیز معرفی توانایی‌های هر گروه داد و افزود: در برنامه‌ای که به احتمال زیاد با نام صدای امید یا صدایم باش تولید خواهد شد در نظر داریم ضمن ایجاد شناخت در زمینه انواع معلولیت‌ها، فضایی فراهم کنیم که جامعه با افراد موفق معلول آشنا شوند و از نزدیک مسائل این گروه از شهروندان را درک کنند.

در ادامه این نشست قاسم افشار با تأکید بر کارکردهای اجتماعی و فرهنگی موسیقی نزد آحاد مردم با یادآوری نمآهنگ‌های موفق که در زمینه آشنایی مردم با توانایی‌های افراد دارای معلولیت تولید شده، افزود: برای تولید یک آهنگ اثرگذار که موجب افزایش روحیه افراد دارای معلولیت و نیز آشنایی جامعه با تلاش‌های این بخش از هموطنان باشد، آمادگی داریم.

دکتر کیانا فرهی مجری برنامه دکتر سلام با اشاره به کارکردها متفاوت برنامه‌های تلویزیونی، افزود: ما باید بدانیم از ساخت یک مجموعه چه هدفی را دنبال می‌کنیم به عنوان مثال برخی از برنامه در صدد بیان چالش‌ها و نقاط ضعف هستند و برخی دیگر برای آرایه فعالیت‌ها و عملکردها پا به این عرصه می‌گذارند؟

منصوره پناهی مدیرعامل مجتمع رعد در پاسخ به این پرسش گفت: مجتمع رعد به عنوان یک مؤسسه که توانمندسازی افراد دارای معلولیت را پی‌گیری می‌کند در مقام مشاور و کارشناس ساخت یک برنامه تلویزیونی تأکید دارد این برنامه به هیچ عنوان چالش برانگیز نباشد بلکه می‌بایست با مخاطب قرار دادن توان‌یابان موجب ایجاد انگیزه و روحیه در آنها شود.

عباس رنجبر تهیه کننده و کارگردان صدا و سیما به اتفاق قاسم افشار خواننده موسیقی پاپ، و دکتر کیانا فرهی مجری برنامه دکتر سلام شبکه آموزش با حضور در مجتمع رعد ضمن برگزاری نشستی صمیمی با منصوره پناهی مدیرعامل مجتمع رعد از کارگاه‌های حرفه‌آموزی و توانمندی‌های کارآموزان و هنرجویان بازدید کردند.

در این ملاقات منصوره پناهی مدیرعامل مجتمع رعد با تأکید بر اثربخشی حضور هنرمندان برای مباحث فرهنگی جامعه، افزود: تغییر نگرش جامعه نسبت به توانمندی‌های افراد دارای معلولیت یکی از مسائل مهمی است که در مجتمع رعد دنبال می‌شود و رسانه ملی و برنامه‌های مختلف صدا و سیما در فرهنگ‌سازی در این حوزه و ایجاد روحیه و انگیزه در جامعه توان‌یابان بسیار اثرگذار است. وی با مثبت خواندن آثار تصویری که برای پارالمپیک ریو تولید شده است گفت: تلاش خیریه رعد در طول سالیان متمادی کمک به تغییر نگرش مردم نسبت به توان‌یابان بوده است و امروز با تشکیل گروهی از کارشناسان هنری زمینه‌های تولید آثار هنری اثربخش را فراهم کرده‌ایم.



با حضور مدیرعامل رعد از برند سیناتلا رونمایی شد

در مراسم رونمایی از برند سیناتلا که مدیران شعب سراسر کشور در هنرمندان و علاقه‌مندان این محصول حضور داشتند، سینا محمدی مدیر موفق، کارآفرین و مبتکر سیناتلا با اشاره به آرمان خلق یک برند جهانی با رویکردی کاملاً ایرانی، افزود: توجه به نیاز نسل جوان کشور و خواسته‌های متفاوتی که این بخش از جامعه جوان کشور دارد ما را متعهد به تولید محصولی در حد استانداردهای جهانی کرده و در این مسیر فرصتی برای توانمندسازی عزیزان توان‌یاب از طریق همکاری و مشارکت با مجتمع رعد فراهم کرده‌ایم.

در ادامه مراسم منصوره پناهی مدیرعامل مجتمع رعد با حضور در جایگاه، گفت: برای اولین بار در ایران یک کارفرمای جوان کارش را با لذت بخشیدن به افراد دارای معلولیت توسعه می‌دهد و در جامعه‌ای که عدم مناسب‌سازی و موانع فکری اساسی‌ترین مشکل اشتغال و فعالیت افراد توان‌یاب است، سیناتلا با مدیریت و رهبری سینا محمدی به یکی از حقوق طبیعی افراد دارای معلولیت که همان اشتغال و حضور در جامعه است، توجه می‌کند.

وی با تأکید بر مسئولیت اجتماعی صاحبان صنایع و شرکت‌های تولیدی برای حمایت از افراد دارای معلولیت، افزود: از شرکت سیناتلا و سینا محمدی به عنوان سفیر رعد بابت آموزش ۱۵ نفر از کارآموزان مجتمع رعد و دعوت به همکاری ۱۲ نفر از این گروه بسیار متشکرم.



اکران وبسایت اختصاصی کارآموزان دوره طراحی وب



با حضور مدیرعامل و جمعی از کارکنان و مدیران مجتمع رعد هر یک از کارآموزان دوره طراحی وب با اکران وبسایت‌های شخصی خود، همگان را به تحسین و داشتند.

منصوره پناهی ضمن قدردانی از تلاش‌های حمیدرضا فریدونی مدرس دوره طراحی وب، افزود: امیدوارم روزی شاهد اشتغال کامل کارآموزان این دوره در مؤسسات و شرکت‌های طراحی وبسایت باشم.

در بخش دیگری از این مراسم احسان صادق عابدین، طنناز قدس، زهرا توکلی، معصومه حفیظی، مریم حاتمی و بابک حیدری به ترتیب وبسایت‌های خود را به نمایش گذاشتند و در مورد ویژگی‌های آن توضیح دادند.



website began its activity two years ago with the collaboration of «Javad Yazdani», «Mohi Senisel» and «Yashar Imanloo», and it has been able to kick-start and endorse numerous projects through the virtual world.

The first project of this website was equipping a computer site and a sports salon in a female high school in «Asheghloo» village of the «East Azarbayejan», where the fundraising for the project exceeded expectations. By relying on winning people's confidence, «Donate» tries to expand activities the effects of which will benefit the society.

▲ A conversation with a person to whom disability has never been an impediment



A conversation with «Farzaneh Habooti», who has been suffering from osteogenesis since childhood; however, with her mother's help and support, she has managed to pursue her studies as well as to do business in the virtual world.

«Farzaneh» is a poet and a writer and has written a book entitled «Disability, Not an Impediment to Me». She believes that people with disabilities can increase their skills by hard work and obtaining knowledge of the Internet, and can make money through the boundless virtual world - a job that she herself is doing.

▲ I advise everyone not to fear marriage



A conversation with «Mohsen Nazari» who majors in Information Technology in «Ra»ad University of Applied Sciences»

«Mohsen» suffers from myopathy and in 1394 he married «Mahnaz» who is afflicted with cerebral palsy. The fruit of this marriage is a two-month old baby called «Negar».

Both «Mohsen» and «Mahnaz» are happy with their marriage, however, they don't have any income yet and live with «Mohsen»'s family in the same house. «Mohsen» wishes to go to work once he has finished his studies and to make money so that they can live independently.

▲ The secret to our success is our honesty toward people and people's confidence in us.



A conversation with «Alireza Sadeghian», the managing director of «NetBarg»

«NetBarg» is a successful example of work and employment in the virtual world which has been able to gain ground in the field of supply and demand by selling services with special discount.

According to the managing director of «NetBarg», using the endless ocean of the virtual world is the best opportunity for people with disabilities who seek job and income.

▲ A conversation with «Emad Behavar», the managing director of "Honar Mesalin Shargh" company



«Emad Behavar» is an industrial engineer who holds an MA in political sciences and sociology.

Having been active and working in industrial engineering in the field of quality control and preparing briefing plans for different projects for many years, «Behavar» has been buying and selling handicrafts in the virtual world for the last one and a half years.

He began activity in the virtual world in the field of handicrafts with the company «Digikala».

Now being in touch with the producers of handicrafts across the country, he introduces these products after gathering them and controlling their qualities, then he puts them up for sale in «Mesalin» website.

▲ Employment pathology in the virtual world
An article by «Leila Shamayeli», the social entrepreneurship facilitator

This article briefly mentions some of the harms and factors in the failing of employment success in the virtual world.

In the world today, development and accessibility to electronics is a tool equal to rehabilitation.

▲ In a conversation with the founders of «Puzzley» website, it was mentioned that everyone should step up their diligence and not relinquish hope in order to get the right result.



A conversation with «Mostafa Lotfi» and «Hossein Mohseni», founders of «Puzzley» website. This website is a virtual application designing company which helps enthusiastic people to create the application they desire without any need for technical computer knowledge. This company is one of the holders of this year and last year «Virtual World and Rehabilitation Festival».

▲ This is what social entrepreneurship suggests: do yourself a good turn and do other people a good turn too



A conversation with «Javad Yazdani», senior executive manager of "Donate" website about its establishment and activities

«Donate» is a means for providing assets from people for projects that are socially influential. This



▲ In the future, over 90% of jobs will be related to the virtual world.



A conversation with Professor «Ali Akbar Jalali», who holds a post doctoral certificate in electrical engineering, and is the full professor of the «School of Electrical Engineering» at «Iran University of Science and Technology».

According to doctor «Jalali», the virtual world is boundless and is a suitable employment place for people with disabilities who possess the knowledge for using information technology.

▲ People with disabilities can be either freelancer or self-employed

A note by «Mani Razavizadeh», a person with disability who is self-employed and is very successful because of his specialty

In this note he talks about the benefits of this kind of work for those who have problems in commuting, and by introducing different educational websites, he encourages those, who have the same problem as he does, to do this work and warns them about the harms of this method.

▲ We have decided to unveil Raad's new website on the 12th of Azar.



Conversing with Rahman Alaagheband, the director of Raad's youth cooperation group. He began his voluntary activities in this institute at the age of 15 and is currently busy launching Raad's

new website. According to him, Raad's new website is more practical and more up-to-date than the previous one and is due to be unveiled on the international day of people with disabilities.

▲ Hope and self-confidence have the leading role in career success



A conversation with «Hamid Reza Fereydooni», the web designing instructor in «Ra'ad Institute»

«Fereydooni» spent four semesters in «Ra'ad Institute» teaching the Web to enthusiastic learners; the remaining two semesters will be taken over by another instructor.

By collaborating with the entrepreneurial and educational sections, this web designing instructor is also pursuing the employment of his trainees and is hoping that a number of his trainees will be employed in the virtual world.

▲ A conversation with «Seyyed Akbar Alavi», the managing director of «Shahrvand» department store



«Virtual Shahrvand» was unveiled in Milad Tower on the 1st of Mehr with Doctor «Ali Akbar Jalali»'s attendance (he is the father of the information technology of Iran). This website has been established to solve urban problems through using the latest scientific and technological achievements, and being in line with the fulfilment of one of the most important perspectives of the municipality of Tehran (smart city).

